

بیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بیکار

دوشنبه ۲۸ آبان ماه ۵۸ بهاء : ۲۵ ریال

تردیدی نیست که شاه خائن را باید بازگرداند و حکم اعدام او را در دادگاه خلق صدها بار صادر نمود و اجرا کرد. اما این فقط جزئی ناچیز از خواستهای ضد امپریالیستی توده‌های مردم است.

مذاکرات کردستان تجربه‌ای تازه در پیش روی خلق کرد

بیرحانه، جنبش کردستان فراخواند بیاد داریم. هنوز فریادهای کوش خراسان - سران جمهوری اسلامی که رهبران مذهبی و ملی خلق

خونین و سرسختانه، خلق کرد به‌وی تحمیل گشته است. همه مایه‌های شهیدآفرینی را که هیئت حاکمه سر میداند و در حدها را ن ارتش، سپاه پاسداران و همه مردم ایران را به سرکوب

آنچه که امروز در کردستان تحت عنوان مذاکرات "هیئت حسن نیت" بارهبران ملیسی و مذهبی خلق کرد می گذرد، برای هیئت حاکمه حاصل ناخوشایندی است که پس از ما هم مبارزات

بقیه در صفحه ۲

اوج گیری مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها و استعفای بازرگان

وقتی از اعمال خائنه بازرگان و نظایر او یا چنین نرمش و "حسن نیتی" یاد میشود و وقتی با اینهمه سروصدا با زهم عنا صری چون چمران جلاد، بهشتی و قطب زاده در راه امور باقی می مانند، آقای بازرگان حسی دارد انتظار ریزند عینیت از سوی "امام" را داشته باشد.

صفحه ۱۷

اعلامیه سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران : مذاکرات هیأت "حسن نیت" رژیم در زیر بمباران وحشیانه سردشت

صفحه ۷

ما به همراه تمام نیروهای انقلابی و توده‌های آگاه خلق رفتارندم کذائی را تحریم می کنیم

صفحه ۲۳
صفحه ۱۹

صفحه ۱۵
صفحه ۹

- خلقها در سوگ زلزله خراسان
- نگاهی بر مواد قانون اساسی (۶)
- مدنی کیست؟ چرا او را کاندیدای ریاست جمهوری کرده‌اند؟
- ما و مذاکرات

جنبش گارگری

تخصیص کارگران در وزارت کار

- کارگران ایرانا (بخش چینی)
- حق سود ویژه خود را از حلقوم سرمایه دارها بیرون می کشند
- گزارش تجمع کارگران کارخانه دکتر عبیدی
- کارکنان کشت و صنعت مغان به مبارزه خود ادامه می دهند

صفحه ۳

توضیحی درباره بیانیه اخیر "کنفرانس وحدت"

صفحه ۲۲

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

مذاکرات کردستان تجربه‌ای تازه در پیش روی خلق کرد

با زهم‌بیشتر رفتن و پاسداران میباید. و زمانی که شکست در کردستان با اوج گیری مسابرات بوده‌ای در سرتا سر زمین، رژیم‌رادر بحران‌سی سخت قرار داده است، چه راهی جز عقب‌نشینی باقی میبماند؟ آری، در چنین شرایطی است که هیئت‌ها که تن به مذاکرات داده است، رژیم تلالش می‌کنند فعلاً با مذاکره تا حدودی خود را از گردابی که در آن

افشای سیاستهای جنگ افروزان رژیم در کردستان، نیروهای انقلابی کردستان بدون آنکه زشمارها و خواستهای خودشان آمده یا روش سازشکارانه‌ای درقبال هیئت‌ها که در پیش گیرند، می‌بایست با شرکت فعالانه در مذاکرات، تبلیغ خواستهای خلق کرد و افشای آنچه رژیم و نیروهای سازشکار قصد دارند بر سر آن به توافق رسند، توطئه‌های هیئت‌ها که سیاست سکوت یا تبلیغات دروغین او را خنثی سازند، این حق مسلم خلق کرد است که در جریان جزء به جزء مذاکراتی که بر سر سرنوشت او انجام میشود، قرار گیرد و اجازه ندهد کمترین سازشی در خواستهای حق طلبان و از سوی نمایندگان صورت گیرد. و این وظیفه نیروهای انقلابی و رزمندگان کرد است که با شرکت در مذاکرات، این

● شکست مفتضحانه رژیم در کردستان او را بیای میز مذاکره گشاده است.

● شرکت در مذاکرات و انعکاس فعالانه جریان‌هایی که در آن میگذرد در میان توده‌های مردم بویژه خلق کرد، خود وسیله‌ای است برای بیان هر چه بهتر خواستهای برحق مردم کرد و افشای سیاستهای جنگ افروزان رژیم در کردستان.

● این حق مسلم خلق کرد است که در جریان جزء به جزء مذاکراتی که بر سر سرنوشت او انجام میشود قرار گیرد و اجازه ندهد کمترین سازشی در خواستهای حق طلبان و از سوی نمایندگان صورت گیرد.

ا مرام عملی سازند. انفعال نیروهای انقلابی و کنا رکشیدن آنها از مذاکرات به صرف مقابله با خلقی رژیم از انجام مذاکرات تنها مسلمان دادن به تبلیغات زهرآگین مرتجعین حاکم است که با چهره‌ای آراسته به نقاب حسن نیست می‌خواهند بنظر او نمودند زنده‌گوئی آنها خواهان حل مسالمت‌آمیز و بدون خونریزی مسئله بوده‌و این سازشکاران و گروه‌های سیاسی کردستان هستند که سیاست جنگ افروزان را دنبال میکنند و مذاکره اجتناب می‌ورزند. وظیفه حساس دیگری که بر عهده تمام نیروهای کمونیست و دموکرات‌های انقلابی قرار دارد، افشای بی‌امان سیاست‌های هیئت‌ها که در کردستان است. هرگونه برده‌افکنیدن بر مفاصل واقعی هیئت‌ها که از دنبال کردن مذاکرات مسالمت‌آمیز که در نهایتاً یک عقب‌نشینی برای تیا جی دوباره در شرایطی و موقعیت بهتری باشد، دامن زدن به توهم توده‌ها نسبت به ما هیئت‌ها که همه‌سوا شدن با اپوزیسیون‌های لیبرالی است که از همان ابتدا عملکرد فاشیستی انحارگران حاکم‌رادر اوضاع و احوال بحرانی حاضر به ضرر حفظ سیستم حاکم‌برحما معمی یافتند و غرولندگنان به سازش‌کنان نیروهای سیاسی کرد را در جهت منافع رژیم جمهوری اسلامی خواستار می‌شدند. باید با افشای این جریان‌ها سازشکاران و لیبرالی‌ها توده‌های مردم نشان داد که حل مسئله کردستان و رفع ستم‌ملی و طبقاتی از این منطقه تحقیق نخواهد یافت مگر در یک حکومت دموکراتیک به مفهوم واقعی آن، در یک جمهوری دموکراتیک خلق که حقوق توده‌ها را محترم بشمارد و حق

بقیه در صفحه ۱۸

اسیر شده است تحت دهن‌باغیال خود در زمان دیگر، بدستار و راه‌های خلق کرد در مبارزه بر علیه رژیم شاه و رژیم کمونیستی یورش برد و آنها را بی‌کیبرد. بمباران و حمله‌ها سردت در روز ۱۶ آبان که منجر به ویرانی این شهر و کشتار ۴۰ تن وزخی شدن دهها نفر از مردم شده است، بمبارانی که در دست در زمان مذاکره با مصلح هیئت حسن نیت صورت گرفته است، بخوبی نیت رژیم‌رانشان میدهد. رژیم‌با این عمل در زمانی که شکست خورده است با برخ کشیدن قدرت خود و بمباران زنان و کودکان در شهر میخواستند نشان دهد که از موضع قدرت مذاکره میکند. چنین رژیمی مسلماً اگر قدرت داشته‌باشد، تن به هیچ مذاکره‌ای نخواهد داد.

یکی دیگر از مقاصدی که رژیم از مذاکرات هیئت با مصلح حسن نیت دنبال میکند، به سازش‌کنان شدن حزب دموکرات و انعقاد مجلسی جداگانه با این نیرو در برابر نیروهای انقلابی و رزمندگان است تا بدین وسیله بتوانند با قبول برخی امتیازات که مورد نیاز حزب دموکرات قرار گیرد، نیروهای انقلابی خلق کرد را خلع سلاح ساخته و زدن و م مبارزان را تا رسیدن به خودمختاری واقعی جلو گیرد.

اما آیا آگاهی به مقاصد رژیم از مذاکراتی که در کردستان دنبال میکنند و طبعاً این به اینکه چنین راه‌هایی هرگز حقوق خلق کرد را بدستار نخواهد گرداند، به معنی نفسی شرکت در مذاکرات است؟

شرکت در مذاکرات و انعکاس فعالانه جریان‌هایی که در آن می‌گذرد در میان توده‌های مردم بویژه خلق کرد، خود وسیله‌ای است برای بیان هر چه بهتر خواستهای برحق مردم کرد و

بقیه از صفحه ۱
کرد و شخصیت‌های انقلابی و مبارز کرد را فاسد و فدا انقلابی معرفی می‌کند و هرگونه مذاکره با این "فدا انقلابیون" را تحریم می‌نماید، در گوشه‌ها با قیست، هنوز فدا آن‌ها که توده‌های نا آگاه را بر علیه خلق کرد بسیج می‌کردند و می‌گفتند شما برای جنگ با کفار به کردستان می‌روید، به گوش می‌رسد. و هنوز خون مدها تن از رزمندگان کرد، جد آنها که در زمان خلاصی جلا بدیهه‌جوخه، اعدا سپرده شدند و جد آنها که در سنگرمبارزه‌جان‌ها هستند، خشک شده که سخن از مذاکرات و داخل مسالمت‌آمیز بین آن آمده است. پس چه شد که رژیم کدنا بدین حد در کوب "فدا انقلابیون تحریم طلب" قاطعیت داشت، اینجین با "تفاهم" و "حسن نیت" به حل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان نرفته است؟ و با سخ چیز نیست جز شکست مفتضحانه قدرت حاکم در دنبال مسئله کردستان و عجز و ناتوانی وی از فرونشاندن موج برخورد مبارزه خلق کرد.

هنوز ما در تیا جی‌ها که بنا بر علمه خلق کرد نمی‌گذرد. ارتجاع در آغاز با بی‌تیا جی، تنها می‌کوش خود را با کربردن بلکه خلق کرد را از دیگر خلق‌ها جدا سازد و اغما را بین منطقه‌ها را طریق رسانده‌ای انحصاری خود و او رنده جلوه دهد. اما حقیقت آفتابی است که همیشه در پشت ابرنی می‌ماند.

هیئت‌ها که در آغاز زحمت به کردستان تمام روزنامه‌های مترقی و انقلابی را توقیف کردند بلکه خلق‌های دیگر بر آن نهد کردستان می‌گذرد آگاهی‌ها نیا بند. هیئت‌ها که در آغاز زحمت به کردستان دفا تر و مراکز ما زمانه‌ای کمونیست و انقلابی را بست تا بلکه با ایجاد محدودیت برای انقلابیون مانع از افشای و دفاع آنان از آرمان خلق کرد گرد.

اما همان‌طور که دیدگاتوری شاه‌خا شن با تمام سنگینی و خشونت خود نتوانست راه را بر آگاه شدن خلق ببندد. اعمال جدید نیز نتوانست مانع از آگاهی خلق‌ها گردد.

از همان روزهای سخت سازشکارانه‌ها با رکیست - لنینیست و دیگر سازشکارانه‌ها ی انقلابی با دفاع از آرمان خلق کرد دفا افشای جانات رژیم در کردستان پر داد خند و خلق‌ها را بر آنچه در کردستان می‌گذرد آگاه ساختند.

از طرف دیگر بسیاری از پاسداران و نظایان فریب خورده زمانی که بجای "بالیربانها" و "مهیونیم" در مقابل خود توده‌های خلقی کرد را می‌دیدند و واقعیت‌ها بر می‌سزده و از کردستان بازمی‌گشتند.

اما آنچه بیشتر از همه هیئت‌ها که وسران آنرا رسوا ساخت، مقاومت و دلاوری بی‌پایان خلق کرد بود. در طی کمتر از سه ماه اخیر سرتا سر کردستان به نیتدان مقاومت و رزم خونین خلق کرد بدل شده است، هر روز و هر ساعت، مقاومت در کوهستان و نظا هرات در شهرها ادا شده است. و هر روز ضربات بزرگ جندنا می‌وجبه سیاسی برتن ارتجاع فرود آمده است. امروز به میرکت این دلاوری دیگر از فتوحات چمران جلا بخبری نیست، هر چه هست عقب‌نشینی و شکست

جنبش کارگری



گزارش تجمع کارگران کارخانه دکنر عبیدی

کارفرمای کارخانه اعلام کرده بود که کارگرانیکه تاریخ استخدام آن در کارخانه از ۱۵ مرداد به بعد میباشد به حسابداری مراجعه و تسویه حساب کنند و در هفته گذشته فقط کارگران قدیم را به کارخانه راه می دادند و کارگران جدید که تعدادشان حدوداً صد نفر میشود هر روز از درکارخانه ساز-گردانده میشوند. این اخراج در وضعیتی صورت میگیرد که کارگران کارخانه خواهان از بین رفتن سندیگای فرمایشی و ایجاد شورای واقعی در کارخانه هستند. کارفرماحتسی تعدادی از کارگران قدیم را که به این عمل ضدکاری کارفرما اعتراض نموده بودند به کارخانه راه نمیدهد. بدین ترتیب کارگران تصمیم میگیرند صبح روز چهارشنبه همگی جلوی در کارخانه جمع شوند و تصمیم قطعی بگیرند حتی بوسیله اعلامیه خیرتجمع خود نیز اعمال ضدکاری کارفرما را به گوش کارگران در چند کارخانه دیگر میرسانند ولی چون این اعلامیه در سطح وسیع پخش نشده بود تعداد بسیار کمی از کارگران دیگر کارخانه ها برای حمایت آمده بودند. کارفرما ژاندارم نیز خبر کرده بود. صبح قبل از اینکه تعداد کارگران به اندازه کافی باشد سر و کله یک حبیب متعلق به ژاندارمری پیدا می شود و دو تن از سرنشینان آن در نگهبانی کارخانه مستقر میشوند. امروز مثل روزهای قبل فقط کارگران قدیم را راه میدهند. کارگران بجز تعداد معدودی نمیتوانستند حمایت کامل کارگران قدیم را جلب کنند و بطورکلی تبلیغ کافی دراین مورد مسورت نگرفته بود. ابتدا چند نفر از کارگران قدیم که امکان ورود به کارخانه را داشتند برای همین کارو خبرگیری از وضع داخل کارخانه روانه آنجا میشوند. در همین گیر و دار یک نفر که خود را نماینده کانسون بنوراها معرفی میکرد میان کارگران آمده و از وضعیت آنها پرسش میکند. این شخص از کارگران می پرسید که اگر کارفرما ترتیب اثر ندهد کارگران توانایی تصمیم گیری برای تحمّن را دارند؟ از طرف حزب جمهوری اسلامی نیز فردی آمده بود که البته او سه میان کارگران نیامد و مستقیماً به دفتر کارفرما رفت. نماینده کانسون شوراها قرار شد نزد کارفرما برود و نتایج صحبتهايش را برای کارگران بیاورد. در این فاصله یکی از کارگران کارخانه نخ زمین تحریبا خطاب خودشان را در اختیار کارگران گذاشت. این کارگر پس از شرح اخراج کارگران کارخانه شان و دستگیری و ضرب آتن از کارگران ، بنیبه در صفحه بعد

مهمترین سلاح طبقه کارگر در مبارزه اش علیه سرمایه دار، سازماندهی و تشکیلات است!

گزارشی از تحمّن کارگران دروزارت کار

کارگرد دیگری بهاد و جکیبری مبارزات کار-گران ایران اثار کرد و در رابله باستی از پیروزیهای بدست آمده گفت :
 ۱- کارگران بیکار رتروزی در فرمانداری تحمّن کرده اند و خواهان کار برای همه بیکاران هستند. (۱)
 ۲- کارگران شرکت نفت توانسته اند ، ۴۰ ساعت کار در هفته را به کارفرمای خود بقبولانند.
 ۳- کارگران سخ درن توانسته اند با قدرت همبستگی، سر اوزنقایشان را که در زندان این بودید، آزاد کنند.
 ۴- کارگران تکبیکو کاروانسته اند کار-فرمای مزدور را فراری داده و شورای واقعی خود را تشکیل دهند.
 مبارزات کارگران ، حدناغل و جم بیکار ادامه دارد.
 دوستان ! تشکیلات برای ما خیلی مهم است ما با مشکل بودن توانستیم خانه، کارگر را بگیریم."
 وی در قسمت دیگری از سخنانش گفت : "... مبارزه ما کارگران ارمارزه با امیرالاسم جدا نیست. دولت فقط خواهان تحویل شاه است در حالیکه ما خواهان قطع کامل روابط سیاسی اقتصادی و اجتماعی با امیرالاسم آمریکا هستیم. ما مبارزه خود را تا به قدرت رسیدن طبقه کارگر ادامه خواهیم داد."
 یکی دیگر از کارگران بنش میکروفون رفت و بعد از سخنانی را چه جانات چمران و مبارزات خلق کرد، درباره سرمایه داری و امیرالاسم صحبت کرد و گفت : "رفقا ! ما با بدحزب خودمان را بوجود آوریم، حزب طبقه، کارگر، البته وقتی میگویم حزب طبقه، کارگر منظورم حزب سوده نیست ! نه! حزب سوده وابسته به سرمایه داران است!"
 (۱) - آخرین خیرحاکبست که بدستمال هیستکی و مبارزات کارگران بیکار رتروزی، به آنها قول داده اند که توسط چند کارخانه همه آنها را استخدام کنند.

دنبال بایان با متن مهلت بکهنه ای که کارگران و دیپلمه های بیکار جهت پاسخگویی دربارها خواستهایشان برای وزارت کار تعیین کرده بودند، روز دوشنبه ۵۸/۸/۲۱ ساعت ۹/۵ صبح، صدها نفر از کارگران و دیپلمه های بیکار در خانه، کارگراحتجاج کرده و منتظر آمدن نماینده وزارت کار شدند.
 در اینروز چندین کارگر سخنرانی کردند و بیشتر سخنانشان درباره ضرورت تشکیل تشکیلات داشتن ... و همچنین گرفتن " حق بیکاری"، "دفترچه بیمه بیکاری" و... بود یعنی از آنها بدرستی می گفتند بنیاد رها نشی کارگران در هر نقطه از جهان، ایجاد حزب انقلابی طبقه کارگر است. آنها در خلال مبارزه آتنان و در سرتو آگاهی دریا فتد بودند که بهترین سلاح طبقه کارگر در مبارزه اش علیه سرمایه دار، تشکیلات و سازماندهی است. این بود که اغلب روی آن تاکید داشتند.
 ما در زیر خلاصه سخنان چند کارگر را ذکر می کنیم :
 کارگری ضمن سخنان خود گفت : " ما طبقه کارگر همه چیز را بدست نگیریم، کارها درست نمیشود."
 کارگری از شرکت متوساک پشت میکروفون رفت و گفت : " من در شرکت متوساک کار می کردم. همه کارگران ۲۰ روز تحمّن و ۵ روز اعتصاب غذا کردیم ما اینکه امور کارخانه را بدست گرفتیم، روزها کار می کردیم و شب ها با ساداری می دادیم. ۶ ماه کارخانه در دست ما بود. تولید می کردیم و می فروخیم، ما اینکه کارفرما مبلغ ۳۰۰ هزار تومان به فرماندها ر کرج داد و به کمک آخوندی که آنجا بود، برای همان پرونده سازی کرد که اینجا ضایع ما مند و یک روز آمدند و همه ما را بیرون ریختند و اینجوری بیکار شدیم، خلاصه بهشتا بگویم سرمایه داری ما در سکاری است، ما احتیاج به تشکیلات انقلابی خودمان داریم، این تشکیلات نقطه حزب طبقه، کارگراست، تا زمانیکه ایسمن تشکیلات را نداشته ایم، هم کرسنگی هست، هم بدبختی."

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

جنبش گاوگرایی

بقیه از صفحه قبل

گزارش تجمع کارگران ...

آنها را متوجه این موضوع نمود که وارد شدن از راه‌های باصلاح فائزی (نظیر مراجعه به وزارت کار و غیره) دردی را دوانمی - کند و کارگران از همان ابتدا باید نیروی خود متکی باشند. او به مسئله بردن خواست - هایشان به میان کارگران قدیم و حلیت حمایت آنها اشاره کرد. یکی از کارگران بیکار شیران شیر در جمع بود که صحبت کرد. او گفت هر یک از شما اگر فکر تسویه حساب در دهستان هست بیرون بیاورید. الان ما - هاست که ما دوندگی کرده ایم و هنوز دولت کاری به ما نداده و بعد از این هم نخواهد داد. بعضی از کارگران پیشنهاد انتخاب نماینده برای رسیدگی به کارهاشان در طی این مدت را کردند و همچنین خواستار مسئولیت برگزاری هر نوع تجمع و اقدامات دیگری که لازم است شدند. یکی از زنان کارگر صحبت کرد و گفت اگر ما نتیجه‌ای از این مذاکرات - نشان نگرفتیم دست به تحن خواهیم زد. در این موقع کارگر دیگری گفت : ما الان حق تحن نداریم ، امام تحن را منع کرده ، ما اول باید تمام راههای قانونی را طی کنیم وقتی نتیجه‌ای نگرفتیم اقدام کنیم. اکثر کارگران مخالفت میکردند و میگفتند : ما تجربه داریم که از این طریق فایده ای ندارد. یکی از کارگران پیشنهاد کرد برای اینکه مطمئن شویم اینها برای ما کساری نمیکند نماینده حزب جمهوری اسلامی را بخواهیم که بد میان ما بیاید که البته این پیشنهاد معلق ماند و دنبال آن گرفته نشد. قرار شد چند نفر بعنوان نماینده انتخاب شوند و ۶ نفر انتخاب شدند. ۳ نفر زن و ۳ مرد. در این موقع نماینده کانون به میان کارگران آمد و گفت کارفرما میگوید تمدن - اخراج همه کارگران نیست و فقط ۸ تن آنها باید بیرون بروند که آن ۸ نفر حرف بزنهاش شما هستند. او خود نظر میداد که ما باید در این موقعیت روی خواست شورا تاکید کنیم من دنبال این کار شما را از نظر قانونی خواهم گرفت. شماره ۱۹ / ۸ / ۵۸ عده‌ای را که راه میدهند بروند داخل کار - خانه تا ببینیم چه میشود ولی همه کارگران اعتراض کردند که یا همه و یا هیچکدام و کارگران تصمیم گرفتند قطعاً به‌ای ما درکنند و خواستهایشان را اعلام دارند :

- ۱ - بازگشت کارگران اخراجی بر کار .
- ۲ - ایجاد شورای واقعی .

پس از آن قرار شد روز شنبه ۱۹ / ۸ / ۵۸ کارگران مجدداً اجتماع کنند و اعلامیه‌ای نیز نوشتند که به دیگر کارخانه ها هم برده شود و از حمایت آنها هم برخوردار شوند. چون دریافتند که در مقابل اتحاد سرما به دارند و زورگویی اتحاد کارگران ضروری است و بدون اتحاد قادر نخواهند بود بخواسته‌های برحق خود برسند .

از کارگران برای مذاکره با ضلع به طیف بالا رفتند و سخنرانی در سالن شروع شد. پس از مدتی یک نفر از کارگران، با دستمالی برخوردار بدلیل آمدن و روبه جمعیت گفت : " این سند چنانچه دولت انقلابی است " از سخنان او معلوم شد که بدلیل اعلام رادیو در ساعت ۲ مبنی بر هجوم عده‌ای حین بدست (یعنی کارگران) به وزارت کار ، عده‌ای فالانژ به کارگرانی که بیرون سالن بوده اند ، حمله کرده و با چاقو چند نفر را زخمی کرده اند ولی خودشان نیز شدت کتک خورده اند :

پس از این واقعه نمایندگان کارگران که با نماینده وزارت کار مشمول مذاکره بودند او را از طبقه بالا داخل جمعیت آورده و گفتند : " تو باید با ما باشی ، اگر کشته شدیم ، تو هم مثل ما " بیچاره نماینده ، سوز و آزی رنگ بریده تا پای پله‌ها آمد و گفت : " بخدا من به همه شما تلفن زدم ، دفتر بنی اسدی و ... هیچکس نیست " (روزنامه ارتجاعی جمهوری اسلامی به دروغ این عمل کارگران را گروه‌گان گیری نام گذاشته است !) .

دو روزت کارگران نیز کارگران زیاد ، صحبت کردند و اغلب بر لزوم ایجاد تشکلات ، سندیکا ، و اتحادیه‌های سراسری تاکید داشتند . سرانجام نماینده‌ای از طرف شورای انقلاب همراه با رئیس شهربانی آمدند و با نماینده - گان کارگران به مذاکره نشستند . پس از چند ساعت مذاکره ۸ ساعت نماینده شورای انقلاب به میان جمعیت آمد و گفت : " ما با نماینده‌های شما به توافق رسیدیم و تا یک هفته ، دیگر به شما جواب می‌دهیم . " در این موقع یکی از نمایندگان بهشت سکروفن رفت و قطعاً همه کارگران را که شامل خواسته‌های فرعی اصلی بود قرائت کرد .

الف - خواسته‌های فرعی

- ۱ - تکذیب خبر ساعت ۲ از رادیو شده است .
- ۲ - آزاد کردن کارگری که ساعت ۲ دستگیر شده است .
- ۳ - کناره رفتن آقایانی (فالانژها) که مقابل در وزارت کار اجتماع کرده بودند .

ب - خواسته‌های اصلی

- ۱ - ایجاد کار برای همه ، بیکاران ایران
 - ۲ - تا ایجاد کار ، برداخت حق بیمه ، بیکاری به همه ، بیکاران بدون قید و شرط. (چه آنها که دفترچه بیمه دارند و چه آنها که ندارند)
 - ۳ - دفترچه بیمه ، درمانی برای همه (چه شاغل و چه بیکار)
- این نماینده آنگاه اضافه کرد :
- " ما از رادیو و تلویزیون می‌خواهیم که خواسته‌های ما را وارونه جلوه ندهد . در ضمن ما برای گرفتن جواب یک هفته مهلت می‌دهیم . " بر نامه ، این روز از سازماندهی خوبی برخوردار بود و سجز یکی از نمایندگان که رفتار فردی و گاهی محافظه کارانه داشت بقیه رفتار مناسبی داشتند .
- پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

کارگر دیگری بهشت تریبون رفت و با طنزی کزنده در مورد برخی از وزرای دولست بازرگان صحبت کرد و در قسمتی از سخنانش گفت : " این وزیر که بتول خودش هم سردرزم است و هم مرد سزم ، زمین را در کردستان دیدیم در سرکوب خلق کرد و مسلح کردن فتودالها و بیژن را نیز در " الخراب " هنگام ملاقات با برژینسکی ! اما وزیر خارجه ایشان هم بعد از اینکه سه چهار روز کاردار و جاسوس سفیسات آمریکا در ایران را در وزارت امور خارجه نگاهداشتند ، تازه اعلام می‌کنند که او در وزارت امور خارجه است . " وی سپس ادا مه داد : " دوستان ما در مبارزه خود علیه سرمایه داری چیزی از دست نخواهیم داد ، جز زنجیرهای دست و پایشان اگر این دولت نخواهد بدخواستهای ما توجه کند ، زیربای طبقه کارگر له خواهد شد . "

در میان سخنرانیها جمعیت شمارنا بیسی می‌داد که بعضی از آنها را در زیر ملاحظه می‌کنید : " به گفته ، بازرگان ، کارگران بیکسار برضد انقلاب . "

بازرگان سازشکار ، همکار برژینسکی توفدا انقلابی "

" آمریکا اگر اخراج شده ، کار اگر ایجاد شده ، وعده وعید نون نمی‌شه "

کارگران تا ساعت ۱۱ / ۲۰ منتظر نماینده وزارت کارمانندید ، چون نماینده به پیشنهاد دیگری و بیوفت همگی بطرف وزارت کار حرکت کردند شعارهای آنها چنین بود :

" سطره آمریکا شنی تا بود با بدگردد .
بیما سنی نظامی با آمریکا خونخوار ،
الفا باید گردد . "

امیریا لیس خونخوار عالم هر نفسا دست آمریکا ، آمریکا بارنج مانزده است .

" کارگر زحمتکش دشمن امیریا لیس "

سرما به دارم ز دور شوکرا امیریا لیس "

" آمریکا ارتجاع عامل هربیکاری "

" اتحاد ، اتحاد ، زحمتکشان اتحاد "

" اتحاد ، اتحاد ، علیه سرما به دارم "

" زن و بچه ، گرسنه صبرش نمی‌شه "

دولت سرما به دارم حرف سرش نمی‌شه "

" حقوق بیکاری برای بیکاران
برداخت با بدگردد "

" اقتصاد وابسته ،
خود عامل بیکاری است "

.....

ساعت ۱۲ / ۵ جمعیت مقابل در بسته وزارت کار رسد و پس از شکستن درودگیری با پاسدارها که منجر به فرار پاسداران گردید ، وارد سالن شدند . در فاصله کوتاهی دیوارهای مرمری سالن با ماژیک پر از شعار شد . از جمله : " مرگ بر مدنی ، جلاد خلق عرب ، مرگ بر چمران ، جلاد خلق کرد ، پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر "

مسئولان انتظامات تاکید داشتند که هیچکس در سالن اعلامیه‌ای پخش نکند تا ساجا امکان و بیپاندای بدست نیاید . در این موقع نمایندگان کارگران همرا چندتن

کارگزاران کشت و صنعت مغان به مبارزه خود ادامه می دهند

در شماره ۲۹ پیکار گزارش اختصاصی کارگزاران و کارکنان کشت و صنعت مغان را آوردیم. و دیدیم که وزیر کشاورزی دستور داده بود که کشت و صنعت مزبور باید منحل شود و این دستور و تصمیم مورد پشتیبانی آقای آشورپور مدیرعامل کشت و صنعت (که یکی از افراد حزب توده می باشد) و همکاری با کمیته چپها برعلیه افراد پیشرو کشت و صنعت از هیچ کوششی مضایقه نکرده است، قرار گرفت. ولی اعتماد بیکپارچه کارکنان کشت و صنعت و مواضع سرخپوشان آنها باعث شد که استاندار در مقابل آنها خیرا نخلال کشت و صنعت را انکار نکند و زمانیکه کارگزاران بخشنامه وزیر کشاورزی و مدیرعامل را نشان دادند، بد زبان بازی روی آورد و خود را از کارگزاران و حامی آنها نامید و کارگزاران قول داد که کشت و صنعت مغان منحل نخواهد شد. اما وزیر کشاورزی دوباره دستور انحلال کشت و صنعت را صادر میکند و قول اهدای زمینهای زیادی را به فئودالهای منطقه نیز میدهد. مثلاً به "گوتار بیگی" که یکی از فئودالهای بزرگ منطقه و از سردگان رژیم منفرود پهلوی بود و اکسبون مدافع جمهوری اسلامی شده است، قول بیش از یکم هکتار زمین را داده که البته با اعتراض او و بربرو گنند و خواهان زمین

بیشتری میشود. کارگزاران در مقابل دستور مجدد وزیر بختم آمده و تهدید میکنند که به هیچوجه عقب نشینی نکرده و اجازه نخواهند داد که انحلال کشت و صنعت صورت واقعیت بخود بگیرد. آشورپور مدیرعامل کشت و صنعت مغان میگوید که خشم کارگزاران و کارمندان را فرونشاند و دستور وزیر کشاورزی را بنوعی توجیه کند ولی بیشتر بدان دامن میزند و خود را در برابر اعتراضات و افشاکریهای کارگزاران خلع سلاح و زبون می بیند و در جلسه ای که با نمایندگان کارکنان برگزار شد تحت فشار آنها قول میدهد که به تهران برود و از انحلال کشت و صنعت مغان جلوگیری کند! اکنون وزیر کشاورزی برکنار شده و فعلاً انحلال کشت و صنعت منتفی شده و وزیر جدید کشاورزی هم اقدامی نکرده است. ولی آنچه از هم اکنون مسلم است اینست که با تعویض وزیر، مدیرعامل، رئیس و... وقتی که رژیم حامی سرمایه داران و برعلیه کارگران است، کاری بکن کارگزاران و زحمتکشان صورت نمیگیرد. و بنابراین هر تغییر و تبدیلی هم صورت گیرد در چرخه راجع به نظام سرمایه داری انجام نمیشود و نظام سرمایه داری در مقابل طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان قرار دارد و دشمن آنهاست.

پیروزی مبارزه کارگزاران بر علیه سرمایه داران

کارگران ایرانا (بخش چینی) حق سود ویژه خود را

از حلقوم سرمایه دارها بیرون می کشند

این مبارزه کارگزاران قسمت "العاب چینی" بودند که به تدریج دیگر کارگزاران را نیز بسوی خود جلب میکنند. برای مقابله با حق طلبی کارگزاران نخست "سنگریانی"، رئیس شورای فلابی کارخانه و "عقلی" که به اصطلاح یکی از نمایندگان کارخانه است، کارگزاران را تهدید میکنند ولی کارگزاران به تهدیدهای آنها پاسخ ندادند و با پیشنهاد آنها که میگفتند ۵ - ۶ نفر نماینده برای مذاکره انتخاب کنید مخالفت میکنند. دسته جمعی بطرف اتاق مدیر میروند. کارگزاران که نخست ۲۰ نفر بودند اکنون بارها بهیمائی در قسمت های مختلف حدود ۳۰۰ نفر شده بودند. مدیر کارخانه پس از مقداری عوامفریبی از آنها تا فردا ساعت ۱۱ صبح مهلت میگیرد. و کارگزاران نیز تا فردا صبر میکنند.

یک نکته در مورد مبارزه روز ۸/۱۵

با اینکه در این روز کارگزاران (قسمت لعاب چینی) بارها بهیمائی در قسمتهای مختلف

در این کارخانه حدود ۱۷۰۰ کارگری بود شیفنی استخما میشوند. این کارخانه در حال حاضر دولتی شده و مدیر آن از طرف بنیاد مستضعفین انتخاب شده است. با اینکه ۱/۵ ماه از آغاز نیمه دوم امسال می گذرد، و با اینکه بخش چینی این کارخانه حتی در روزهای قیام هم تعطیلی نداشته است و تولید سال در سطح سالهای قبل بوده، آری با توجه به اینکه هیچکدام از اینها نهائی که معمولاً از طرف دولت و سرمایه داران آورده میشود در مورد این کارخانه درست نبوده است، ولی مدیر کارخانه همچنان از دادن سود ویژه که چیزی جز قسمتی از مزد کارگران نیست، (قسمتی از مزد که کارفرما پیش خود نگه می دارد و یکبار به کارگر میدهد) خودداری می کرد و به آنها وعده و وعید میداد.

کارگزاران برای تسلیم مدیر کارخانه تصمیم به مبارزه می گیرند و ساعت ۱۰ صبح روز ۸/۱۵، مبارزه خود را آغاز میکنند، پیشروان

توانستند کارگزاران دیگر را نیز به مبارزه بکشند (تاکنیک سربازگیری)، ولی این عمل کارگزاران قسمت "العاب چینی" فردی بود چرا که قبلاً تصمیم خود را به اعتبار به کارگزاران دیگر قسمتها اطلاع نداده بودند و کار توضیحی لازم در این مورد نشده بود.

فردای آتروز:

در ساعت ۱۱ صبح مدیر به کارگزاران اطلاع میدهد که ساعت ۲ بیایند. ساعت ۲ حدود ۵۰۰ نفر از کارگزاران جمع میشوند (کارخانه شیفنی است) و منتظر مدیر میمانند. در این موقع چشم کارگزاران به یک نامه با این مطلب می افتد که: "تمام قراردادها را جمع به سود ویژه نوشته شده و آماده امضاء است. ولی چون عده ای از نمایندگان شورای فلابی کارگزاران قبولان ندارند از امضای قرار داد امتناع می ورزند، لذا لازم است که منتظر انتخابات جدید شورا بود."

این بیانیه جدید چشم کارگزاران را افزون تر میکند. و آنها مدیر کارخانه را با شعار "مرگ سرمایه دار" به میان خود می آورند، ارکه وحشت زده بود، بدکارگزاران می گوید: اگر سودی می خواهید باید به شورا رای اعتماد دهید. و با اینکه باستی انتخابات تجدید شود (که در این صورت برداخت سود عقب می افتد) بدین ترتیب معلوم میشود که "شورای فلابی" و مدیر منتخب "بنیاد مستضعفین" شبانی کرده اند که با استفاده از این موقعیت جاهای شورا را محکم کنند. اما کارگزاران زیر بار این زورگوشی نمی روند و مدیر را تجدید میکنند که مانع از بیرون رفتن تولید خواهند شد. و با این تصمیم با توجه به پایان شیفن به مبارزه آتروز خود نیز پایان می دهند.

شنبه ۸/۱۶ - جلوگیری از خروج تولید:

کارگزاران برای ختنی کردن نقشه مدیر کارخانه موقتاً به اداره کار شورا تن میدهند و شورا نیز که مقامت سبب از این راه ضرر خود می دید ظاهراً با کارگزاران همراهی نشان می دهد. کارگزاران برای تسلیم مدیر کارخانه، از بارگیری کامیون ها جلوگیری میکنند... و مبارزه کارگزاران با لخواه شوره خود را میدهد. و سرانجام روزیکشنبه ۵۸/۸/۲۰ مدیر کارخانه تسلیم میشود و فعلاً ۶/۵ میلیون تومان سود ویژه را بین ۱۷۰۰ کارگر تقسیم میکنند (که بطور متوسط برای هر کارگر حدود ۲۸۰۰ تومان میرسد).

جالب توجه است که مبارزه کارگزاران برای گرفتن سود ویژه ختم تیمورزاده (نماینده بنیاد مستضعفین در کارخانه) را برانگیخته و گمانی را که برای گرفتن سود، کارگزاران را تشویق به مبارزه می کردند، طی یک اعلامیه ای که در بعضی قسمتها نصب شده بود، آمریکائی و ساواکی قلمداد کرده بود!

فان ، مسکن ، آزادی

با افشا و تحریم تظاهرات، اجتماعات و شوراهاى فرمایشی ضد انقلاب را منفرد سازیم

چماق بدستان رژیم شاه در مجلس خبرگان !!

اخیراً اعلامیهای از طرف کسه و بازاربان مریوان انتشار یافته که در زیر قسمتهاى آن را می آوریم:

اخبار روز حاکی از اینست که جانشین مریوان در مجلس خبرگان متعین شده و خواست هاشمی به دولت و شورای انقلاب داده اند. این افراد که مرکب از فئودالها، سرمایه داران، رباخواران و نوکران وابسته به اینسان میباشند، بدون استثناء از نزدیکان و همکاران ساواک بوده و بیشتر ما موریت آنها از طسرف ساواک گردش در روستاها و تبلیغ به نفع شاه و تحریک کثرت ورزان برای حمله به مخالفین رژیم شاه بوده است.

بعد از قیام، سپاه و به اصطلاح انقلاب در مریوان از این جا شها تشکیل میگرد که تظاهرات با نژده هزار نفری مردم را در تاریخ ۵۸/۴/۳ به گلوله میزدند و به نگر رابسه شهادت رسانده و عده زیادی را زخمی میکنند. پس از این واقعه تعدادی از آنان فراری شده و در شهرهای مختلف به توطئه علیه خلق کسرد میپردازند. از جمله یکی از این جا شها به نام "فتاح بیگ حیدری" در تهران در تجمع مردمی که علیه خلق کرد تحریک شده بودند، می گفت: "باید دولت همه آنها را قتل عام کند...." سرانجام جا شها در زیر سایه تفنگ پاسداران به مریوان برگشته و شروع به اذیت و آزار و دستگیری افراد می نمایند که بیبا معرفتی آنها و تخریب گناه بدون محاکمه و بد از شکنجه اعدام می شوند.

ما همراهان از شورای انقلاب و سایر مقامات مسئول می خواهیم این جا شها را دستگیر کرده و جهت محاکمه در برابر مردم مریوان به ما پس بدهند، تا اینکه از آنها حمایت کرده و اجازه دهند عنوان تحصن بر خود نهاده و بار سانه های گروهی شماس بگیرند و بعنوان مردم مسلمان مریوان صحبت کنند. ما قسمتهاى از اعلامیه کسه، مریوان را آوردیم، آنها در آغز شورای انقلاب و مقامات مسئول انتظاراتی دارند اما توده ها هر روز آگاه تر و آگاه تر می شوند و درک می کنند که از اینان معجزه ای بر نمی آید کدیج، بلکه اینان پشتیبان همان فئودالها و مزدورهای محلی اند.

کرده، آموزش رایگان ایجاد میگرد/ فعالیت سیاسی آزاد با بدگرد/ محلل گرد ما آزاد با بد گرد/ خوراهاى واقعی ایجاد با بد گرد. شروع بد را هیما می کنند. جلاذ تل و عتر، جلاذ خلق ما شد/ انزلسی، کردستان، بیوندتان مبارک / زندانی سیاسی آزاد با بدگرد

میکردند که در راهیما شى شرکت کنند. کارگری میگفت: در کارگاه نشسته بودیم که کمیته چپها آمدند و گفتند میدانستیم شما کمونیست و ضد انقلاب هستید.

عوامل حزب توده و سازمان انقلابی نیز مثل تمام تظاهرات فرمایشی دیگر با شرکت در آن، کاسه لیسی خود را نسبت به هیئت حاکمه و سرپرستان آن ثابت میکردند. شعار تظاهرات عبارت بود از:

"بفرمان خمینی، اعتصاب حرام است" "اسلام پیرو راست، کمونیست نابود است" و... تظاهرات محوطه کارخانه خارج شده و بعد از برگشتن از میدان کارگر، در جلو اداره مرکزی، با شعار و محکوم کردن تحصن و اعتصاب، قطعنامه ای که از طرف کمیته تهیه شده بود، خوانده شد. در این قطعنامه هرگونه تحصن و اعتصاب محکوم شده و به "عوامل معدودی" که اعلامیه ها را صادر کرده بودند گفته شده بود که کارکنان قیم نمیخواهند! (بند های ۲ و ۵ قطعنامه) و آنها را رسوا خواهند کرد (بند ۶). همچنین به عده معدودی که با کارکنی در قسمتهاى حساس باعث ناراحتی کارکنان میشوند، راه داده (بند ۷) و خواستار تحفه شورا از این عوامل شده بودند (بند ۸).

دانش آموزان اعتراض میکنند و در حیطه مدرسه میمانند و پس از خواندن مقاله های توسط یکی از آنها درباره وضعیت هنرجوها خواستار آزادی زندانیان هنرجو میشوند و سپس با شعار از معلمها میخواهند که با آنها همراهی کنند. در پاسخ به ندادی دانش آموزان کلیه دبیرها (بجز دونفر) از کلاسها خارج میشوند. دانش آموزان به دادن شعارهایی چون هنرجوی زندانی آزاد باید گردد، فرهنگ استعماری نابود باید گردد، هنرجو در بند است، ساواکی آزاد است، می پردازند.

رشت

گزارش راهیما شى دانش آموزان یکشنبه ۱۳ آبان ۵۸ (شنبه سرخ) رشت هزاران تن از دانش آموزان مسدود رشت در ساعت ۹ صبح در محصل اداره آموزش و پرورش شهرستان رشت گردم آمده و با شعارهای: اتحاد، اتحاد، محصلین اتحاد / مدارس خصوصی بنگاه سرمایه دار، نابود با بد

همزمان با تظاهرات فرمایشی بر علیه تحصن هنرجویان و در تانید حمله حیره خوا- ران استانداری به آنها در تبریز عناصر مرتجع و ضد کارگر، در ماشین سازی نیز تظاهراتی برای انداختن.

بیهانه تظاهرات از اینقرار بود که اعلامیه های از سوی کارکنان ماشین سازی بخش شده بود مبنی بر اینکه اگر به خواستهای کارگران رسیدگی نشود، تحصن و اعتصاب خواهند کرد. (اطلاعات ۱۳ آبان)، (از متسن اعلامیه و خواستهای آن خبری در دست نیست) اکبریور دبیر شورای ماشین سازی که در کارخانجات خود را نماینده کارگران آذر - با بیان! و گاهی نماینده استانداری... معرفی میکند و از چهره های ضد کارگر و مرتجع میباشد، روز سه شنبه ۵۸/۸/۸ ساعت ۱۰ توسط بلندگو کارکنان را دعوت بر راهیما شى در محوطه کارخانه میکند. اکثر کارگران به این راهیما شى نمیروند ولی توسط افراد کمیته کارخانه تهدید شده و ضد انقلابی خوانده می- شوند که بناچار عده ای از آنها در کنار صف راه می افتند. چند نفر هم توسط ماشین در محوطه کارخانه میگشتند و از کارکنانی که در محوطه بودند میخواستند که در راهیما شى شرکت کنند. کمیته چپها و فائولانها بهر جای کارخانه سر میکشیدند و کارکنان را تهدید

بقیه از صفحه ۱۱

تهران

چند گزارش مفصل از تظاهرات و تحصن دانش آموزان "حوریه بزرگان" (گورش کبیر سابق) بدست ما رسیده است که توجه شما را به خلاصه ای از آنها جلب میکنیم:

دانش آموزان دبیرستان حوریه بزرگان از روز ۷ آبان تحصن اختیار میکنند. برخی از خواسته های آنان بدینقرار است: آزادی هنرجویان زندانی - برقراری کنکور اختصامی برای رشته اقتصاد...

در روز شنبه ۱۲ آبان پس از اینکه زنگ کلاس میخورد و دانش آموزان از رفتن به کلاس خودداری میکنند مدیر از آنها میخواهد که بکلاس بروند و در هر کلاس یک نماینده انتخاب کرده و برای مذاکره با او بفرستند که با مخالفت دانش آموزان روبرو میشود. آنها میگویند نمایندگان ما مدت است کسه انتخاب شده اند و اگر میخواهد مذاکره کنید با ییدا آنها مذاکره نمائید. ولی مدیر میگوید آن نمایندگان مورد قبول ما نیستند

برقرار باد خود مختاری خالقها در چهارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

اخباری از: کردستان قهرمان

مذاکرات هیأت "حسن نیت" رژیم در زیر بمباران وحشیانه سردشت!

● سردشت در اثر بمباران به ویرانه‌ای تبدیل شده ● ارتش ضد خلقی، حزب دمکرات و مردم قهرمان سردشت

وحتی مردم شهر زیبای بوشهر که کومه‌ها خواستند که برای دفاع از مردم و اردشهر شوند. به این دلیل یعنی برای کمک به مردم در مقابل ارتش و پاسداران، عده کمی از پیشمرگان ما وارد شهر شدند (هرچند که دست زدن به یک شیردجیبه‌ای با پادگان را از داخل شهر اشتباه می‌دانستند. زیرا چنین سیردی بجای پیروزی سریع و کاملاً بر دشمن، سبب می‌شد نیروهای پاسدار و ارتش، که در جنگ فرقی بین پیشمرگها و مردم عادی قائل نمی‌شوند، به قتل عام مردم دست بزنند) هنگام ورود، پیشمرگان ما با شهری که یکبارچه آتش شده بود روبرو گشتند. پادگان از هر طرف با توپ و خمپاره و انواع سلاحهای مرگبار و ویرانگر، خانه‌های مسکونی و محلات پررست و آمد شهر را مورد حمله و وحشیانه قرار دادند. پرس نیروهای داخل پادگان و نقاط استراتژیک اطراف شهر از حمله پیشمرگها برای وحشیگری آنها افزوده بود. این ترس بعدی رسیده بود که هر کدام از ارتشیان و پاسداران، دیگری را متهم می‌کرد و هر کس در فکر تسلیم خود بود. پیشمرگان سازمان زحمتکش و حزب دمکرات نمود. در این حال پادگان پیشنها د آتش بس کرد.

حزب دمکرات نمی‌یست ابتدا کاری کند که در شهر پادگان وارد جنگ شود اما در این حال که جنگ به صورت شروع شده و ارتش و پاسداران، مردم را قتل عام می‌کردند و در ضمن روحیه خود را نیز باخته بودند، قبول آتش بس از طرف پیشمرگها اشتباه بود. و حزب دمکرات نیسی می‌یست نه پیشنها د آتش بس بدهد و نه آتش بس را قبول نماید. اما مسئولین حزب در اینجا نیز دومین اشتباه خود را مرتکب شدند و آتش بس را قبول کردند.

ارتش و پاسداران با استفاده از این فرصت، از خارج پادگان کمک دریافت کرده، روحیه شان نیز تقویت شد و نقشه حمله و وحشیانه و فاشیستی خود را به مناطق مسکونی و زنیها و بچه‌ها و کودکان شیرخوار و مردم بی‌دفاع تنظیم نمودند. ما به نیروهای خود دستور دادیم که به پیشنها د آتش بس ردیلا نه و حمله گرانه دشمن توجیهی ننموده و بروی دشمن آتش کشند. در چند نقطه که پیشمرگهای ما دست بکار شدند مسئولین حزبی مانع مانده وحتی تهدید کردند که بروی ما آتش می‌کشند!

با چکسی طرف گفتگو بوده است. بدون رعایت کردن هیچکدام از شرایط مقدماتی پیشنها د شده از طرف شیخ عزالدین حسینی (که مورد قبول سازمان ما هم بوده است)، خواستند موجب تفرقه بین صفوف مردم و پیشمرگان شده و شکست های خود را جبران کنند. اما در همین حال نشان دادن چهره، گریه و فاشیستی خود بسا بمباران با نه و سپس سردشت، اینبار رهسرم تیرشان به سنگ خورد. آشتیا از پیشمرگان غریبه های سخت دیگری خوردند ولی برای حسران شکست، با جوانمردانه به قتل عام زن و کودک و بیبروجوان مردم سردشت دست زدند و شهر سردشت را بعد از بانه، به ویرانه‌ای تبدیل نمودند.

کمیته مرکزی حزب دمکرات در این هنگام بجای اینکه پیش از هر زمان دیگری در فکر وحدت عمل با سایر نیروهای سیاسی موجود در کردستان نباشد تا هیئت حاکمه از اختلافات درون جنبش سو استفاده نکنند، بیشتر درسی این بود که با استفاده از موقعیت و شرایط شهر، به تنهایی سیاسی می‌مزماد کرده بود. و بجای اینکه هدف دولت را از مذاکره برای مردم روشن سازد و ماهیت رژیم و عوامل فرتیبی های آن را افشا نماید، به "حسن نیت" رژیم امید بسته و به شمار "ارتش برادرماست" روی آورد اما دو خط انحرافی حزب یعنی اولاً کوشش برای قبولاندن خود به دولت سفخوان تنیبا نیروی سیاسی و ثانیاً بازرگردن حسن نیت دولت وعدم موضعگیری در مقابل آن نتایج غلط و مضر خود را در واقع، سردشت ببار آورد و خود حزب نیز به هدف مورد نظرش نرسد.

شب ۵۸/۸/۱۱ پیشمرگهای کومه‌ها که برای انجام عملیاتی به شهر آمده بودند، برای حمله به شهر پانی سردشت - که جاشیا و پاسداران در آن مستقر بوده و حزب دمکرات می‌خواست به تنهایی به این کار دست بزنند - به مسئولین حزب پیشنها د همکاری دادند اما آنها به پیروی از همان سیاستی که به آن اشاره کردیم از همکاری امتناع ورزیدند. پیشمرگهای ما بعد از عملیات و زدن چند ضربه به پادگان، شهر را ترک کردند. صبح زود خبر رسید که حزب دمکرات شهر پانی را تصرف کرده سیس این خبر به آن اضافه گشت که جنگ خونینی بین ارتش و پاسداران از یک طرف و مردم شهر و پیشمرگها از طرف دیگر، درگیر شد. هواداران سازمان ما

در حالیکه رادیوی دولتی خبر می‌داد که در ایوش فروهر با نمایندگان خلق کرد در محیط "دوستانه‌ای" سرگرم مذاکره است، هنگامیکه ایوثریف فرمانده عملیاتی سپاه پاسداران درباره کردستان به دروغ اعلام می‌داشت که: "وضع روبه بهبود است و اصولاً سپاه پاسداران مدت یک ماه و نیم است که عملیات خود را در آن منطقه متوقف کرده است و پس از توقف عملیات سپاه، ارتش نیز عملیات نظامی خود را متوقف کرده و مذاکرات سیاسی ادامه دارد...". (اطلاعات یکشنبه ۲۰ آبان ماه) ارتش ضد خلقی و پاسداران با سلاحهای آمریکائی، از زمین و هوا مشغول کشتار مردم قهرمان سردشت بودند و با بمباران سردشت و دهات اطراف آن، شهر را به ویرانه‌ای تبدیل کردند تا به این ترتیب خلق قهرمان کرد را محبور به تسلیم نمایند! گزارش زیر که از خبرنامه شماره ۷، س.ا.ز.ک.ا. (کومه‌ها) نقل شده، گوشه‌هایی از عملکردها و جنایات ارتش ضد خلقی را در سردشت نشان می‌دهد و در عین حال حزب دمکرات را که این ارتش ضد خلقی را برادری می‌خواند و می‌گوید که با کسب امتیازاتی از هیئت حاکمه جنبش خلق کرد را به سازش بکشد، با اراشه، نمودهای مشخص افشا می‌کند:

مذاکرات هیئت "حسن نیت" رژیم در زیر بمباران وحشیانه سردشت!

حکومت جمهوری اسلامی درست هنگامیکه دم از حل مسالمت آمیز مسئله کردستان می‌زند و درست هنگامیکه سفارت آمریکا را اشغال می‌نماید به وحشیانه ترین شکل ممکن به کشتار مردم سردشت دست می‌زند.

سفارت آمریکا را اشغال می‌کند و در همان حال فانتومیهای جمهوری اسلامی در تمام ساعات شب و روز حتی در ساعات بعد از نصف شب دهات کردستان را بمباران می‌کنند.

رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی جزئیات هر حرکت دانشجویان را در سفارت آمریکا منعکس می‌کند، اما صدای بمباران هواپیماها در سردشت کردستان را کمی نمی‌شنود.

نمونه این کشتار و کتل عام وسیع مردم سردشت را فقط می‌توان در بمباران های ارتش اشغالگر آمریکا در مورد شهرهای بیتنام دید.

بدنبال شکستهای مفتضحانه‌ای که نیروهای ارتش و پاسداران از پیشمرگان کردستان خوردند، دولت جمهوری اسلامی خواست که چهره جنگ طلب خود را بیوشانه، این بود که با صحبت از مذاکره و فرستادن هیئتی که معلوم نیست

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلق‌هاست

در این شرایط ما دیدیم بجای اینکه دشمن مشترک را بکوبیم ممکنست در دام جنگ برادرکشی بیفتیم که سهیوجه خواستار آن نیستیم، تصمیم گرفتیم که فعلاً از ضرب زدن به دشمن صرفنظر نماییم.

از صبح روز ۵۸/۸/۱۲ تا حدود ساعت ۲ بعد از ظهر نیروهای ارتش و پاسدار، شهر را زیر آتش ویرانگر و مردم کش خودگرفته و با توپ و خمپاره دهها نفر از مردم را به قتل رسانده و خانه‌های بسیاری را بر سر آکنین آن خسراب کردند. جالب توجه اینست که با اینکه در این حال پیشمرگها به سهیوجه بطرف پادگان تیراندازی نمی‌کردند اما چون سنگرهای ارتش، مستقر بر بلندیهای "گرده سور" - دچار کمبود مواد غذایی شده بود، پادگان به بیشرمانه تقاضای رعایت! آتش بس نمود و فرمانده، قاضیست پادگان حمله گراندها می‌کرد که ارتش دخالت نمی‌کند و این پاسداران انقلاب اسلامی! هستند که مردم را قتل عام می‌نمایند. در حالیکه همه می‌دانستند هیچکس غیر از ارتشیان، چنین دقیق و وحشانه خانه‌ها، کوچه‌ها و خیابانها را نشانه گیری نمی‌کند، این ادعای فرمانده تنها بدین خاطر بود که بتواند مواد غذایی لازم را به نیروهای خود رسانده و بقول مردم آنها را برای کشتار مردم بیدفاع فربه نماید! حزب سومین اشتباه خود را مرتکب شده و با بدامخلاج آتش بس و فرستادن مواد غذایی برای "گرده سور" موافقت نمود.

مردم با تمام وجود مخالف این کار بودند و استدلال می‌کردند ما نباید به دشمنی رحم کنیم که این چنین وحشانه، به هیچکس حتی پیرمردان و زنان و کودکان نیز رحم نمی‌کند، این مخالفت بالا می‌گرفت و در حال تبدیل شدن به یک قیام بود ولی مسئولین حزبی به مردم قبولانندند که این دستور حزب است و آتش بس باید رعایت شود، ما نیز با این کار مخالفت کردیم اما مانند دفعه قبل بخاطر جلوگیری از برخورد در مخالفت خود با فشاری ننمودیم، در نتیجه چندماشین مواد غذایی راه افتاد و در اختیار دشمن قرار گرفت. شب ۵۸/۸/۱۲ پادگان از آرایش موجود برای تقویت خود استفاده نمود، همان شب ما تصمیم گرفتیم - به خاطر غلط بودن شیوه جنگ از یک طرف و اصرار حزب در آتش بس از طرف دیگر - تعداد کمی از نیروهای خود را در شهر نگهداشته و نیروهای ذخیره و کمکی را در خارج شهر بحال آماده باش درآوریم. نگهداشتن عده‌ای از نیروها - پیمان بدین خاطر بود که مردم نمی‌خواستند پیشمرگهای کومه‌له و مسئولین آنها از شهر خارج شوند و وجود نیروی برای جلوگیری از هجوم ارتشیان و پاسداران به مردم بیدفاع لازم بود، ضمناً به مسئولین حزب توصیه کردیم که فریب آتش بس را نخورند ولی آنها به توصیه ما توجهی ننمودند.

صبح ۵۸/۸/۱۳ افراد پادگان شروع به کوبیدن شهر نموده و تا ظهر بوسیله توپ و خمپاره و انواع سلاحهای سنگین دهها نفر از اهالی سردشت، زنان و کودکان شیرخوار را کشتند و حتی سگها و گربه‌ها را نیز به هلاکت

رسانده و روی هیتلر و محمدرضا شاه را کشید کردند و ثابت نمودند که شاگردان خلف این جلدان هستند.

ساعت ۱ بعد از ظهر دریلندگوها اعلام کردند که "مردم! به پادگان و مسجد بروید! می‌خواهیم شهر را از زمین و هوا به آتش بکشیم!" هر چند عده‌ای قریب جاشاکی نظیر حاج علیپور را خورده و دستور بیلندگو را اجرا کردند اما اکثریت مردم مبارز سردشت از شیر بیرون رفته و عده‌ای به زیر زمینها پناهن شدند.

ساعت ۳ بعد از ظهر چپا رهلی کوپتر و دو فانتوم هماهنگ با پادگان تا غروب آفتاب شهر را بمباران و به آتش کشیدند. شهر به ویرانه‌ای تبدیل شد. مدارس را بمباران کردند، خانه‌ها را به توپ بستند، مردم را زیر گنا رمسلسل گرفتند. صدای شیون و زاری کودکان و بی‌تیمان و مادران داغیده بر حدهای قطعه قطعه شده و له‌گشته، بدران و بسرادران و فرزندانشان در فضای پرا ز آتش و دود و وحشت شهر می‌پیچید و خوشه‌های خشم و نفرت از این دژخیمان خون آثام را به آتشی تبدیل می‌کرد که کاخ ظلم و خونخواری حکام ضد خلق را در آینده‌ای نه چندان دور بسوزاند و سرای همیشه نابود کند.

عده‌ای از پیشمرگان حزب دمکرات بدستور فرماندهان از شیر بیرون رفتند، البته تا آن وقت چند نفر از آنان شهید شده بودند. پیشمرگهای سازمان رزمنگان بعد از اینکه دیدند شهر تقریباً از سکنه خالی شده تصمیم گرفتند با تمام نیروی که در شهر داشتند ضربه خود را به پادگان وارد کرده و سپس بخاطر جلوگیری از قتل عام بیشتر مردم و حمله مجدد به دشمن اشغالگر شهر را ترک کرده و عقب نشینی کنند. در این حال دسته‌ای از پیشمرگهای حزب دمکرات نیز با ما همکاری کرده و با پادگان را با آر-پی - جی و با زوکا زیر آتش گرفته و تلفات

وخسارات سنگینی بدشمن وارد کردیم و بدون هیچ تلفاتی شهر را به آرمی زیر گنا سار و بمباران پادگان و فانتوم ها ترک کردیم . این بود شرح مختصر واقعه خونین سردشت که نیروهای ددمنش رژیم حدوده ۴ نفر را کشته و دهها نفر را زخمی کردند و شهری ویران و مردمی آواره از بوش فاشیستی خود بیادگار گذاشتند.

این است ارتش برادر! ارتشی که دارد سیاست سرزمین سوخته را در مورد کردستان به اجرا می‌گذارد و می‌خواهد با بمباران و تیراندازی شبانه روزی به شهرها، قصبه‌ها و دهات، مردم و انقلابیون را به زانو درآورد. حتی وقتی که مردم آواره سردشت از شهر خارج می‌شدند و به دهات اطراف شهر و باغ و بیته‌ها پناه می‌بردند، علاوه بر اینکه آنروز با فانتوم و هلی‌کوپتر مردم را بمباران می‌کرد، شب همان روز تا صبح با فانتوم و توپ دهات اطراف را می‌کوبید، هنگامیکه تعداد کمی از نیروهای اشغالگر بدست پیشمرگان کشته می‌شوند، رژیم ضد خلقی با بوق و کرنا از حمله "ناجوانمردانه" پیشمرگها دم می‌زند. اما هنگامیکه خود با استفاده از تمام سلاحهای آمریکایی و با تمام قوا به کشتار ریبیر مردان، زنان و کودکان شیرخوار دست می‌زند و همه جا را بمباران کرده و هر رهگذری را به آتش هلی‌کوپتر می‌بندد، حتی کوچکترین خبری از این جنایات به شما خود را به اطلاع مردم نمی‌رساند، هنگام بمباران و هدیه آتش و خون به مردم، زمانی که در ریوش فروهر در پادگان سردشت بود، بیشرمانه از رادیوی دولتی خبر می‌دهد که در ریوش فروهرها نمایندگان مردم سردشت (لابد با جانها!) در محیط دؤستانه‌ای سرگرم مذاکره است، در حالیکه خود آقای در ریوش فروهر می‌دانند در آن حال کسی در شهر نمانده بود تا با ایشان به ضیافت شام مشغول شود. ■

سردشت

در مذاکراتی که شب ۵۸/۷/۲۶ بین هیئت نمایندگی خلق کرد به ریاست شیخ عزالدین حسینی و هیئت نمایندگی دولت به ریاست حسین در ریوش فروهر بعمل آمد، شیخ عزالدین حسینی و سایر اعضای هیئت نمایندگی خلق اعلام داشتند که در هر مذاکره اساسی، با یستی نمایندگان نیروها و احزاب سیاسی کردستان شرکت داشته باشند.

برخی از خواسته‌های حداقل جهت ایجاد فضای مساعد برای مذاکرات اساسی که از طرف هیئت نمایندگی خلق کرد مطرح شده به این صورت بود:

- ۱- آزادیهای دمکراتیک در سراسر ایران
 - ۲- اعاده و از اجزای و مطبوعات رفع توقیف گردد.
 - ۳- سپاه پاسداران در کردستان منحل و به محلهای خود فراخوانده شوند.
 - ۴- در هر مذاکره‌ای قطعیانه‌های ۸ ماهه - ای می‌باید و مستندج ملاک قرار گیرد.
- (با استفاده از اطلاعات مورخ ۵۸/۷/۲۷ س.ا.ز.ک.ا.)



ما و مذاکرات

موضع سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه‌له) درباره مذاکرات

موضع ما در برابر مذاکرات

ما با آگاهی برای نیکه رژیم زوموضع ضعف حاضر به گفتگو با خلق کرده و با آگاهی برای نیکه از موضع ریاکارانه در جستجوی راهی برای تفرقه اندازی و کشیدن ما سک طبعی بر روی چهره فاشیستی خودش میبندد، برای خنثی کردن نقشه‌های وی در شرایط مشخص کنونی حاضر به مذاکره هستیم. ما تنها حاضر به مذاکره هستیم، بلکه بعنوان یک سازمان سیاسی انقلابی که دارای سابقه مبارزه ده ساله بر علیه رژیم پهلوی بود و در طول جنبش انقلابی و ضد استبدادی و در جریان قیام فداکارانه شرکت کرده ایم، بعنوان یک سازمان انقلابی که دارای بایکا هتودهای بوده به منافع طبقه کارگر و همه زحمتکشان یعنی محکمترین ستون انقلاب خدمت میکنیم، بعنوان یک سازمان انقلابی که تا بحال سرسختانه و بدون سازشکاری در راه دست آوردن حق تعیین سرنوشت خلق کرد میا رز کرده ایم و با لایحه بعنوان یکی از نیروهای مسلح کردستان که قاطعانه و تالیانه در جنبش مقاومت مسلحانه خلق کرد شرکت داریم، حق و صلاحیت آنرا داریم که همه طرفها اعلام کنیم هر مذاکره یا توافق احتمالی که در آن نمایندگان ما یعنی سازمان زحمتکشان (کومه‌له) شرکت نداشته باشند، از لحاظ عملی بی اعتبار خواهد بود.

اینکه رژیم ایران در تن در دادن به گفتگو، علاوه بر ضعف هدفی ریاکارانه‌ای را هم تعقیب میکند، به این معنی نیست که نمایندگان جنبش انقلابی خلق کرد از جمله "کومه‌له" در مذاکرات شرکت نکنند و آنرا تحریم نما باند. جنبش انقلابی هم میتواند با هدفی خاص خود را در مذاکرات دنبال کند، همواره طبیعی است که دو طرف مذاکره هدفهای جداگانه و متضادی را در مذاکره تعقیب کنند. این شرایط عینی مبارزه، موضع اصولی طرف انقلابی و سیاست ما قائلان، آن است که میتواند نتیجه مذاکرات را در صورت (توافق یا عدم توافق) بنفع وی تمام کند.

بطور کلی باید گفت از وقتی که مبارزه ما تا مرحله شرکت در جنبش مسلحانه، خلسق ارتقاء یافته، از وقتیکه سروکار ما دیگر نه فقط با پیمشروان جنبش بلکه همچنین با توده‌های وسیع و با افکار عمومی است، با لطمه ما علاوه بر زمینه‌های قبلی مبارزه، با پستی در جبهه "دیپلوما تیک" هم مبارزه به برداریم و مبارزه در جبهه "دیپلوما تیک" را بوسیله ای برای پیشبرد جنبش انقلابی و پیشبرد هدفهای سیاسی خود تبدیل کنیم. جنگ یکی از اشکال

اخیراً سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومه‌له)، بیانیه‌ای انتشار داده و موضع خود را درقبال مذاکرات سیاسی در کردستان روشن کرده است. ما ضمن پشتیبانی از موضع این سازمان درقبال مذاکرات جاری، در زیر قسمت عمده این بیانیه را نقل میکنیم: در این بیانیه پس از اشاره به تریا کاری رژیم در بخش‌های فداکاری در اطراف مذاکرات و نقل دروغ برداری‌های فراوان از قول رهبران ملی و مذهبی خلق کرد مبنی بر آتش بس دادن آنها که از دیپلمات‌های ایران و از طرف خود منتسب می‌سازد آمده است که "چرا رژیم حاضر به مذاکره شده است؟" "راستی چرا رژیم که دستور جبهه دویسیج عمومی را بر علیه کردستان صادر کرد و افکار عمومی را بر علیه خلق کسرد شوراند، رژیم که ارتش، نیروی هوایی، سپاه پاسداران و دوا و طلبان مسلح را از سر تا سر ایران بجان خلق ستم دیده گردانده و دست‌ها تن از بهترین فرزندان مبارزان خلق را به دست خدای دیوانه، این جلاد عبا پیوش بدون محاکمه بدست جوخه‌های آتش سپرد، رژیم که با هواپیماها و هلیکوپترهای جنگی و توپ و تانک سرزمین کردستان را کوبید و هنوز هم هر روزه این کار را تکرار میکند، به سمت مذاکره متعایل شده است؟ بنظر ما ضعف و ناتوانی رژیم، علت اصلی این تن در دادن به مذاکره است. بطور کلی هر رژیم ضد خلقی هنگامیکه تشخیص میدهد نمیتواند جنبش انقلابی را سرکوب کند، به مذاکره روی می‌آورد."

بیانیه پس به بحران سیاسی - اقتصادی و شکستی که رژیم زحمتکشان در کردستان متحمل شده است اشاره میکند و در این رابطه به اوج گیری جنبش توده‌ها و از دست رفتن ابتکار عمل رژیم در کردستان و اقتادان به موضع دفاعی سخن می‌گوید و سپس ادامه میدهد: "همه این مشکلات رژیم را ناچار کرده که از موضع ضعف حاضر به مذاکره شود. اما آیا این تعایل صادقانه است؟

بنظر ما رژیم در عین ضعف دارای موضع ریاکارانه است و با به میان کشیدن مذاکره و آنهم با این شیوه، توام با دروغ برداری می‌خواهد:

۱ - با تبلیغ مذاکره چهره جنگ طلب و فاشیستی خود را بیوشاند.
۲ - با تبلیغ مذاکره و در عین حال دروغ برداری در اطراف آن، خلقهای ایران و نیروهای انقلابی را که چشم امید به جنبش کردستان دوخته اند نسبت به نیروهای انقلابی کردستان بدبین کرده و بین آنها تفرقه بیندازد.

۳ - با تبلیغ مذاکره و در عین حال دروغ برداری در مورد برخی نیروهای انقلابی خلق کرد، خلق را دچار بدبینی کرده و در منسوف آن تفرقه اندازی کند.

۴ - عناصر و نیروهای سازشکار و تسلیم طلب را با دادن وعده امتیازهای جزئی بطرف خود بکشاند و مخالفان خود را تجزیه کند.

سیاست سازمان ما از هنگامیکه وارد نبرد مسلحانه شده با پستی آنرا بنشان به یک "قیام" - موزدوازان برای پیشبرد هدفهای سیاسی استفاده کند. دیپلوما سی هم یکی از شکلهای سیاست است و مذاکره یکی از سلاحهای دیپلوما سی است که سازمان زحمتکشان (کومه‌له) با پستی ما موزد که چطور آنرا برای بالا بردن آگاهی خلق و افشای ماهیت دشمن، برای اثبات حقانیت خود و برای آموزش سیاسی مبارزان مورد استفاده قرار دهد.

ما با اعلام آمادگی خود برای شرکت در مذاکرات در شرایط فعلی، هدفهای زیر را دنبال میکنیم:

۱ - رژیم میخواهد در نزد افکار عمومی ما را به جنگ افروزی و برادر کشی متهم کند. ما بخوبی میدانیم که مسبب واقعی این جنگ رژیم است ولی از آنجا که هنوز بخشهای وسیعی از توده‌ها در ایران در مورد نیات و خواستههای ما تردید دارند و هنوز تحت تاثیر تبلیغات رژیم قرار میگیرند، ما موظفیم با اعلام آمادگی خود برای شرکت در مذاکرات آنها را دروغین جنگ طلبی را که ما وارد میکنند رد کنیم و با بیان خواهشهایمان از "تربییون مذاکرات" حقانیت و عادلانه بودن آنها را به خلقهای ایران نشان دهیم. به این وسیله ما به توده‌ها امکان می‌دهیم که در تجربه خودشان ماهیت واقعی رژیم و دروغین بودن حسن نیت وی را درک کنند و به این ترتیب نیروهای بینا بینی را که هنوز تردید دارند به سمت خود بکشانیم.

۲ - همانطور که میدانیم رژیم عمده در مورد نیروهای انقلابی خلق کرد و بخصوص سازمان زحمتکشان (کومه‌له) سکوت کرده است. ما با شرکت در مذاکرات این توطئه سکوت را خنثی میکنیم. رژیم میخواهد سازمان زحمتکشان (کومه‌له) را جدا کرده و به تنهایی وانفرا دیکتاند. ما با شرکت در مبارزه همراه دیگر نیروهای کردستان این توطئه را خنثی میکنیم و مانع از موفقیت مانورهای دورویانه وی میشویم.

۳ - ما با شرکت در مذاکره و کشانیدن جریان آن به میان مردم، توده‌ها را به بحثهای فعال و جنب جوش سیاسی میکشانیم. تجربه مشخص مذاکرات کردستان نشان داده است که هر جایی مذاکرات بمیان توده‌های مردم برده شده در همانجا نیز با استقبال و پشتیبانی مردم روبرو شده و آنها را به فعالیت کشاننده است.

در تمام مذاکراتی که سازمان ما شرکت فعال داشته است (مذاکرات میا با داریوش فروهر که منجر به صدور قطعنامه ۸ ماده‌ای میا با دند، مذاکرات نوروز خوزین سنندج با آیت الله طالقانی که قطعنامه ۸ ماده‌ای سنندج را با خود به شهر رسانید، مذاکرات مریوان با چمران و دیگران) همواره سعی کرده است از این اصل پیروی کند و نتایج بسیار عالی هم از این روش گرفته است. قطعنامه‌های ۸ ماده‌ای میا با دند سنندج که هنوز هم اعتبار خود را حفظ کرده‌اند، مورد پذیرش و

مختصاتی فعال کرد و نیروهای انقلابی و آزادیخواه سراسر ایران فرا گرفتند. کسانی هم که با حوادث مربوط و مذاکرات آن آشنایی ندارند بخوبی میدانند که نسبتاً شرکت نیروهای انقلابی و مجتهدان رمان زحمتگان (کوبه‌ها) و در جریان گذاشته‌ها شمی آن با مردم "اردو - کاه مرسان" و سراسر کردستان بود که نگذاشت مذاکره کنندگان در سازش و انحراف کسبه شده و سوندنیس مردم و رهبری قطع شود. گمانندن جریان مذاکره به میان مردم باعث می‌شود که توده‌های مردم به ناسازگاری و مذاکره کنندگان خود اعتماد نکنند. با ناکام شدن جریان مذاکرات میان مردم، مذاکرات را از صورت "سرازمیز" آن که بوده‌ها خود را "نابسه" آن نمیدانند و از یک امر "مخصوص رهبران" بیرون می‌آوریم، انتظارات فوق العاده‌ای را از مذاکرات در میان مردم وجود دارد که حتی می‌دهیم و واقعیتی بی‌سرویس بدیم. هم خود را در معرض مخاطرات و استقامت و تلاش از طرف آنها را بالا برد. و با نحوه اصولی مذاکره آنها می‌توانیم. همه آنها را با شرکت در مذاکرات می‌توان انجام داد.

۴ - ما در مذاکرات خود مانع می‌شویم که رژیم سوسیالیست در زمین نیروهای کردستان تفرقه اندازی کند، زیرا ما خواستار شرکت تمام نیروهای سیاسی کردستان در این مذاکرات نمی‌انیم. ما خواستار آنیم که حزب دموکرات نیز در این مذاکرات شرکت داشته باشد، متقابلاً نیروهای سیاسی کردستان و حزب دموکرات کردستان هم با بستن همین موضع را صراحتاً اعلام کنند و از مذاکرات بینانی و "ملج جدا - گانه" خودداری نمایند تا به این وسیله رژیم نتواند ارتکاب، میان نیروهای سیاسی کردستان بهره‌برداری کند. ما با شرکت خود در مذاکرات، جناحی سازشکار را در ازاخت و باخت‌های بی اهمیت بدون اطلاع مردم (کاری که متأسفانه تا بحال چندین بار روی داده است) محروم می‌کنیم و به این وسیله باز هم مانع بهره‌برداری رژیم می‌شویم.

۵ - ما بر روی خواسته‌های اساسی خلق کردستان که می‌کنیم نه بر روی حل عوارض جنگ اخیر، مسئله عوارض جنگ اخیر (آزادی زندان - نمان و تبعیدشدگان موقوف کردن اعدای ما، فرا خواندن با سداران و غیره) تنها در رابطه با جواب گویی به خواسته‌های اساسی خلق کردستان قابل حل هستند. حداقل این خواسته‌ها در مرحله کیوتی در تلمنا مه‌های ۸ ماده‌ای مه‌یاد و سندج آمده است و ما تا کید می‌کنیم که آنها را ملاک و پایه هر نوع مذاکره‌ای در مورد کردستان در شرایط فعلی می‌دانیم.

۶ - ما مسئله حقوق ملی تمام خلقهای ایران را با "مسئله" کردستان پیوند می‌دهیم. ما مسئله آزادیهای دموکراتیک در ایران را هم با "مسئله" کردستان پیوند می‌دهیم یعنی ما از حقوق خلقهای دیگر ایران دموکراتیک دفاع می‌کنیم. ما بخوبی آگاهیم که مبارزات و شرایط دشوار ما باعث فراهم آمدن شرایط

ما عدل‌های مبارزه در با برنقاط ایران می‌شود. ما با افتخار این وظیفه تاریخی را می‌پذیریم و قول می‌دهیم که ثمرات مبارزه خود را در اختیار همه نیروهای انقلابی، هم‌واداران حقوق خلقها و مبارزان آزادیهای دموکراتیک قرار دهیم. به این وسیله ما کاری می‌کنیم که این نیروها نیز مبارزه ما را از مبارزه خود جدا نسازیم و وسیع ترین پشتیبانی متقابل را بین نیروهای دموکراتیک و ضد امپریالیستی در ایران فراهم سازیم.

۷ - ما همه مبارزات خود مجتهد سنگر مذاکره را با تسویه حسابی برای ایجاد شرایط مسا عدلانه بخندیم به مبارزات طبقه کارگر و با ایجاد پیوند واقعی با آن مبارز می‌گیریم و همچون مراحل تاریخی و با بلدهای برای تسهیل شرایط انقلاب دموکراتیک ایران به رهبری طبقه کارگر می‌دانیم. ما اعتقاد داریم که طبقه کارگر با بستن مسئله حقوق خلقها و مسائل آزادیهای دموکراتیک را همچون ابرحیاتی خود پیدا ندور عکس با بستن لمس کند که سرکوب آزادیها و سرکوب خلقها تا چه حد از لحاظ عینی ضرر خود می‌یابد. همین آگاهی می‌شود و واقعی بر اساس اشتراک منافع واقعی ایجاد خواهد کرد. به این وسیله ما می‌توانیم شرکت فعال و دفاع بر نور طبقه کارگر را نسبت به هر خلقی که در جلب منافع می‌توانیم.

۸ - قبول مذاکره زطر ما به هیچ وجه به معنای قبول آسایش نیست، ما در اینجا نمونه‌ها و ستان را در نظر می‌گیریم، نه نمونه مصران. جبران می‌تواند بستن با قدرت نظامی عمل کرده و آنگاه در مذاکره شرکت نمود. ما هم همین کار را می‌کنیم. کنفرانس مذاکره در حقیقت چیزی جز انعکاس تاسوت واقعی نیروها نیست. انشاء است اگر فکر کنیم عقب نشینی در زمینه نظامی "حسن نیت" مرتجعین را جلب خواهد کرد. این به اصطلاح "حسن نیت" را نیرومندی ما به آنها تحمیل خواهد کرد.

۹ - ما در مورد بزمین گذاشتن اسلحه یعنی تن در دادن به خلق سلاح ما هرگز و در تحت هیچ شرایطی تا تحقق کامل انقلاب دموکراتیک ایران بدرهبری طبقه کارگر متن به خلق سلاح نخواهیم داد. تجربیات مختلف خلقهای جهان، تجربه خلق کرد و تجربه خلق سلاج مردم پس از قیام خیرایران بروشنی نشان می‌دهد که "خلق بدون یک ارتش خود را هیچ ندارد". و تمام دستاوردهای سیاسی خود را از دست خواهد داد. سیاست همبستگی و تنزل تا پذیر ما ایجاد و تقویت چنین ارتشی خواهد بود.

۹ - هدف هر مبارزه انقلابی کسب قدرت سیاسی است. اما این مبارزه از راهی پر پیچ و خمی می‌گذرد. ما نمی‌توانیم در مذاکره با دولت از وی بخواهیم که قدرتش را به کارگران واگذارد. اما ما می‌توانیم خود را تسهیل تا کتیک و کوتاه مدتی برگزینیم که می‌تواند توده‌های مردم را بدور خود جمع کرده و در صورت تحقق یافتن، رسیدن به هدف نهایی را آسانتر کند. بنا بر این ممکن است در این یا آن مذاکره به توافق‌های معینی که در حقیقت عقب نشینی‌های تاریخی رژیم محسوب می‌شود بپردازیم.

در این حالت ما با تمام نیروها و پیشرفت‌های سه دست آمده (امکانات کار ریلی، تبلیغات وسیع، مطبوعات و غیره) استفاده می‌کنیم. بسندون اینکه در جدل آسودگی تویم و نیروهای مسلح خود را برای کنده و منحل سازیم.

ضمناً ما قبول مذاکره را با توجه به شرایط مشخص کنونی به نفع خلق و به نفع انقلاب می‌دانیم. طبیعی است که هر زمان تحریم آنها برای مبارزه خلق سودمند تشخیص دهیم، در تحریم آنها تردید نخواهیم کرد.

۱۰ - ما از متن پیشنهادی شیخ عزالدین حسینی به هیئت مذاکره دولت موقت جمهوری اسلامی ایران که در روز ۵۸/۷/۲۷ به آژانس داریوش فروهر ارائه شده است، پشتیبانی نمی‌کنیم. (۱)

علاوه ما معتقدیم رژیم ایران با تبلیغات مسموم در مورد شخصیت حضرت شیخ عزالدین حسینی در حقیقت به توده‌های وسیع خلق کسرد که با رها بدبا سگوه‌ترین وجهی احترام و علاقه خود را نسبت به ایشان ابراز داشته‌اند، توهین می‌نماید که زایمان به شیوه رسمی بوزش خواهد شد. ۵۸/۸/۶

- (۱) - خواسته‌های جداتل که در اعلامیه سازمان انقلابی رحمتگان کردستان ایران مورخه ۷/۲۷ مطرح شده، ستار ربر است:
- آزادیهای دموکراتیک در سرتا سراسر ایران اعاده و از احزاب و مطبوعات رفع توقیف گردد.
- سپاه پاسداران در کردستان منحل و به محل‌های خود برخواهد شوند.
- در هر ماده تلمنا مه‌های ۸ ماده‌ای مه‌یاد و سندج ملاک قرار گیرد.

دفا تر سازمان انقلابی زحمتگان کردستان ایران (گومله) در سقز گشوده شد.

اخیراً دفا تر این سازمان انقلابی در سقز گشوده شد. این موضوع نشان می‌دهد که ارتجاع چگونه در کردستان شکست خورده و مجبور به عقب نشینی شده است. خصمی که در عرض چند ساعت می‌خواست خلق کرد و کمونیست‌ها را شکست دهد، با بسیج توده‌های ناآگاه و لشکرکشی به کردستان بیش از پیش شکست خود را جلو انداخت. امروز دیگر ارتجاع مجبور به برخی عقب نشینی‌ها شده است. باز شدن دفا تر سازمانهای انقلابی در شهرهای کردستان نشان‌دهنده از این عقب نشینی ارتجاع است. ما گشایش دفا تر سازمان انقلابی زحمتگان کردستان ایران را به این رفقا و تمامی خلق کرد تیریک گفته و همانطور که رفقا در پیام خود به این مناسبت متذکر شده‌اند این پیروزی را، شمره قهرمانی‌ها و دلاوریهای خلق قهرمان کرد می‌دانیم.

بیکار



اخباری از:

جنبش دانش آموزی

داده میشود و بیدوگان مستقل میگردد. مراسم شش جنازه، دانش آموز شهید با شرکت حدود ۳ هزار نفر از دانش آموزان و مردم شیربرگزار میشود. شعارهای این مراسم با شکره تکیه بر طرد سازگاری در جنبش خلق کرد و ادامه مقابله و تکیه بر پیروزی و پشتیبانی از شیخ عزالدین و پیشمرگان قهرمان داشت.

بروجرد

شهریه دانش آموزان مبارز بروجرد دانش آموزان مبارز بروجرد دست به انتشار نشریه‌ای با عنوان موق زده اند. این نشریه حاوی مقالات و اخبار مسامرات دانش آموزی است. ماسرای این نشریه، آرزوی موفقیت کرده و بعد از این نشریه آنها استفاده خواهیم کرد.

اخبار زیادی از مبارزات دانش آموزان نقاط مختلف کشورمان توسط هواداران سازمان بدست ما رسیده است که بعلت محدود بودن صفحات بیکار و نیز کمبود نداشتن برخی از آنها از درج همگی آنها در بیکار معذور بوده و فقط بعضی از آنها را بطور مختصر میآوریم:

مسجد سلیمان

در سیردهم آبان تظاهرات دانش آموزان مسجد سلیمان توسط عناصر فالانژ و کمیته جنبه بدون کشیده شد و ۹ نفر از دانش آموزان رخمی شدند. شعار دانش آموزان که بیشتر از دبیرستانهای مدیقه رضائی، آزادگان ۱۷ شهریور، امیرکبیر و سیا بودند از این قرار بود:

- محل میرزمد، ارتجاع مسی نرزد
- شکل، آگاهی، دامن ارتجاع است
- انجام، اتحاد علیه سرمایه دار
- کردستان، کردستان گورستان فاشیستان مدنی، مدنی، دریا دار پهلوی

دانش آموزان مسجد سلیمان در روز ۱۵ آبان هم در اعتراض به اعمال عناصر ارتجاعی و حمله آنان به صفوف دانش آموزان تظاهراتی انجام دادند که با استقبال کارگران، مصلحان، روشنفکران و دیپلمه‌ها روبرو شده و بسیاری صفوف دانش آموزان پیوسته شورگه تعداد تظاهرات کنندگان به حدود ۵ هزار نفر رسید.

خرم آباد

هنرجویان سال چهارم هنرستان خرم آباد به بنسبانی از محسن هنرجویان دیگر شهرها، از تاریخ سیم آبان در استانداري لرستان متحصن شدند. خواست متحصنین، همان جواسیای اعلام شده از طرف هنرجویان سراسر کشور است.

سقز

سقز - ۵۸/۸/۵ تا ۵۸/۸/۱۳
شورای دانش آموزان و معلمین برای رسیدن به خواسته‌های خود از تاریخ ۵۸/۸/۵ اعلام تحمن نمودند. مدارس شرکت کننده در این تحمن هرکدام در یکی از ادارات و موسسات شهر از قبیل بانک ملی، اداره دارائی، محامرات، مایکروویو، تحمن شد و آن موسسات را تعطیل نمودند. این تحمن علاوه بر انگاش سیاسی آن از لحاظ اقتصادی نیزه رژیم ضربه‌هایی وارد آورد. در این مدت با زاریان سقز معوان پشتیبانی از متحصنین مدت سه روز در کانهای خود را بستند. و کارمندان بیداری و کارگران شهرداری نیز پشتیبانی خود را از این تحمن اعلام داشتند. در مدت تحمن بهترین مکان تحمن سعت در مرکز شهر بودن آن محامرات بود که عملاً سک کانون آموزشی انقلابی و مکان خبرگیری تبدیل شده بود. در سقز از تاریخ ۵۸/۸/۱۲ با ساداران ارتجاع خصمه به تحمن دانشمندان و مقامات دولتی، دانش آموزان و همچنین پشتیبانی مردم از آستان روبرو شد و در نتیجه نقشه با ساداران را بستند زدند. خواسته‌های متحصنین بدین شرح بود:

- ۱ - اخراج با ساداران از کردستان
- ۲ - آزادی فعالیت سیاسی
- ۳ - آزادی و لغو سورا ز مطبوعات
- ۴ - آزادی کلیه زندانیان سیاسی ایران به ویژه کردستان
- ۵ - الغاء حکم تبعیدیان
- ۶ - بازگشت ۲۴ نفر معلم اخراجی
- ۷ - استرداد اماکن خاص کانون احیاء فرهنگ کردی

در روز ۵۸/۸/۱۳ تحمن با نتایج زیر خاتمه یافت:

- ۱ - بازگشت تبعیدیان
- ۲ - بازگشت معلمین اخراجی
- ۳ - استرداد اماکن خاص
- ۴ - آزادی زندانیان سیاسی سفر

سقز - ۵۸/۸/۱۴

روز ۵۸/۸/۱۴ ساعت ۱۰ صبح در حیاطان قاضی یکی از حاشیه کد از مدتی پیش در سقز به اذیت و آزار مردم می برداخت و همچنین در کندن اعلامیه‌ها و شمشائی افراد نشن فعالی داشت، توسط مردم هومشود. جاش مزبور عصبانی میشود و اقدام به تیراندازی میکند که در نتیجه آن یکی از دانش آموزان به اسم لطیف عبدیان در اثر شامه با تگلوله به شهادت میرسد. جاش مذکور توسط مردم دستگیر میشود و کتک محلی میخورد و سپس تحویل پیشمرگان

آمل

بنام سبت گرامی داشت و تحلیل از خاطره شهادی ۱۴ آبان، روز یکشنبه با دعوت " کمیته مشترک دانش آموزان انقلابی " از نیروهای مترقی و ضامیرالیست، چند هزار نفر از دانش آموزان، فارغ التحصیلان سی کار و ... در دبیرستان خمینی گرد آمده و در ساعت ۹/۵ با حمل پلاکاردهائی چسبون " خلق کرد خودمختاری میخواهد نه جنگ " گرامی یاد خاطره شهادی خلق کرد، عسرب بندر انزلی و ... " از سبب راب حق طلبانه روستاییان " کلسگان " پشتیبانی کنیم "، " برقرار یاد خودمختاری خلقی در خارج و ایران مستبد و دیکراتیک " و ... دست با راهبیمائی میزنند. در جریان راهبیمائی شعارهای " اتحاد، مبارزه، پیروزی "، " خلق کرد پیروز است، ارتجاع نابود است " کارگر انزلی برای ایجاد کار عرقه بخون شد "، " فرهنگ آمریکا شای نبود نابود گردد، فرهنگ انقلابی ایجاد باید گردد "، " سان سکن، آزادی "، و ... داده میشود.

راهبیمایان در مقابل شهرتانی، مورد شایم تعدادی از فالانژها قرار میگیرند و عده‌ای از آنها متعرق شده ولی فشار - انجمنیان بیکار بر آه خود تا مقدمات که مقابل دبیرستان خمینی بود، ادامه میدهند. در هنگام حمله فالانژها تظاهرات کنندگان شعار میدادند، جمران آمریکا شای حلاله خلق ما شد، شاکر، فلاحی مزدوران آمریکا "، فالانژها بطلت پراکنده دانش آموزان توانستند کناخانه دانش آموزی را مورد حمله قرار داده و کتابها را از بین ببرند.

روز دوشنبه ۱۴ آبان گروهی از دانش آموزان در دبیرستان خمینی بعنوان اعتراض به حمله عناصر مرتجع به صفوف آنها در روز قبل به تظاهرات دست زدند و در پاسان قطنامه به مضمون زیر را قرائت کردند:

- ۱ - عدم دخالت نیروهای انتظامی و با هر نیروی خارجی در مدرسه.
- ۲ - ایجاد محیط دیکراتیک و آزادی برای فعالیت سیاسی در مدرسه.
- ۳ - تشکیل شوراهای واقعی دانش آموزان متشکل از کلیه نیروهای سیاسی در مدرسه.

بقیه در صفحه ۶



(بنقل از ضمیمه محلی پیکار - کمیته آذربایجان)

گزارش مختصری از چند روستای اردبیل

اردبیل دارای محله‌های مختلف است از قبیل ویلیکج، بولادلی، بوردجی و محال خلخال و... ما اوضاع کلی از دهات محال ویلیکج را که منطقه بین "تمین" و "کسلا" را شامل می‌شود از زبان خود دهقانان بیان می‌کنیم: دهات آذربایجان مانند اکثر دهات ایران در بدترین شرایط قرار دارند. این بدی شرایط مخصوصاً برای دهاتی که در کوهپایه قرار گرفته‌اند تشدید می‌شود تا رسا نشیای بیشتری بیار می‌آورد. دهات محال ویلیکج هم بیشتر در کوهپایه‌ها قرار دارند و از اوضاع جغرافیایی سخت برخوردارند و همچنین از هیچگونه امکان رفاهی برخوردار نیستند. روستایی یا خانه‌های کلی و سقف کوتاه، با کوه‌های پر از لجن، دهاتی در معرض خطر سیل و خانه‌هایی کوچک و تاریک که تیرهای سقفشان از بس دوده بسته است به تیرقیبیری بدل شده‌اند. اکثر کشت این مناطق غله است و تقریباً اکثریت آردشان را از بازار می‌خرند. از اطلاعات ضد دهقانی رژیم منگور بی‌پلوی به این طرف از بس تکه زمینهای هنر خانوار بین اولادشان تقسیم گشته است که دیگر بقول یکی از مردان ده "گیری" تبدیل به طاقچه شده‌اند.

بدین جهت اکثراً تکه زمینهای خود را به "هامپاها" (دهقانان مرفه و نیمه مرفه) می‌فروشند و راهی شهرها می‌شوند چنانکه اردبیل را کمربندی از خانه‌های دهقانان کوچ کرده، در خود قرار داده است و این کوچ کردن مخصوصاً بعد از قیام فزونی گرفته است زنی از ده "ایربیل" میگفت: "دیگر از بیک گاو که نمیشود ده من در روز شیردوشید. آخر هفت هکتار زمین چیست که محصولش کفاف خرج سه خانواده یعنی من و شوهرم با بچه‌های کوچکتر و دو پسر دیگرم با زن و بچه‌ها - یشان را بدهد."

وضع راهها افتضاح است. بطورمثال بهترین راه در محال ویلیکج، راه اردبیل به "هور" و "رز" است که بقول یکی از دهقانان ده سفترچی "قابله خوبی است تا اگر زن حاله‌ای را سوار بر این ماشینهای قراضه از این راه ببری همان دوسه دقیقه اول حتماً بچه را سقط خواهد کرد!"

مشکل دهات کوهپایه از این لحاظ بیشتر است از درمانگاه و برق و حمام خبری نیست. مردم بیشتر خود رایادر "کلیها" (برکه‌ها) و "شرانیا" (آبشارهای کوچک) می‌شویند و یا در طول حمام می‌کنند. وضع مسکن تعریفی ندارد، غیر بهداشتی و بد است مثلاً در ده "هور" که تقریباً بخش حساب می‌شود و تازه یکی از بهترین دهات این منطقه است در یک خانه چندین خانوار زندگی میکنند، بدین معنا که خانه‌ها هر روز کوچک و کوچکتر میشوند زیرا پسرهای جوان زن می‌گیرند و پدر مجبور است خانه را دوباره تقسیم کند. مثلاً همین ده

یک کشاورز: "... قربان جدت بروم مگر قبل از آمدن شما ما بیهمودی بودیم؟ ... ما اسلام داشتیم ولی شان نداشتیم و نداریم."

"هور" وست ناچیزی دارد، در صورتیکه گفته خود اهالی ۱۵۰۰ خانوارند!

بعد از قیام بهمن ماه دهقانان امیدوار بودند که راه فرجی برایشان باز شود ولی بقول خودشان "شاه رفت و شاهنامه خوان آمد" و تنگی زندگی که از زمان شاه خائن شروع شده است، هر روز بیشتر می‌شود. بای صحبت یکی از مردان جوان ده "قزل قلیه" می‌نشینیم:

"جنگل دوباره قدغن شده و این بار پاسداران بجای ما موران جنگلبانی شروع به رشوه‌خواری کرده‌اند، برای هر بار قاطر ۵۰۰ ریال نرخ تعیین کرده‌اند. کمیته چیه‌ها برای آنکه مردم نکویند که رشوه‌خواری میکنند، دست به ابتکار تازه‌ای هم زده‌اند! آنه‌ها بار قاطر چیه‌ها را که میگیرند ضبط میکنند ولی آنرا تحویل جنگلبانی (که البته باز هم فرقی نمیکند) نمیدهند، بلکه بنفیع خود بفروزش می‌رسانند و بیشتر از پول رشوه‌ای، عایدشان می‌شود." از طرفی کم بودن زمین و بی‌صرفگی زراعت هم باعث گشته است که خوش‌نشینها بیشتر شده و به شهر روی آورند ولی در شهر هم کار نیست. نه جنگل، نه زراعت، نه کار و آنوقت قیمت لسوازم ضروری زندگی نیز هر روز گرانتر میشود و مثلاً آرد تهران که تا ۴ ماه پیش کیسه‌ای ۱۳۰ تومان بود به کیسه‌ای ۱۹۰ تومان رسیده است و با توجه به اینکه یک خانسواده متوسط ۵ نفری در ماه حداقل ۲ کیسه آرد مصرف میکند (زیرا اکثراً خوراکیان نان است) با این حساب ما چقدر میتوانیم دوام بیاوریم. به ایوالفضل قسم وقتی بچه از طبق نان بر میدارد مادر عین بزم می‌پرد، از دستش می‌قا بدوکتکش می‌زند که سیخ تو شکمت برود مگر نمیدانی گراشی است!؟ یا روغن نباتی کیلویی ۷ تومان را ۲۰ تومان به ما میدهند. از برنج هم که اعلا نیاید حرف زد. کفش پلاستیکی در عرض چند ماه قیمتش دو برابر شده است. پارچه هم که اعلا پرسیدنی نیست بدین جهت اکثر دهاتیه‌ها لباس خود را از فروشگاه بزرگ اردبیل (میدانی بنام "تازه میدان" که محصل بساط کهنه‌فروشیهای شهر است و به شوخی فروشگاه بزرگ اردبیل خوانده میشود) تهیه میکنند. گوشت هم که بحمدالله در حسرت مانده‌ایم. دکانیا برای چاییدن فقط تفنگ و شمشیر کسم دارند، نمیدانم تا عید دوام خواهیم آورد یا نه. اکثر جوانها و نوجوانها بیگارتند در کوهپایه پارسه می‌زنند و یا در قهوه‌خانه‌ها می‌نشینند و از هم بدگویی می‌کنند و دعوا راه می‌اندازند. از مدرسه‌های

ده می‌برسیم جواب میدهد: "ای بابا دلتان را خوش کرده‌اید. داخل مدرسه‌ها بیشتر به توره (زیارتگاه کوچک) میماند، بچه‌ها را طوری چپانده‌اند که حتی جای نفس کشیدن نیست تازه چه درسی میخواهند بخوانند؟" از روستاهایی که در جریان قیام فعالانه شرکت کردند، ده "نیارا" است. این ده که حدوداً ۶۵۰ خانوار دارد در حدود ۵۰ "هامپا" دارد و بقیه را دهقانان کم زمین و غربیه‌ها (خوش‌نشین‌ها، در این دهات دهقانان خوش‌نشین را اکثراً غربیه مینامند) تشکیل میدهند. این ده در طی قیام ۱۱ نفر شهید داد.

بای صحبت یکی از مردان ده "نیارا" می‌نشینیم: "فکر میکردیم اگر آقا بیاید کارها درست میشود تازه هر که میخواهد حرف راستی بزند میگویند فکر کمونیستی داری! وقتی آیت‌الله خمینی وارد ایران شد، برایش "کل" (گاونر) سربریدیم، ولی بدون رودربایستی حالا دلم برای آن کلیها میسوزد. مگر چی عایدمان شد؟ ما میگوییم فقط اسلام میخواستیم! کسی هم نیست به این امام بگوید "آخر قربان جدت بروم مگر قبل از آمدن شما ما بیهودی بودیم؟ ما قبلاً هم مسلمان بودیم. شما که دین تساراه‌ای نیاروده‌اید، ما اسلام داشتیم ولی شان نداشتیم و نداریم."

از روحیه مردم می‌برسیم، جواب میدهد: "والا آنه‌هایی که زمانی سخت و سخت‌نابیرست بودند (اکثراً هامپاها) و برعلیه افسراد فعال دهات با زاندارمری همکاری میکردند، حالا هم رنگ عوض کرده و به همان سختی و سختی خمینی پرست شده‌اند! و هرکس با این وضع اعتراض میکند میگویند "کفر می‌گویی، اسلام را ضعیف میکنی، به کمونیستها خدمت میکنی..."

یکی از دهقانان ده "هور" با طنز می‌گوید: "آخر ما هر کس را شناسیم این ملاحهای خودمان را که می‌شناسیم! ادر اینست که اینها برایمان قیافه میگیرند! بیستم آخر مگر شنیده‌ای که ملا به کسی بخش بکند؟ حتماً نه. آنها فقط دست گرفتن دارند، آنها همیشه گرفته‌اند، از من زارع، از دکان - دار، از ظالم، از مظلوم و... برادر سرت را درد نیازوم، ملا جیبی دارداز پای تا سر، که هر چقدر بدهی بر نمی‌شود. ولی شخصاً اقلاً دو جیب دارد که زودتر برمی‌شود و دست از سرت بر میدارد." ده آبکلو که ده بزرگی است (حدود ۵۰۰ خانوار دارد که ۵۰ خانوار را هامپاها و بقیه را دهقانان فقیر کم زمین و غربیه‌ها تشکیل میدهند) اکثر مردان این ده برای کار به شهر تهران میرفتند و در کارخانجات کار میکردند، ولی از دوران قیام تا بحال خانه نشین شده‌اند جوانی از این ده میگفت "از لطف جمهوری اسلامی دیگر بازنشسته شده‌ایم، البته بدون حقوق! اکثر دهقانان میگویند "اگر وضع به همین منوال پیش برود فردا پس فردا است که به شهر بریزیم".



بمناسبت گرامیداشت شصت و دومین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر

چهارمین جشن سالگرد انقلاب اکتبر

(مقاله ای از لسن)

۲

ادامه از شماره قبل

همه اینها مبنای انقلاب بورژوا-دمکراتیک را تشکیل میدهد.

یکصد و پنجاه سال پیش و دوپست و پنجاه سال پیش رهبران مترقی آن انقلاب (یا اگر تنوع ملی یکسوی عام را در نظر بگیریم ، آن انقلابها) قول دادند که بشریت را از امتیازات ضرور و وسطائی ، نابرابری جنس ، امتیازات دولتی این یا آن مذهب (یا ایده‌های مذهبی " ، کلیسا " بطورکلی) و نابرابری ملی رهایی بخشد. آنها قبول دادند ، اما بقولشان وفا نکردند. آنان نمیتوانستند به قولهای خود وفا کنند ، چه " احترام " آنها بحق مقدس مالکیت خصوصی آنان را از این کار بامیداشت. انقلاب پرولتری ما دچار این " احترام " لعنتی نسبت به مظاهر قرون وسطائی مدیعت خورده و به " حق مقدس مالکیت خصوصی " نبود. اما بخاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب بورژوا - دمکراتیک برای مردم روسیه ، مجبور بودیم بیشتر برویم و بیشتر هم رفته‌ایم. ما مسائل انقلاب بورژوا - دمکراتیک را بعنوان محصول فرعی فعالیتهای عمده و خالصاً پرولتری - انقلابی و سوسیالیستی خود در مدت زمانی قلیل حل خواهیم نمود. ما همواره گفته‌ایم که اصلاحات محصول فرعی مبارزه طبقاتی انقلابی است. ما گفتیم و با عمل آن را ثابت کردیم که اصلاحات بورژوا - دمکراتیک محصول فرعی انقلاب پرولتری یعنی انقلاب سوسیالیستی است اتفاقاً ، کاتوستکی ها ، هلفردینگ ها ، مارف ها ، چرنوف ها ، هلوثیت ها ، دانگه‌سسا ، مک دونالدها ، توراتی ها ، و دیگر قهرمانان مارکسیسم "دوونیم" (۱) ناتوان از درک این ارتباط بین انقلابهای بورژوا - دمکراتیک و سوسیالیستی - پرولتری بودند. اولی به دومی بسط مییابد. دومی، در مدت زمانی قلیل مسائل اولی را حل میکند. دومی عملگرداولی را تحکیم میبخشد. مبارزه و فقط مبارزه تعیین میکند که دومی در بسط اولی تا کجا توفیق می یابد.

نظام شوروی یکی از زنده ترین دلایل با مظهر این امر است که چگونه یک انقلاب به انقلاب دیگر بسط مییابد. نظام شوروی حداکثر دمکراسی را برای کارگران و دهقانان تا مین می کند. در عین حال گسستن از دمکراسی بورژوایی و ظهور نوعی دمکراسی نویب و دوران ساز ، یعنی دمکراسی پرولتری یا دیکتاتور پرولتاریا را مشخص میسازد. یگذازد فرومایگان و خوکو محض بورژوا - زی و دمکراتهای خرده بورژوا که دنباله رو آنانند بخاطر شکستها و اشتباهات ما در کار

بنای نظام شوروی خود لسن و دشام و استیزا ستار ما کنند. ما یک لحظه هم فراموش نخواهیم کرد که اشتباهات زیادی را مرتکب شده و می شویم و شکستهای زیادی را متحمل میگردیم. چطور میتوان در امری اینچنین نو در تاریخ جهان چون ساختن نوع بیسابقه ای از ساختن دولت ارتکستها و اشتباهات اجتناب کرد! ما بنحو استواری برای تصحیح اشتباهات و شکستهایمان و اصلاح کاربرد عملی اصول شوروی ، که هنوز از کامل شدن فاصله خیلی زیادی دارد ، فعالیت خواهیم کرد . ولی حق داریم از اینکه اقبال آغساز ساختن یک دولت شوروی ، و بنا بر این بنات یک عصر جدید در تاریخ جهان ، عصر کمیت یک طبقه جدید ، طبقه‌ای که در تمامی کشور های سرمایه‌داری تحت ستم بوده ولی اکنون در همه جا در راه یک زندگی نویب ، در راه پیروزی بر بورژوازی ، در راه دیکتاتور ی پرولتاریا ، در راه رهایی بشریت از یوغ سرمایه و جنگهای امپریالیستی به پیش می‌تازد ، نصب ماشده مغرور باشیم و هستیم .

مسئله جنگهای امپریالیستی ، مسئله سیاست بین المللی سرمایه مالی که اکنون بر تمامی جهان مسلط است ، سیاستی که تاگزیر جنگهای جدید امپریالیستی را ایجاد خواهد کرد ، سیاستی که تاگزیر باعث تشدید افراطی ستم ملی، چپاول ، راهزنی، اختناق ملل ضعیف و عقب مانده و کوچک توسط مشتی قدرتهای " پیشرفته " خواهد شد. این مسئله اساس مجموعه سیاست کشورهای جهان از ۱۹۱۴ به بعد است. این مسئله مرگ و زندگی میلیونها نفر از مردم است. مسئله این است که آیا ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ نفر از مردم (در مقایسه با ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ نفری که در جنگ ۱۸-۱۹۱۴ و در جنگهای " کوچک " مکمل آن که هنوز ادامه دارد کشته شدند) در جنگ امپریالیستی بعدی که بورژوازی آماده آن میشود و درست در برابر چشمان ما با میگردد قتل عام خواهند شد. مسئله این است که آیا در جنگ آینده که (اگر سرمایه‌داری به حیات خود ادامه دهد) تاگزیر است ، ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ نفر ناقص‌العضو (در مقایسه با ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ناقص‌العضو در ۱۸ - ۱۹۱۴) خواهند شد. در مورد این مسئله نیسیز انقلاب اکتبر ما نشاندهنده آغاز عمر نویبی در تاریخ جهان بود. نوکران بورژوازی و بادمان دورقاب چین‌هایش - سوسیال رولو - سیونرها و منشویکها و دمکراتهای خرده - بورژوازی مدعی سوسیالیست سرتا سر جهان - شعار " جنگ امپریالیستی را به جنگ داخلی تبدیل سازید " ما را به مسخره گرفته اند.

ولی ثابت شد که این شعار حقیقت است . حقیقتی ناگوار ، خشن ، عریان و بیرحم ، با اینهمه تنها حقیقت ، در برابر انبوهی از آراسته ترین دروغهای صلح طلبانه و جنگ طلبانه .

صلح برستافشا شده است و هر روز که میگذرد اهمیت و عواقب صلحی که حتی بدتر از برست است - صلح روسی - بیرحمانه افشا میگردد و میلیونها نفری که به علل جنگ اخیر و جنگ قریبالوقوع آینده میانندیشند بیش از پیش این حقیقت ترسناک و بیرحم را که فرار از جنگ امپریالیستی و صلح امیر - یالیستی (اگر املا قدیم هنوز مورد استفاده بود من کلمه صلح را دو جور مینویسم - تا هر دومین آنرا برسانم (۲)) که بطور غیر - قابل اجتناب جنگ امپریالیستی را ایجاد میکند ، این حقیقت را که فرار از ایسن دوزخ ، جز با یک مبارزه بلشویکی و یک انقلاب بلشویکی ناممکن است بروشنی درک میکنند.

یگذا ر بورژوازی و صلح طلبان ، ژرنالها و خرده بورژوازی ، سرمایه داران و سفلیگان سی فرهنگ ، مسیحیان متقی و شوالیه - های انترناسیونال دوم و دو و نیم خشم دیوانه‌وار خود را متوجه این انقلاب نمایند هیچ سیلابی از دشنام ، افترا و دروغ نمی - تواند آنها را قادر به پنهان ساختن این واقعیت تاریخی نماید که برای نخستین بار در طول صدها هزاران سال ، بردگان به جنگ میان برده‌داران با اعلام آنگار این شعار پاسخ داده اند: " این جنگ میان برده - داران برای تقسیم غارت را به جنگ بردگان

(۱) - اشاره است به اصطلاح انترناسیونال " دو ونیم" که در وین در فوریه ۱۹۲۱ در کنفرانسی از اعزاب " سائریست " و گروه - هایی که تحت فشار احداثات انقلابی کارگر - ان ، موقتاً از " انترناسیونال دوم " خارج شده بودند ، تاسیس شد. در سال ۱۹۲۳ انتر - ناسیونال دو و نیم به انترناسیونال دوم پیوست .

(۲) - در زبان روسی کلمه mir دو معنی دارد (جهان و صلح) و در املا قدیمی در املا مختلف داشت .

و ما، که در طول این سه یا چهار سال ایجاد تغییرات شدید درجه‌ده را (موقتی که تغییرات شدید جبهه مورد نیاز است) بسا آموخته‌ایم، مشتاقانه، بدقت و با پشتکار (هرچند هنوز نه حد کافی شناخته‌ایم، بدقت و با پشتکار) آموختن ایجاد یک تدبیر جدید جبهه یعنی سیاست اقتصادی جدید را آغاز نموده‌ایم. دولت پرولتری باید یک "سوداگر" محتاط، با پشتکار روزبرگ، یک تاجر عمده خوش‌دقت نبود در غرضان صورت هرگز در اینکه، این کشور دهقانان جز از لحاظ اقتصادی روی پای خود سبست شوند نخواهد یافت. تحت شرایط موجود، که ما در کنار غرب کابینتالیست (مادام که کابینتالیست باشد) زندگی می‌کنیم، راه دیگری برای پیشرفت بسوی کمونیسم وجود ندارد. تاجر عمده فروش یک سبب اقتصادی نظری - رسد که از کمونیسم به اندازه آسمان تا زمین بدور است. ولی این یکی از تناقضاتی است که در زندگی واقعی از یک اقتصاد دهقانی جز از طریق سرمایه داری دولتی به سویالیسم منتهی می‌شود.

انگیزه نحی، تولید را بالا خواهد برد ما باید ابتدا قبل از هر چیز و سپهرمنت تولید را افزایش دهیم. تاجر عمده فروشی از لحاظ اقتصادی ملیونها دهقان کوچک را متحد می‌کند: به آنها انگیزه نحی می‌دهد، آنها را سیم پیوسته می‌کند و به قدم بسدی یعنی به اشکال مختلف، جمع و اتحاد در خود پیوسته تولید راهبری می‌کند، ما هم اکنون تغییرات لازم را در سیاست اقتصادی خود آغاز کرده‌ایم و تا کنون پاره‌ای موفقیتها بدست خود داشته‌ایم، در حقیقت این موفقیتها کوچک و جزئی هستند ولی تا آن همه موفقیت هستند. ما اکنون در اس میدان "آموزش" جدید در حال انجام کلاس مقدمانی خود هستیم. با مطالعه مداوم و جدانه با کسب تجربه عملی از آزمون هر قدری که بر می‌داریم، ما با وجود بدانتن از یکسرات

بقیه در صفحه ۱۴

(۳) - اساس سال ۱۹۱۲، اساسهای در باره جنگ بود که توسط کسره فوق العاده اسرئاسیونال دوم که در سال برگزار شد، با بنای آرا صورت شد. سیاست اهداف عارت-کراسه جنگ امپریالیستی را که مقدمات آن در آن زمان آماده شدند، با طریسان صاحب روسیا - لیسهای سیاسی که در باره مناظره‌های داخل علیه جنگ می‌خواند. سیاست بال مسواد بطبعه کسره اسوسگارت اسرئاسیونال دوم را که در ۱۹۰۷ برگزار شده بود، مورد

نشد برار داد. قطعنامه مسور بنا به پیشنهادی، ایس و ر. لیکزاسورگ اطهار میدانت کسه در صورت وقوع جنگ امپریالیستی سویالیست ها باید از بحران اقتصادی و سیاسی ناشی از جنگ برای تدارک انقلاب سویالیستی بهره

بنیادهای اقتصادی برای بنای جدیدوسیا - لیستی بر جای بنای ویران شده فئودالی و بنای نیمه ویران شده سرمایه داری است. در همین مهمترین و منکلتبرس وظیفه است که ما بزرگترین تعداد شکستها را متحمل و بیشترین اشتباهات را مرتکب شدیم. چگونه کسی می‌توانست انتظار داشته باشد که وظیفه - ای چنین نوین برای جهان بدون شکستها و بدون اشتباهات می‌توانست آغاز شود! ولی ما آنها را آغاز کرده ایم. ما آنها را ادامه خواهیم داد. همین حالا ما با سیاست اقتصادی جدید خود مشغول تصحیح پاره - ای از اشتباهاتمان هستیم. ما می‌آموزیم که چگونه به سربانی بنای سویالیستی کشوری مرکب از دهقانان جز، بدون ارتکاب چنین اشتباهاتی ادامه دهیم.

مشکلات عظیم هستند: ولی ما به بنجه - افکندن با مشکلات عظیم "کله‌نی" جوگرته ایم. دشمنانمان بدون جهت ما را نماینده یک "سیاست یکدنده" نمی‌نامند. ولی ما همچنین، حداقل تا حدی، هنر دیگری را که در انقلاب ضروری است آموخته‌ایم، یعنی اشغال پذیری، توانایی انجام تغییرات سریع و تاکتیکاس تاکتیکها، در صورتیکه تغییر در شرایط عینی آنها بطلد، و اسباب راه دیگری برای دستیابی به هدفمان، اگر راه قبلی در لحظه عینی نامناسب و بسا ناممکن نظر برسد.

ما که در اوج شور و اسای راده نده، نخست شور سیاسی و سپس شور نظامی مردم را سدار کرده بودیم، انتظار داشتیم وظایف اقتصادی را به سکی وظایف سیاسی و نظامی که مستقماً با سکی به این شور انجام داده بودیم، باساحم برسانیم. ما انتظار داشتیم یا تا حد حقیقی تر آنست که بگوئیم بخود جرات می‌دادیم بدون آنکسه ملاحظه کافی در مورد آن کرده باشیم، که بتوانیم تولید دولتی و توزیع دولتی محصولات را علی اصول کمونیستی مستقماً منظور که دولت پرولتاریائی دستور می‌دهد در کشوری مرکب از دهقانان جز، سازمان دهیم. تجربه ثابت کرده است که ما در اساه بودیم. معلوم می‌شود که تعدادی مراحل گذار - سرمایه داری دولتی و سویالیسم برای آمادگی - آمادگی با سالیان متعددی کوشش، گذار به کمونیسم لازم بوده است. ما - به مستقیماً با تکیه بر شور، بلکه به کمک نوری که حاصل انقلاب بزرگ و ویران س نفع شخصی، انگیزه شخصی و امور تجاری - باید ابتدا در این کشور دهقانان جز، برای ساختن سربل های استوار بسوی سویالیسم از راه سرمایه داری دولتی دست بکار شویم. در غیر اینصورت ما هرگز به کمونیسم نخواهیم رسید، هرگز گروههای میلیونی مردم را به کمونیسم راهبر نخواهیم شد. این آن چیزی است که تجربه، جریان عینی نشان می‌دهد، انقلاب، بها آموخته است.

تمام ملتها علیه برده داران تمام ملتها تبدیل کنید.

برای نخستین بار در طول صدها و هزاران سال این شعار از یک انتظار مبهم و درمانده بیک برنامه سیاسی روشن و مشخص، به یک مبارزه موثر توسط ملیونها مردم ستمدیده تحت رهبری پرولتاریا، به نخستین پیروزی پرولتاریا، نخستین پیروزی در مبارزه برای الفنا جنگ و برای متحد کردن کارگران تمام کشورها علیه بورژوازی متحد ملتهای مختلف علیه بورژوازی که به خرج بردگان سرمایه، کارگران مزدور، دهقانان، مردم زحمتکش، ملح می‌کند و جنگ براه می‌اندازد، تبدیل شده است. این نخستین پیروزی هنوز پیروزی نهایی نیست و این پیروزی با انقلاب اکثریت ما، به بیهای مشکلات و سختیهای باورکردنی، به بیهای روح می‌سازد، همراه با یک سری شکستها و اشتباهات جدی از جانب ما بدست آمده است. چگونه می‌شد از یک مردم عذابناهنده، تنها انتظار داشت که جنگهای امپریالیستی، قویترین و پیشرفت ترین کشورهای جهان را بدون تحمل شکست و بدون ارتکاب اشتباهات عظیم بسازد.

ما از پذیرفتن اشتباهاتمان بیخبریم و آنها را بدون تعصب مورد بررسی قرار می‌دهیم تا با موزیم چکرده آنها را تصحیح نمائیم. اما این واقعیت جای خود باقی است که برای نخستین بار در طول صدها و هزاران سال وعده و "پاسخ" دادن به جنگ میان برده داران با یک انقلاب بردگان علیه تمام برده داران کاملاً اجرا شده است و عظیم تمام مشکلات در حال اجرا است.

با شروع کرده‌ایم، اینکه جد موضع، در چه تاریخ و زمانی، و بر چه کلامی کلام ملت این پیروزی را نشان خواهد رسانید، مهم نیست. مهم اینست که نجبا سخته شده است، جاده باز است، راه نشان داده شده است.

آقایان، سرمایه داران تمام کشورها به تظاهر ریاکارانه "دفاع از میهنی" خودتان - میهن زاپتی علیه آمریکا نشی، آمریکا علیه زاپتی، فرانسی علیه بریتانیای و غیره - ادامه بدهد، آقایان، شوالیه‌های انترناسیونال دوم و دوویسم، خرده بورژوازی با سیفیت و سفلگان بی فرهنگ سراسر جهان، به "طرحه رفتن" از این مسئله که چگونه باید با جنگهای امپریا - لیستی مبارزه کرد با انتشار "سیاسه‌های بال" جدید (طبق الگوی سیاسه سال ۱۹۱۲) ادامه دهد. نخستین انقلاب میلیونی، ولی حد میلیون مردم زمین را از جنگ امپریالیستی و جهان امپریالیستی بیرون آورده است. انقلابات بسدی بقیه نوع بشر را از چنین جنگها و از چنین دنیائی نجات خواهد داد.

آخرین، ولی مهمترین و مشکلترین وظیفه ما وظیفه‌ای که در موردش کمترین کار را انجام داده‌ایم، پیشرفت اقتصادی است، بی افکندن

"نگاهی به کارنامه استاندار خوزستان"

(۲)

مدنی کیست؟ چرا او را کاندیدای ریاست جمهوری کرده‌اند؟

ب- تیمسار مدنی و

کشتار خلق عرب

پس از نیام سکره‌سند سپس ماه ۵۷ خلق عرب سبز مانند سایر خلقهای ایران در ابتدا امید داشت که دولت موقت با اصلاح ایدئولوژی به خواستهای ملی این ناحیه مشیت دهد. دولت در ابتدای امر وانمود می‌کرد که خواست خلقها را در نظر خواهد گرفت، لکن جریان زندگی خیلی زود نشان داد که حسن نیست و رژیم کثرتی به میخاهد و نه می-تواند بخواست عادلانه آنها جواب منصفانه دهد. از طرف دیگر کارگران و رنجبران خلق عرب که انتظار داشتند دولت در مورد تمفیه عناصر مرتجع و سرسیده رژیم مردود شاه و هماداره احوال سرمایه‌داران واسته اتمام کند، وقتی با بی تفاوتی و حتی در موارد بسیاری حمایت دولت موقت از آنها مواجه شدند و از مراجعات مکررشان به کمیته های امام نیز (که اغلب در دست

مرتجعین فارس بود) نتایج ای نگرفتند، خود دست‌نکار شده و فریاد اعتراضان را به صورت کم کاری و اعتصاب و... بیلند کردند. (مثلاً در خرمشهر با وجودیکه بیش از ۸۰٪ جمعیت آنها عربها تشکیل میدهد، بیشتر کمیته‌ها در دست تارسیها و اعراب مرتجع قرار می‌گرفتند و ایضا بجای حمایت از کارگران و زحمتکشان، حقوق آنها را نادیده گرفته و مسائل را به نفع اعراب شروتمند و جمعیت غیر عرب‌نژاد می‌کنند).

پس از تشکیل "کانون فرهنگی خلق عرب" و... که بسیار تکرار آن روشنفکران انقلابی و جدم تن از زندانیان سیاسی عرب بودند، به علت انتقادهای گسترده‌ای که در شماره سرمایه‌داران وابسته و عناصر مرتجع و وابسته بدو رژیم خائن شاه می‌کرد، مورد توجه و حمایت خلق عرب خوزستان قرار گرفت. اما از سوی دیگر سرمایه‌داران وابسته و عناصر مرتجعین که هدف حمله و افشاکری قرار گرفته بودند و بدین ترتیب منافع خود را در خطر می‌دیدند، دست‌به‌نویسند زدند و مرتباً به پخش اعلامیه و... اعضا کانون را به عد-انقلابی، تجزیه طلب، وطن فروش و... متهم نمودند. اینها همچنین در مقابل خواستهای بحق خلق عرب شایع کردند که عربها می-خواهند خوزستان را تجزیه کرده و به عراق ملحق نمایند! و این فریب را تا آنجا که در جوان داشتند در بوق و کرنا دمیدند. با ورود تیمسار مدنی بعنوان فرمانده نیروی دریایی و استاندار خوزستان، عناصر مزدکوار جان تازه‌ای گرفتند و تسلط و شرطه‌ها در سطح وسیعتری گسترش یافت. مدنی با راه‌طی سخنرانیهای تحریک آمیز به خلق عرب ناحیه و آنها را تجزیه طلب و ضد انقلابی معرفی نمود و تحقیر کرد، و بد این ترتیب کمبود

نا زمینه را برای سرکوب خونین خلق عرب آماده ساخت. وی از همان آغاز ورودی به خوزستان بربره خلق سلاج را شروع کرد و بر سر سرکوب را آماده نمود. سرانجام سر سلاج وجودیکه طی نشتی ۶ ساعته در شب گذشته ۵۸/۳/۸ با محور نماسده آبدالذخانی و نماینده حوره علسه قم سوانس مسکنده تا روز پنجشنبه ۵۸/۳/۱۵ سه کانون فرهنگی خلق عرب و سازمان سیاسی خلق عرب منسلب دهد تا مکانهای خود را تخلیه کنند و سلاجهاشان را تحویل دهند (کانون فرهنگی خلق عرب املاً صلح نمود) در باعداد چهارشنبه ۵۸/۳/۹ (ساعت ۳/۴۰) طی یک محصله سازی از پیش برنامه ریزی شده (۱)

اینجهت مدنی جلاد طی یک دوره جلسات مخفی و علنی با شیوخ مرتجع محلی، اعتقاد و همکاری آنان را بخود جلب می‌نماید و پس از آن، بگیرو بیندنا، اعدامهای بی درسی و... آغاز مینود و مدتی در زندانهای مدنی زیر شکنجه های روحی و جسمی قرار می-گیرند.

عبدالرضا الحاوئی کارگر اداره بنسدر خرمشهر، حاتم سیاح حسینی دبیرکل همکار محمد انصاریان کارگر ساختمانی و دارای ۵ فرزند و ۷ برادر و خواهر تحت تکفل در ساعت ۵ و بانزده دهمه روز یکشنبه ۲/۲۴ / در منزل عبدالرضا الحاوئی دستگیر و با جنبهای بسته به مرکز باسداران برده می-

مدنی جلاد حمله به کانونهای مترقی خلق عرب را با استفاده از نیروهای ورزیده ارتش، گارد جاویدان و... آغاز کرد و در عرض یک حمله بیش از ۲۰۰ نفر را قتل عام نمود.

مدنی جلاد برای آنکه نماینده جلاد منشی اش رعب و وحشت بیشتری ایجاد کند، چندتن را که در کنار سینما تاج و محل مسکونی مجا و رشید و پیر فرست و آمد است به سبک قزاقان روسی در جنبش مشروطه به جوخه مرگ می سپرد.

شوند. اینها آنان ظاهراً پرناب بارنجک در مسجد جامع خرمشهر بود، در صورتیکه شدت و شاع انفجار بحدی بوده که تنها از عینده بمب نیرومندی برآمده که از میل در آنجا کار گذاشته شده بود، در سن راه پای عبدالرضا الحاوئی با کلوله‌ای که یکی از باسداران ملوک می‌کند زخمی می‌شود، در مقر باسداران دستگیر شدگان بوسله شکنجه-گر با سابقه اعزای ار نیروان مورد شکنجه قرار می‌گیرند، اما بیعت وضع و خم عبدالرضا الحاوئی وی را به بیمارستان برده و مدت ۳ ساعت تمام شیم جراحی برای جارج نمودن کلوله از پای وی تلاش می‌کنند. کسر از یک ساعت از خروج مجروح از اطای عمل بگذشته که باسداران به دستور مدنی جلاد او چهاره کتبی دادستان خرمشهر به نیات اینکاماید مجروح را فوراً به بیمارستان نیروی دریایی منتقل کنند به بازداستگاه برده و در حالت اغمه همراه دو تن دیگر از دستگیر-شدگان در ساعت ۹ شب همان روز تیرباران میکنند. قابل ذکر اینکه حتی در موقع تیراندازی لوله سرم هنوز در پای عبدالرضا الحاوئی قرار گرفته بود.

بعدا از این واقعه مدنی کمتر از ۲۴ ساعت جمیل بهرایی شور و عیان نیای بداتنیام رابطه با سه نفر یاد شده تیرباران می-شوند.

چند روز بعد مدنی جلاد برای آنکه نمایش جلاد منشی اش رعب و وحشت بیشتری ایجاد کند، چند تن را در کنار سینما تاج

(تیراندازی از داخل پیکان خمپورکی که براحتمی می‌توانستند رد آرا بگیرند) حمله خود را بوسله کمانده‌های نیروی دریایی باسداران اعزای از سایر شهرها و انفراد لیمپ و ساآکا‌هی که توسط ناخدا خوشنام (فرمانده پایگاه دریایی) صلح شده بودند آغاز می‌کند. و کشتار خلق عرب انجمنیان آغاز مینود!! و مدنی طی این کشتار نشان داد که از دزخیمان آرا می‌پوی هیچ کمندارد، به خلاصه‌ای از گزارش "گروه شخصیات جمعیت دفاع از خلقهای ایران" را که در رابطه با کشتار خلق عرب نوشته شده توجه کنید و ببینید تنها گوشه‌ای از جانیات این جلاد خلق عرب تا چه حد نشان دهنده است. "مدنی جلاد حمله به کانونهای مترقی خلق عرب را با استفاده از نیروهای ورزیده ارتش، گارد جاویدان و... آغاز کرد و در عرض یک حمله بیش از ۲۰۰ نفر را قتل عام نمود. اما از آنجا که سرکوب مستقیم مبارزات مردم ایرانی کینه شده بود مردم عدم کارآئی آنها در رژیم سابق ثابت نموده بودند، مدنی و همدستانش طرح شوطه جدیدی را بریزند و بر آن می‌نویسند که رعب و وحشت آرا می‌پوی را بر سر سرسرمطفه حاکم کنند. از

(۱) - طبق خبری دولتی، طرح حمله در همان سه شبه شب، قبل از ساعت ۸/۵ در جلسه‌ای با حضور مدنی، ناخدا خوشنام و چند تن از اعراب مرتجع و... برپا شده و مورد به‌دوید قرار می‌گیرد (نقل بمعنی از "گزارش فاجعه خرمشهر" گروه یاران حیدر عموا و غلی)

که محل مسکونی مجاور شهر و بر رفت و آمد این به سبک قزاقان روسی در جنبش مشروطه به جوخه مرگ می سپرد .

تیمسار مدنی در پی اعدای اخیر بدنبال اجرای طرحی است که بتواند از یک طرف افکار عمومی مردم را بر علیه خلق عرب تحریک کرده و از طرف دیگر بدنبال زمینه چینی فوق موقعیت خوبی را برای کشتار آنها بدست آورد. زیرا اینها بنصورت خود تنها زمانی میتوانند به نقشه شوم خود که به لووت کشیدن مسئله حقوق خلقها و پایمال کردن آن است موفق شوند که قبل از هر چیز افکار عمومی را با توطئه چینی و طرحهای رنگارنگ بر ضد خلقها بسج نمایند .

آری ، در چنین شرایط حساسی که امیر - بالیستها در رشد جنبش توده های نابودی جدی و قاطع منافع خود را می بینند ، سعی می - کنند که از طریق عوامل آشکار و پنهان خود که در بسیاری از ارگانها و محافل هیئت حاکمه نفوذ کرده و مسئولیت های حساسی را بعهده گرفته اند ، زمینه را برای تحریک افکار عمومی و آماده سازی آن برای سرکوب جنبش رو با اعتلای توده های آماده نماینده در متن تحریک افکار عمومی و ایجاد جنگ روانی دست بگفتار و سرکوب جنبش توده های بزنند .

همچنانکه در کردستان همین عوامل و ایادی آشکار و پنهان امیربالیسم از فماش سرتیپ ولی الله فلاحی ، سرلشکر شاکر و ... با ایجاد زمینه مناسب و تحریک افکار عمومی بر علیه خلق کرد (اعلام اینکه در بساوه پاسداران را سربریده اند و بادر ستمند زنان را بگروگان گرفته اند که البته نه از پاسداران سربریده خبری بود و نه از زنان گروگان گرفته شده !) ، پنهانه و محمل مناسبی برای هجوم و حیا نه هیئت حاکمه به سرتاسر کردستان ایجاد کردند و در پیورش و حیا نه پاسداران و ارتش ضد خلقی دست بگفتار و سرکوب خلقی کرد زده شد ، رژیم فاشیستی شاه نیز وقتی با جنبش سرتا - سری مردم مواجه شد برای منحرف کردن مسیر مبارزه و متهم نمودن مبارزین بگفتار خلقی ، سینما رکس آبادان را به آتش کشید . و اکنون همین عوامل و ایادی سرسپرده امیربالیسم و دشمنان خلق و طبقه کارگر در خوزستان موج انفجار و خرابکاری را به راه انداخته اند تا زمینه را برای ایجاد یک جنگ برادر کشی در گوشه ای دیگر از خاک میهنمان آماده کنند . در یکماه اخیر ما شاهد اقدامات جنایتکارانه ای بوده ایم که چند نمونه آنها ذکر میکنیم : انفجار بمب در بازار خرمشهر ، انفجار دکل مخابراتی خرمشهر و ... و انفجار در قطار مسافری خرمشهر - تهران که بی نیاست به فاجعه سینما رکس آبادان نبرد و سی شک دستنهایی آلوده و تجربه اندوخته آنان که فاجعه " سینما رکس " را آفریدند در این حادثه و حوادث مشابه آن نیز بیکار آمده است . چرا که بسیاری از آن موجودات که در آن زمان در بندر امور بودند ، هم اکنون نیز در

بسته های حاس قرار دارند ، مانند " آتشی معاون فعلی مدنی و " زرگر " دادستان آبادان ! که بتازگی بر کنار گردید و با اینکه برونده ساواکی بودنش روشن ، مجدداً در دادگستری ایقا شد . بدون تردید عاملین این اقدامات هدفی جز زمینه سازی بسورای سرکوب جنبش توده های و سوز و خروش عرب و جنبش کارگری خوزستان و برآه اندا - ختن موج اعدا م و ترور انقلابیون را ندارند . همچنانکه شاهد بودیم بلافاصله بعد از حادثه انفجار قطار ، ۸ تن از فرزندان خلق عرب به جوخه آتش سپرده شدند . اما آنچه که این روزها موجب تشدید جنبش جنایاتی شده ،

این دو جناح در یک چیز مشترکند و آن سرکوب نیروهای خلقی به بیانه اینکه فاجیع اخیر بدست آنها انجام گرفته است . این وضعیت در خرمشهر بحدی است که حتی جلسو مدارس دانش آموزان را تفتیش بدنی کرده - اند و از این کار خود دو هدف را دنبال میکنند ، یکی اینکه عاملین انفجارها و حوادث را از دید توده ها بیوشانند و نیرو - های انقلابی و مبارزان خلق عرب را عامل آن بدانند و از سوی دیگر بخش کنندگان اعلامیه و ... را شناخته و دستگیر کنند . وقتی که نوکر سرسپرده امیربالیسم آمریکا و رئیس دفتر ویژه شاه جلاد در امور

● **دو جناح (مدنی و چمران) در منطقه برای خود را رودسته های فالانژ ، مخفی و علنی درست کرده و با حمله به قلمرو دیگری به وحشیانه ترین جنایات دست می زنند تا حاکمیت جناح خود را تثبیت کرده و جناح مقابل را از صحنه بدر کنند .**

بلا گرفتن تضادی است که بر سر اعمال حاکمیت ، بین جناح های مختلف مسئولین محلی و پشیمانان آنان در هیئت حاکمه وجود دارد . یک جناح را مدنی و برخی عوامل سرسپرده رژیم مزدور شاه و عناصری از روحانیت مرتجع تشکیل میدهند و جناح دیگر را بخش دیگر و تقریباً قوی روحانیت مرتجع محلی که بطور ضمنی از چمران حمایت میکنند و بدون شک چمران نیز از آنها .

هر یک از این دو جناح (مدنی و چمران) در منطقه برای خود داروده های فالانژ ، مخفی و علنی درست کرده و با حمله به قلمرو دیگری ، به وحشیانه ترین جنایات دست می زنند تا حاکمیت جناح خود را تثبیت کرده و جناح مقابل را از صحنه بدر کنند . چیزی که برای هیچیک از این دو مطرح نیست و هر دو بنحوی در آن شریکند ، خون ریگنا هائی است که بدست عوامل مزدورنسان ریخته میشود .

البته بررسی اینکه در انفجارها و آتش - سوزیهای اخیر ، جناح طرفدار چمران تا چه اندازه نقش داشته است ، مطلبی است که احتیاج به گذشت زمان و روشن پساره ای مسائل پشت پرده دارد . ولی با توجه به حلات متقابلی که میشود ، این جناح هم از انجام این قبیل عملیات چشم پوشی نمیکند .

مستشاران نظامی ، یعنی تیمسار شاکر بجمام فرماندهی کل ستاد ارتش جمهوری اسلامی انتخاب میشود ، وقتی که تیمسار ولی الله فلاحی قاتل صدها نفر از مردم مبارز شیراز در روزهای قبل از قیام ، بمقام فرماندهی نیروی زمینی انتخاب میشود و بعنوان یکی از عوامل سرکوب خلق در منطقه اعزام میگردد ، آیا جز این میتوان انتظار داشت که هر روز در گوشه ای از خاک میهنمان با توطئه چینی همین عوامل سرسپرده ، جنگ برادر کشی راه افتاده و خلقهای قهرمان وطنمان مسورد کشتار و سرکوب قرار گیرند ؟

ما معتقدیم همچنانکه توطئه های امیربالیستی رژیم شاه خائن نه تنها نتوانست هیچگونه مانعی در برابر پیشرفت جنبش توده های ایجاد کند ، بلکه ماهیت ضد خلقی خود را آشکارتر نمود ، توطئه های ضد خلقی عوامل و ایادی ارتجاع و امیربالیسم از قبیل آتش زدن اماکن عمومی و انفجار قطار مسافری و بازار و ... هم نخواهد توانست سدی در برابر پیشرفت جنبش رو به اعتلای توده های ایجاد کند و این اقدامات هر چه بیشتر ماهیت عوامل آنها در پیش توده های مردم فاش و برملا ساخته و نابودی آنان را تسریع خواهد کرد . اندامه دارد

بقیه از صفحه ۱۴

چهار زمین جشن ...

تغییر دادن آنچه قبلاً شروع کرده ایم ، با تصحیح اشتباهاتمان و با تجزیه و تحلیل اهمیت آنها با بیشترین دقت ، ما به کلامهای بالاتر خواهیم رفت . ما تمام " دوره " را طی خواهیم کرد . گرچه وضع فعلی اقتصاد جهانی سیاست جهانی این دوره را بسیار طولانی تر و بسیار مشکلتر از آنچه ما دوست میداشتیم ساخته است .

مهم نیست که دوره گذار به چه قیمتی و مشکلات این دوره تا چه حد سخت ممکن است باشد - علیرغم بدبختی ، فحطی و خرابی - ما شانه خالی نخواهیم کرد ، ما پیروزمند - اند امر خود را به مقدم خواهیم رسانید .

۱۴ اکتبر ۱۹۲۱
شماره ۲۴۴ پسر اودا
۱۸ اکتبر ۱۹۲۱
به امضا : ن ، لنین
کلیات آثار - جلد ۳۳ صفحات ۵۹ - ۵۱

اوج گیری مبارزات ضد امپریالیستی توده ها و استعفای بازرگان

● دولت بازرگان که با تمام خیانت پیشگی‌ها بیش مدت ۹ ماه مورد تاخت و تاز حمایت کامل جناح روحانیت قرار داشت اینک وجودش جز آسیب رساندن بیش از پیش به موقعیت جمهوری اسلامی و جز جری ترساختن مردم حاصلی نداشت.

● دودیدگاه انحرافی که در برخورد با حرکات جدید هیئت حاکمه خود را نشان می‌دهد

و همه حرکات رژیم ناشی از سیاست امپریالیستی است! (در حقیقت به جنبش مبارزاتی توده‌ها که چنین عقب‌نشینی راه جناحی ناشی از هیئت حاکمه تحمیل کرده و آنها را مجبور ساخته که در انطباق با موج ضد امپریالیستی توده‌ها پیش‌روند البته نه از یک موضع انقلابی، بلکه کاملاً در جهت تثبیت خویش - کم بها میدهد. دیدگاه دیگر هم که این حرکت را از موضع ضد امپریالیستی و یا کم و بیش انقلابی بخشهای رژیم تصور مینماید نوعی دیگر مایهت این حرکات را جدا از مجموعه حرکت کلی سیستم سرمایه‌داری وابسته در نظر می‌گیرد.

اما بعد از این مطالب کلی بدنیست برای برخورد مشخصاً مسائل نکاهی کوتاه بر نطق بازرگان در رابطه با استعفای بی‌فکتمیم: آقای بازرگان در سخنرانی خدا حافظی خود می‌گوید: "... یکی تضاد بین سازندگی است و استقاده تضاد دیگر اینست که بین خواستهای لحاظ خدماتی که باید دولت انجام بدهد از قبیل تامین آب و برق و مایحتاج مردم و امنیت و دفاع از مملکت و از طرف دیگر این فکر بود که این دستگاه‌هاشی که باید این خدمات را انجام بدهد، پردمیگردند و یا تضعیف می‌گردند و میکنند. از یک طرف ارتش چون طاغوتی است و امپریالیستی، باید از سن برود. همچنین دستگاه دولتی چون دستگاهی است معیوب و ساخته و پرداخته نظام طاغوتی مطرود است و معیوب و باید برود."

بازرگان با منطق بورژوازی و در چارچوب پیش‌فدخلق خود نمیتواند هم ضرورت دفاع از امنیت - امنیت سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم - را تقبل کند و هم شععی موج اعتراضات وسیعی را که خواهان نابودی ارتش ضدخلق و زبروروشدن دستگاه‌های دولتی هستند، فروبناشد که در ضمن با شیوه‌های جناح روحانیت هم تضادی نداشته باشد. و این تضادی بود که حادثه، انعکاس آن در درون هیئت حاکمه میبایست تخفیف داده شد. میبایست کار بدست بازرگان‌ها میان تادک تاریخ از مزاحمت‌های جناح روحانیت ساست "گام به گام" خود را در جهت تثبیت و استحکام گام بگام سرمایه‌داری وابسته و ضرورتاً سلطه امپریالیسم به پیش‌برند و باینکه می - بایست روحانیت با قیضه کردن همه امور

از موج عظیم ضد امپریالیستی توده‌ها، اما درجهتی دیگر، در جهت حفظ منافع و تثبیت سیستم حاکم انجام شد.

حال که بررسی مسئله را بدینجا گذاشتیم بد نیست که با دیدگاه انحرافی که در برخورد با حرکات جدید هیئت حاکم خود را نشان می‌دهد، برخوردی مختصر بنماییم. بر طبق یک دیدگاه که در برخوردی مطلق بینا دو مکانیکی با قضا دارد همه این سیاستها و کنش‌وقوس - های هیئت حاکمه ناشی از یک سیاست واحد امپریالیستی است. این دیدگاه میسازد نقطه نظرات و سیاستهای جناحهای مختلف هیئت حاکمه اعم از جناح خرده بورژوازی و روحانیت - که خود نیز طیفهای مختلفی را در بردارد - جناح بورژوازی وابسته و بورژوازی لیبرال تفاوت چندانی فائل نمینماید و چون همه جریانهای درونی قدرتهای حاکم را مستقیماً به سیاستهای امپریالیستی وصل میکند، طبیعتاً از درک بی‌جیدگی‌ها و ناهمگونیهایی حرکت هیئت حاکمه و جناحهای مختلف آن عاجز و ناتوان میماند.

دیدگاه انحرافی دیگر با قائل نشدن تضادی ماهوی و اساسی میان سیاست خط مشی بخشهای متفاوت رژیم (خرده بورژوازی و برفه سنتی و بورژوازی) و تکیه بسیار بر اختلافات آنان، بیبوند اساسی میان این دو بخش را منکر می‌گردد. بر طبق این نقطه نظر کوشی بخشهای از هیئت حاکمه میتوانند عملکردی انقلابی جدا از مقتضیات نظام سرمایه‌داری وابسته و جدا از مجموعه حرکت هیئت حاکمه در این نظام که بدون هیچ تردیدی ضد خلقی و نیابتاً در جهت منافع امپریالیسم است داشته باشد. این گونه برخورد با قضا با در عمل چیزی نیست جز افتادن بدام توهمات خرده بورژوازی.

بنابراین برای شناخت صحیح و روشن از سیاستهای ناهمگون و بظاهر کیچ‌کننده هیئت حاکمه باید همواره ملزومات کلی نظام سرمایه‌داری وابسته و تضادات درونی آن را در مجموعه شرایطی که این سیستم را احاطه کرده یعنی در رابطه با عوامل اساسی و بسیار تعیین‌کننده مبارزات توده‌ها، تضادهای درونی هیئت حاکمه و موقعیت هر یک در نزد توده‌ها و ... مورد نظر قرار داد. نقطه نظری که در حرکت ضد امپریالیستی هیئت حاکمه توطئه‌های پشت پرده امپریالیسم را می‌بیند (تنها) بجز این است که نظام سرمایه‌داری وابسته است

سراجام بعد از ۹ ماه گناکتهای درونی قدرتهای حاکم، بازرگان مجبور به استعفا شد و این جریان مقارن بود با یک حرکت وسیع ضد امپریالیستی از سوی مردم و حرکات از طرف هیئت حاکمه که بر علیه آمریکا و درهما - هنگ کردن خود با این موج عظیم اعتراضات ضد امپریالیستی انجام شد. استعفای بازرگان را باید تقیل از هر چیز محمول تناهدا و تناقضات کم و بیش حاد و وسیعی دانست که رژیم - جمهوری اسلامی را از هر سو در حاصره خود گرفته بود. تناهدا‌های که خود ریشه در عمق بحرانهای سیاسی و اقتصادی جامعه داشت و رشد

بیش از پیش حرکات اعتراضی مردم - آن را پیوسته داد من میزد. طبیعتاً این وضع نمی - توانست مدت درازی دوام بیاورد و جیساراً میبایست برای نجات آن چاره‌ای اندیشیده شود. چرا که با وارد شدن جنبش مبارزاتی توده‌ها به یک مرحله نوین از انقلابی خودو با آشکار شدن اعتراضات درونی رژیم - خصوصاً در کابینه بازرگان، موقعیت کلی جمهوری اسلامی حتی مستفدترین و بر قدرت‌ترین عنصر آن یعنی آیت‌الله خمینی نیز زیر سؤال می‌رفت. بنیاده اختلافات میان قدرتهای حاکم و دعوا‌هایی که بر سر سیاستها و شیوه‌های حکومت میان جناح روحانیت و کابینه آقای بازرگان روی میداد خود عاملی بود که موقعیت هیئت حاکمه را بین از پیش متزلزل میساخت. بدین ترتیب دولت بازرگان که با تمام خیانت - پیشگی‌ها بیش مدت ۹ ماه مورد تاخت و تاز و تاخت و تاز روحانیت قرار داشت اینک وجودش جز آسیب رساندن بیش از پیش به موقعیت جمهوری اسلامی و جز حریت ترساختن مردم حاصلی نداشت. بخمیس که بارهای اقدامات نوطه - آمیز این جناح که نشانی آشکار از هماهنگی و تطبیق کامل آن با سیاستهای امپریالیستی داشت، چهره رنگ و رو باخته جمهوری اسلامی را در تنزد مردم بد منظر میساخت. از سوی دیگر این واقعیت را نیز باید دید که جناح روحانیت حاکم و شورای انقلاب علی‌رغم آنکه نقش ضد انقلابی خود را در این ۹ ماه بکسرات بشیوت رسانیده بود با اینحال منافع ملموس و مستقیمی در حفظ سلطه امپریالیسم آمریکا در ایران نداشت (البته منهای برخی عناصر مشکوک). کرجه سازش آشکار و حمایت بیدریغ این جناح از کابینه بازرگان و عملکردهای دیگری چون حملات جناحی تارانه به خلق کرد، سرکوب دستاوردهای انقلاب و ... بیوند این جناح را با بورژوازی و بیبوند غیر مستقیمش را با منافع امپریالیسم نشان میدهد، لیکن این معنای جوش خوردگی مستقیم و کامل این جناح با امپریالیسم نبوده و نیست. همین مسئله یعنی نداشتن منافع مستقیم در حفظ سلطه آمریکا با فاضه ویژگیهای جناح روحانیت مشروع طلبی و شیوه‌های انحصار طلبانه‌اش، تضاد دوی را با جناح بازرگان با بورژوالیبرال‌ها در عین داشتن خطوط مشترک حفظ مینمود و همین امر نیز موجب کنار گذاشتن بازرگان از صحنه عمل و آغاز یک سلسله حملات ضد امپریالیستی هیئت حاکمه گردید. حملاتی که بتبعیت

گام پیروزمندانه کارآموزان مراکز حرفه‌ای

مذاکره با متحصنین شدند. در جلسه ای با نمایندگان کارآموزان و دو نماینده مذکور، نمایندگان کارآموزان به تشریح خواسته‌های برحق خود (کذا آنجمله میتوان به پاکسازی محیط آموزشی از افراد طاغوتی و غیرمسئول و تضمین کار بعد از پایان دوره آموزشی و در صورت عدم توانائی برای ایجاد کار دادن حق بیمه بیکاری، اشاره کرد) پرداختند که مورد تأیید دو نماینده اعزامی قرار گرفت. در این جلسه قرار بر این شد که برای تامین خواسته‌های کارآموزان - خودکارآموز- ان به مراکز خود رفته و سه نفر از مربیان منتخب خود را به وزارت کار معرفی کنند تا یکی از آنها بوسیله وزارت بعنوان رئیس مراکز، زیر نظر شورای کارآموزان، مشغول بکار شود. در ضمن قرار شد که از هفته بعد یک هیئت از وزارت کار به مراکز آموزشی برای پاکسازی برود و با همکاری شورای کارآموزان این کار را انجام دهد. کلیه خواسته‌های کارآموزان مورد تأیید قرار گرفت ولی نمایندگان خواستار ضمانت کتبی شدند که چون وقت اداری تمام شده بود این کار به روز شنبه ۱۹ آبان موکول شد. بعد از اتمام جلسه مشترک نمایندگان شورای هماهنگی کارآموز-ان به میان کارآموزان آمدند، جریان مذاکرات را سازگو و بررسی کردند. کارآموزان خواستار بازگشت به مراکز و انجام این امور شدند و گفتند اگر کوتاهی شود دوباره به وزارت کار آمده و تحصن میکنند، چون به این حقیقت پی برده بودند که تنها با اتحاد و تشکیل و یکپارچگی و اتکاب به نیروی خودمستوانند به خواسته‌هایشان برسند و این اتحاد و نیروی خود آنان بود که آنها را به همین پیروزی مختصر رساند. بعد از سه روز تحصن وزارت کار را در مقابل اراده‌شان بعقب راند.

بقیه از صفحه ۲ مذاکرات ...

تعیین سرنوشت را برعهده خود آنها واگذارند. بایده‌شان داد تا زمانیکه پیروزی و قدرت - مندان مذهبی کنونی همچنان برار سکه قدرت سوارند، چه خواهند و چه نخواهند تنها بوسیله منافع امپریالیسم را حفظ خواهند نمود و هرگونه انتظاری از رژیم سستی بررسمت آنها - ختن حقوق حقه، ختن کرد خنالی باطن سسین نخواهد بود. همانگونه که مبارزین رژیم بر علیه آمریکا مبارزهای استانه به مفهوم واقعی فدا مبریا لستی خود، بیماگونه نیز دمکرات نمائی آنها در فضا ل حقوق مردم کرد جز عقب نشینی سنگر دستگرد در مقابل جنبش انقلابی کردستان و جز سستی در جهت تشییع موقعیت و جز خشی عوا مفریانه برای تنها جمبعدی بنش نخواهد بود.

کارآموزان مراکز حرفه‌ای شماره ۲ و ۳ و ۴ وزارت کار و امور اجتماعی در رابطه با خواسته‌هایی که از مدت‌ها قبل مطرح کرده و جوابی نشنیده بودند در وزارت کار در طبقه همکف دست به تحصن زدند. بدین ترتیب که در تاریخ دوشنبه ۱۶ آبان ابتدا مراکز شماره ۳ و ۴ و در روز سه شنبه ۱۷ آبان مراکز شماره ۱ و ۲ به وزارت کار رفته و متحصن میشوند. در آنجا گوشه‌زادی از طرف مسئولین وزارت کار بعمل می‌آید تا تحصن کارآموزان را بدون تشبیه با بیان دهند ولی هشیاری و مقاومت کارآموزان مانع از اجرای نقشه آنان میشود. مثلاً شخصی سام ابراهیمی که خود را مشاور وزیر اعلام میکرد نقش فعالی در این راه بازی میکرد ولی با تمام " زرنگی" و حیلله گری اش و علیرغم سو بد بردن از تاکتیکهای ساواکی (مثلاً ما حاضریم خواسته‌های شما را برآورده سازیم بشرطی که اسامی خود و شماره شناسنامه و اسم پدر - تان را به ما بدهید و ...) نتوانست مقاومت یکپارچه کارآموزان حرفه‌ای را در هم شکنند. استدعای وزیر کار دایر بر مهلت دادن برای پاکسازی (که یکی از خواسته‌های متحصنین بود و از نظر خود وزیر هم خواسته برحق بود) هم نتوانست تحصن آنان را بشکند تا اینکه یکی از عناصر ارتجاعی و مورد تفرق گار - آموزان یعنی آقای فلاح (معاون مدیر کل وزارت کار) مجبور به استعفا شد و درسی آن تمام روسای مراکز آموزشی استعفا دادند. البته قابل ذکر است که کارآموزان کسرج رئیس مرکز خود را که شخصی بنام دانا لستی است قبلاً از مرکز اخراج کرده بودند.

در روز پنجشنبه دو نماینده، یکی از نخست‌وزیری و دیگری از کمیته مرکزی به اتفاق پاراسی معاون وزیر کار خواستار ناگزیر کنار گذاشته شدن خویش در مقابل حفظ موقعیت و حیثیت حاکمه اعتراف میکنند و در جای دیگر با تاکتیک سرانگنه او در خط " امام " سوده و هست و خواهش از " امام " در بذل عنایت خویش به همد و نده طبقه و قشری خاص بیبوند درونی میان جناح خود و روحانیت را برای جلوگیری از هرگونه توهم بسان مینماید. وقتی با اعمال خائشانه بازرگان و نظایر او با جنس سرنش و " حس نبشی " یاد مینموده وقتی با اسبچه سرودا با زهم عنامری چون جبران خلاد، بهشتی و قطب زاده در راس امور باقی ممانند، آقای بازرگان حق دارد انتظار بذل عنایت از سوی " امام " را داشته باشد و این بذل عنایتی است که نه به بازرگان، بلکه به بورژوا لیمیرالها و بورژواهای واسنه ای میگردد که حافظ منافع سرمایه داران وابسته و ضرورتاً حافظ منافع امپریالیسم در ایرانند. ■

میدان را بطور کامل دست میگرفت. تسلط و نفوذ جناح روحانیت هیئت حاکمه سرانجام بازی را بسنج او کامل ساخت و سیاست رژیم بر این قرار گرفت که با کنار گذاشتن بازرگان میدان دادن بیشتر به روحانیت و انطباق دادن ظاهری خود با خواسته‌های انقلابی مردم بنوعی دیگر از میان رفتن سیستم حاکم را بعقب بیاورد.

در جای دیگر آقای بازرگان به " تعدد مراکز تصمیم گیری، تعدد باخواست کردنها و عواملی که عمل میکند" اشاره کرده و نگرانی عمیق خود را از این که طبقه‌های متفاوت اداری، اجتماعی، سیاسی، دینسی و اقتصادی بر مملکت حکم رانند و هرچ و مرج ناشی از این چندگانگی قدرت اسیراز میدارد... آقای بازرگان از این نگرانست و بدرستی نیز نگران است که با اینهمه آقا با لاسروبا میدان گرفتن بیش از پیش روحانیت، با سیاستهای تنگ نظرانسه و انحصار طلبانه و شیوه‌های سیاسی او را برای پیشرفت امور و تثبیت اوضاع و احوال درجهت حفظ سیستم سرمایه‌داری وابسته هموار نگردد و این مسئله‌ای نبود که با ملاقات وی بسا برزیسنکی و سیم اشغال سفارت آمریکا مستقیماً مربوط باشد. این اختلافی بود که از همان ابتدا در رابطه با چگونگی فرونشاندن بحرانهای جامعه میان دو جناح تصمیم‌گیرنده در هیئت حاکمه، روحانیت با موقعیت مسلط و در عین حال با شیوه‌های ارتجاعی، کورکورانه و بی‌برنامه‌اش و دولت با موقعیت ضعیف و در عین حال با برنامه‌ریزی آگاهانه تر درجهت حفظ سلطه امپریالیسم وجود داشته است. بازرگان خود در اینباره میگوید: " ایمن او آخر گفته شده که اشغال سفارت آمریکا و گفت و شنوده‌های بعد از آن موجب استعفا شده ولی بهیچوجه این صحیح نیست. این مسئله خیلی مسئله قدیمی تر از این زمانه اخیر بوده است" چرا که به گفته خود بازرگان او قبلاً نیز با بیش از دویست وزیر و سفیر ملاقات کرده و هیچ مسئله‌ای نیز پیش نیامده بود.

آری، همانطور که بازرگان خود اعتراف میکند مسئله نه ملاقات وی با برزیسنکی، بلکه اساساً بنی بود که در رابطه با حادث شدن بحرانهای همه جانبه سیاسی، اقتصادی، اوجگیری جنس، آشکار شدن هر چه بیشتر ماهیت فدخلخی هیئت حاکمه و افتخارات بی در بی دولت گریبان رژیم را گزرنده بود و در این رابطه اختلاف میان جناحها بعد از قضیه را بسیار حادثر و همه - جانبه تر ساخت. بازرگان در این باره میگوید: " چون مادر مرحله‌ای رسیده بودیم که میدیدیم بن بست است و دیواری جلوی ما است و ما نمی‌توانیم جلو برویم و راه از هر طرف بسته است و... استعفا من بدنبال استعفا مکرر و متوالی همکارانم بسود". میبینیم که بازرگان در اینجا به ضرورت

- اصل نوزدهم -

در جمهوری اسلامی مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و ماسد آنها، امتیاز نخواهد بود.

سیاست رژیم کنونی درباره مسئله ملی در طول چند ماهی که از عمر او میگذرد، بقدری روشن و واضح است که نیازی به هیچگونه توضیح و بررسی ندارد.

امروز بیش از هر روز دیگر آشکار شده است که سیاست رژیم کنونی در مقابل خلقهای تحت ستم، چیزی جز نفی کامل حقوق آنها و لشکر کشی بر علیه آنها نبوده است. رژیم حاضر در برابر خواست بحق و عادلانه خلقهای مبنی بر کسب حق خودمختاری، ریشه کن ساختن فئودالیسم و... کارزار تبلیغاتی سر تا پا دروغ و نیرنگ را بر علیه آنها بر راه انداخته است. رژیم کنونی با استفاده از عناوینی چون "تجزیه طلبی"، "فدائقلاب"، "عامل مپوینسیم" و مد ها نمونه دیگری کرده است تا اهداف خلقهای تحت ستم را لووت نموده و مردم را نسبت به آنها بدبین سازد.

نمونه های بالا بقدری واضح و گویا هستند که در این مورد حای هیچ شک و تردیدی باقی نمیگذارد که رژیم حاضر بهیچوجه نمیتواند به حل قطعی و عادلانه مسئله ملی دست بزند، نمیتواند برابری کامل و واقعی خلقها را تامین کند و...

درواقع وقتی "خبرگان" رژیم حاضر در مجلس ادعا میکنند که از نظر آنان مردم ایران از "حقوق مساوی" برخوردارند، کارشان معنی دیگری جز مردم فریبی، تحمیل نموده ها و واژگون نشان دادن واقعیات ندارد. آنها صاف و ساده دروغ میگویند.

آنها دم از تساوی حقوق مردم ایران میزنند، ولی حتی کلمه ای هم از اینکه مردم ایران شامل چه ملیتهایی هست و اصولاً آنها آنها مقوله ای بنام "ملیت" را به رسمیت نمی شناسند یا نه، بر زبان نمی آورند. در واقع آنها وجود ملیتهای مختلف را در ایران که عبارت از فارس، ترک، کرد، بلوچ، عرب و ترکمن میباشند، انکار می کنند.

وقتی "خبرگان" رژیم در اصل فوق عبارت "قوم و قبیله" را بجای "ملیت" و "رنگ و نژاد" را در کنار "زبان و ماسد آنها" قرار میدهند عدم درک خود را از "ملیت" و "مسئله ملی" رسمی و قانونی میکنند.

به آنها یاد گفت: آقایان قوم و قبیله یک چیز است و "ملیت" چیز دیگر، این دو شکل و سطح متفاوتی از روابط انسانی را بیان میکنند. ملت آن روابط انسانی است که تکامل یافته، "قوم و قبیله" برده و بپایدا یستی سرمایه داری و به هم پیوستن بازارهای کوچک

نگاهی به قانون اساسی محصول مجلس خبرگان (قسمت آخر)

مجلسی بهم، بوجود آمده است. در حالیکه قوم و قبیله مربوط به دوران ماقبل سرمایه داری است. اما آن چیزی که در این میان بی معنی بوده و آوردن آن در کنار حقوق خلقها تنها میتواند خنده آور باشد، "رنگ و نژاد" است که هیچگونه ربطی به "قوم و قبیله" و "ملیت" ندارد. جای "رنگ و نژاد" نه در اصل مربوط به حقوق خلقها بلکه در اصل مربوط به "تبعیض نژادی" است!

کند، رادیو گوش کند و... وقتی خبرگان رژیم اعلام میکنند که کتب درسی باید با این زبان باشد و "استفاده از زبان محلی... در کنار زبان فارسی آزاد است". درست به این شبهه است که برنده ای را در قفس آهنین اسیر کرده و بعد برای او نغمه سرایی کنند که تو علیه رژیم اینک باید در قفس بمائی ولی میتوانی در کنار "امارت در قفس"، آزادانه پرواز کنی. اینست مفهوم واقعی آن "آزادی" که خبرگان رژیم ارائه میدهند. آنها این حق مسلم نیمی از مردم ایران را که زبان مادری خلقها باید زبان رسمی آنان باشد و دولت میباید تمام امکانات را در جهت تحقق آن فراهم آورد با وقاحت تمام انکار می کنند، ولی خلقهای ایران را مجبور می سازند با به اصل ۱۶ اجباراً به آموزش زبان عربی از پایان دوره ابتدایی تا متوسطه بپردازند.

● قرارداد دادن "قوم و قبیله" بجای "ملیت" و آوردن "رنگ و نژاد" در کنار "زبان" تنها رسمیت دادن به عدم درک خود از "ملیت" و "مسئله ملی" است.

● حقوق مساوی مردم ایران تنها از طریق تحقق بخشیدن به خودمختاری واقعی امکان پذیر است.

● لشکر کشی به کردستان و بیستن بدترین تهمتها به "ملیتها" بهتر از هر سندی سیاست رژیم را در این مورد آشکار می کند.

● "خبرگان" حق مسلم نیمی از مردم ایران را که زبان مادری خلقها با یسد زبان رسمی آنان باشد، انکار میکنند ولی خلقهای ایران را وادار میسازند بنا بر اصل ۱۶، اجباراً زبان عربی یاد بگیرند!

معنی خلاصه اصل نوزدهم چنین میشود:

زبان و خط ملیتهای غیر فارس میهمان اجباراً زبان و خط فارسی بوده و آنها ضعیف "آزادند" که در کنار زبان فارسی از زبان خود نیز استفاده کنند.

آنها در اصل مربوط بدین و مذهب رسمی ایران که در شماره قبلی بیکار به بررسی آن پرداختیم، مذهب رسمی ایران را شیعه اعلام می کنند و با اینکار خود مذهب اکثریت ملیت های تحت ستم ایران را که غیر شیعه است، از رسمیت می اندازند. آنان علاوه بر اینکه قدمی در جهت اتحاد برادرانه خلقهای ایران بر نمی دارند، بلکه با دادن زدن به اختلافات مذهبی، هر چه بیشتر حس برتری طلبی (شونینسم) را تقویت کرده و خلقها را نسبت به هم بدبین می سازد.

کمونیستها همیشه از برابری کامل حقوق خلقهای ایران دفاع میکنند، و در این راه نه فقط دفاع بلکه آنرا تا مین و تضمین نیز می نمایند. یعنی برابری حقوق خلقها را در عمل نیز پیاده می سازند. طرح آنها روشن است:

شنا سایی حق تعیین سرنوشت و در شرایط

بقیه در صفحه ۲۱

از طرف دیگر در این اصل حتی کلمه ای هم درباره "چگونگی تامین حقوق مساوی خلقها" نمیتوان یافت، بخصوص در شرایط کشور ما که این ملیت ها سالهای سال تحت ستم ملی فارسیها قرار داشته، از حقوق ملی خود محروم بوده و حتی فاقد حق استفاده از فرهنگ زبان مادری خویش بوده اند. بدون روشن کردن راه تامین واقعی حقوق مساوی خلقها، "حقوق مساوی خلقها" چه معنی میدهد؟

اما آیا سکوت اصل در این مورد سهوی بوده است؟
برای اینکه این امر روشن شود و منظور واقعی "خبرگان" رژیم از عبارت "حقوق مساوی مردم ایران" و همچنین علت سکوت آنان در مورد راه تامین واقعی این حقوق معلوم گردد، کمی به گذشته برمی گردیم: اصل بیست و یک اعلام میکند که: "زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است و متون و اسناد و مکاتبات رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد...". معنی واقعی این عبارت برای یک ترکمن، یک ترک، یک کرد و... مثل این است که یک فارس را مجبور کنند تا از اول دبستان بزبان انگلیسی درس بخواند، بحث

فقط آن قانونی مقدس است که حافظ منافع زحمتکشان باشد

"مسئله روش برخورد سوسیال دموکراسی (کمونیستی) با احزاب بورژوازی یکی از مسائل "عام" یا تئوریک بشمار می رود. یعنی از آن مسائلی است که مستقیماً بهیچ وظیفه مشخصی که در لحظه معین در مقابل حزب قرار می گیرد مربوط نمی شود..." (لنین: شیوه برخورد به احزاب بورژوازی)

شیوه برخورد پرولتری یا خرده بورژوازی؟

۳

نقدی بر مواضع چریکهای فدائیان خلق در مورد طبقات ونیروهای غیر پرولتری

(۶) - کمونیستها و مسئله ملی

برای کمونیستها مسئله ملی جدا از مبارزه طبقاتی مطرح نیست. بورژوازی ملیت های ستم دیده خواهان در اختیار گرفتن کامل بازار داخلی و استقلال سیاسی و اقتصادی برای به جریان انداختن آزادانه سرمایه و استثمار زحمتکشان است. در حالیکه مبارزه طبقاتی پرولتاریا و زحمتکشان ملیتهای ستم دیده بخشی از مبارزه طبقاتی آنان علیه نظام استثمار گرانه است. ناسیونالیسم بورژوازی تنها خواهان امتیازاتی برای خود در به سود و به نفع نظام کالایی است. تا یادست با زوری به بهره گیری از نیروی کار زحمتکشان بردارند. این ناسیونالیسم تنگ نظرانه می گوید تا میان پرولتاریای ملیتهای مختلف شکاف انداخته و با نیروی توده ها استقلال سیاسی و اقتصادی را برای خود تامین کند. برای بورژوازی "ملیت" بمعنی بازار ملی است ولی زحمتکشان ملیت های مختلف اشتراک منافع واقعی دارند و مبارزه ملی تا آنجا که به پیشرفت مبارزه طبقاتی و وحدت پرولتاریا کمک کند به سود او است. از این رو: "ساست پرولتاریا در مورد مسئله ملی (و نیز در مورد سایر مسائل) فقط در جهت معینی از بورژوازی پشتیبانی می کند، اما هرگز سیاست آن انطباق نمی یابد. طبقه کارگر فقط منبع خلق ملی (که بورژوازی نمی تواند آن را بطور کامل تامین نماید) و فقط در صورت دموکراسی شدن (که قابل اجراء است)، منبع برابری حقوق و رفاه فراهم نمودن سهریستین موجبات برای مبارزه طبقاتی است. (لنین) بورژوازی پشتیبانی نمی نماید. " (لنین) "در باره حق ملی در تعیین سرنوشت خویش" خلق ملی و همبستگی و برادری ملیتها فقط با استقرار جمهوری دموکراتیک خلق و ظهور کامل با استقرار سوسیالیسم تامین خواهد شد. کمونیستها همیشه بطور صوری از "حق ملی در تعیین سرنوشت" و اصل اتحاد دموکراتیک و طلبانه خلقها پشتیبانی می کنند. ولی برای کمونیستها مبارزه ملی از امر بی شمیر مبارزه طبقاتی پرولتاریا و وحدت زحمتکشان ملیتهای مختلف (در مقابل ناسیونالیسم تنگ نظرانه بورژوازی) جدا نیست و شناختی "حق ملی در تعیین سرنوشت خویش" تنها طریق اصولی تحکیم چنین وحدتی است. ولی اینکه مسئله ملی به چه نحوی حل خواهد شد، کاملاً بشرایط مشخص تاریخی و برپیشبرد مبارزات پرولتاریا بستگی دارد. مسئله مهم تکامل مبارزه طبقاتی پرولتاریا است.

"بورژوازی همیشه خواسته های ملی خود را در درجه اول قرار می دهد و آنها را بدون هیچ تدویر طوطی مطرح می سازد. برای پرولتاریا این خواسته ها تابع منافع مبارزه طبقاتی است. از نظر نسبی سوسیالیسم برابری را پیش فرض می کند که با این حدس نیست است که انقلاب سوسیالیسم در کشورها را ایجاد می کند. برای برابری سوسیالیسم ملیت دیگر چیزی که در هر دو مورد برای پرولتاریا مهم است تا میان تکامل طبقه خود می باشد. (لنین همه جا، تاکیدیها از ما است.)

(۷) - مبارزه ملی - طبقاتی در کردستان و نحوه برخورد رفقای فدائی در توضیح ما هیت آن

"بیانیه س.ح.ف.خ. در باره کردستان" بدلیل آنکه بودن آن از پیش لیبرالی و دید زورنالیستی خرده بورژوازی که تجلیات بارز تفکر و شیوه برخورد خرده بورژوازی را بنمایش می گذارد، نظریه سطران را قاسم انتقاد می سازد. از برداختن به جزئیات سعی میکنیم "روح" موجود در بیانیه را که در پس عبارات آن نهفته است بیرون کشیده و عمده ترین جلوه های انحرافی آنرا برشماریم:

۱ - دید ایدئالیستی و اومانستی خرده بورژوازی

کمونیستها هیچگاه آرمان مبارزه برای امر پرولتاریا و زحمتکشان را با ایده های تجربیدی و اومانستی دفاع از "محمومان" مظلومان، ستمدیدگان مخدوش نمیکنند. حال به بیانیه نگاه می بینیم: "کسی که راه حق و حقیقت را پیش گرفته است، کسی که از مظلومان، از ستمدیدگان، از کارگران و دهقانان دفاع میکند بی تردید مورد ظن و لعن قرار میگیرد... راستگویی و حقیقت جویی و دفاع از حق محرومان بدون شک صاحبان قدرت را بخشم می آورد."

۲ - تحریف مفهوم پیشرو و دید "تمام خلقی"

کمونیستها هیچگاه مفهوم روشنفکر انقلابی طرفدار طبقه کارگر را تا حد "فدایی خلقی" و عیاراتی که بنامه "جوهر خود"

توضیح: بععلت زیاد بودن حجم مطالب محدودیت ما در اضافه کردن صفحات سلسله مقالات "در فضای سوسیالیسم" را در شماره های آینده پس از خاتمه مقاله "دوشیوه برخورد..." ادامه خواهیم داد.

همیشه یار محرومانند شزل نخواهند داد. حال نگاهی به بیانیه می بینیم: (فدائیان خلق) " جوانانی هستند که بنامه جوهر خود در برابر هر ظلم و ستمی که روا میشود و در هر کجا که حق کشی و زورگویی باشد... به اعتراض برمیخیزند. فدائیان فدائی خلقند" و بیاد بیاوریم سرود انترناسیونال را: "رهائی پرولتاریا امر خود پرولترهاست!"

۳ - در ابهام قرار دادن مرز انقلاب و ضد انقلاب و فرار از برخورد مارکسیستی با

ما هیت هیئت ها کما کمونیستها همیشه طبقات متخاصم را به روشنی تصویر کرده و برخوردهای موجود در جامعه را از دید طبقاتی تحلیل مینمایند. حال نگاهی به بیانیه می بینیم: "... اما از آنجا که جاکیت (!؟) بنامه ما هیت طبقاتی (؟) جریان مبارزات عدا میریالیستی مردم را در نیمه راه متوقف نمود...، "در یکطرف توده های قرار داشتند که خود را آزاد شده احساس میکردند، از طرف دیگر عوامل مزدور (!) و سربرده رژیم سابق...". بیانیه با تحریف و مبهم کردن مرز انقلاب و ضد انقلاب چنین میگوید: "خلق کرد در مورد ضد انقلاب در منطقه میگوید: ضد انقلاب عبارتست از خانها و فئودالها و نقابای مزدوران رژیم سابق (پالیزبان و سالار خان و غیره) و سایر مرتجعین محلی. کسانیکه با خواسته های حق طلبانه خلق کرد به مخالفت برخاسته و در راه..."

گویی خلق کرد با آه و ناله و با استرحام دولت شورویست و فدائیان را خطاب قرار داده که: "استیفاء نگیرید! آیا انقلابی! ما خدا انقلاب نیستیم، ضد انقلاب خانها و عوامل رژیم سابق هستند." گویی بسیاری بورژوازی حاکم که راه خیانت و متوقف کردن دامنه انقلاب را در پیش گرفته است، ابتدا جانی در صف ضد انقلاب نیست. ولی ظفره رفتن از واقعیات کار را به شناختن گویی میکشاند. چه در همین بیانیه در جایی دیگر از قول خلق کرد میگوید: "ما خواستار خود مختاری در چهارچوب ایران آزاد و دمکراتیک هستیم و این امر تحقق نخواهد یافت مگر با سرکوب نابودی شما می نشود! آیا چهار لگرو مرتجعین محلی و پیشبرد قاطعانه مبارزه فدائیان - یالیستی و ضد سرمایه داری وابسته."



تظاهرات ضد امپریالیسمی

نفر میرسد ما نند همیشه در جلوتظا هرکنندگان سبز شدند و با دان شعار "انام ما عمل دارد - فرصت طلب شما رداره" جیالت و آلت دست شدنتان را با ردیگرتان دادند .
سرنشنان یک جیباستین آبی رنگ که مربوط به پاداران بود ، نزدیک سفارت سعی کردند با آشوب و بلوا و تحریک مردم " که به فریاد برسید ... کتک کاری شده " تظاهرات را برهم بزنند . ولی توسط آنان خشنی شد ، چه گروههای مردم با این استدلال که ساید درگیری نبود ، چرا که درگیری بفتح آمریکاست به نقشه پاداران توجیهی نگردند . تظاهرات کنندگان با حفظ متانت کامل خود در مقابل اوپانان و فالانژها ، در پایان تظاهرات قطنانه ۸ ماده ای خود را قرائت کرده و سپس پراکنده شدند .

که سراسر ایران آزاد گردد .

رژیم ایران همچنانکه نمی تواند به آزادی سراسر ایران از سلطه و نفوذ امپریالیسم جاهه عمل بیوشاند ، به آزادی خلقهای تحسنت مضا عفت نیز نمی تواند تحقق بخشد ، آزادی خلقهای تحت ستم و آزادی سراسر میهن مسان دو روی یک مدالند که بیروی آن با حروف درت عبارت زیر حک گردیده است :

"جمهوری دمکراتیک خلقی !"

★ ★ ★

مادرا اینجا بررسی خود را از برخی مصوبات قانون اساسی به پایان می بریم . ضمن آنکه معتقدیم خلق قهرمان ایران این سند آنگار فدائلی را اگر نه امروز ، که فردا پاره پاره خواهد کرد .

اکنون مادر آستان رفرا اندوم قانون اساسی شاهد های و هوی خدا امپریالیستی رژیم هستیم . که بی تردید علاوه بر اینکه می تواند او را از چشم انقلابی توده ها مضمون نگاه دارد ، بلکه زمینه چینی مناسبی نیز هست برای اینکه با دست خالی به پیشواز رفرا اندوم نرود . او امروز بیش از هر زمان دیگر به رای توده ها نیا زمند است تا تلخکامی شکست نخاست سارن در انتخابات شورا های قلابی را جبران نموده و میزان اعتماد توده ها را به خود مورد سنجستی قرار دهد . اما از آنجا که تلاش آنها به درجهت نامین خواستهای توده ها و ندرجهت نابودی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم ، بلکه بعکس درجهت پشت پا زدن به تمام خواستها و آرمان های مقدس خلقهای ایران و تشبیت موقعیت امپریالیسم در ایران است ، ناچاراً این تلاش آنان نیز سرنوشتی جز شکست کامل نخواهد داشت . و آنگاه توده ها با ایران ساختن کامل نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم ، جمهوری دمکراتیک خلق را برپا خواهند داشت .

روز جمعه (۵۸/۸/۲۵) . به دعوت دانشجویان پیشگام عده کثیری از هموطنان مبارزانقلابی ما در یک گردهمایی خدا امپریالیستی در دانشکده پلی تکنیک تهران گرد آمدند . در این گردهمایی دربار امپریالیسم و لزوم محو کامل سلطه آن صحبت شد . در پایانها می که قرائت شد و در سخنرانی ها ، به جنایات امپریالیسم اشاره شد و سازشکاری و خیانتکاری میوه جیان انقلاب افشاء گردید . سپس جمعیت حاضر کتعدا آن به ده ها هزار نفر می رسید ، بسوی سفارت آمریکا راه پیمایی کردند . در دانشکده و در طول راه - پیمایی ده ها هزار هموطن مبارزانقلابی مسافریدامیزدند : خلق مای رزم ، آمریکا میلرزد - چه قدرت توده ها ، توسط آمریکا ، دیگر اثر ندارد - اتحاد ، اتحاد ، زحمتکشان اتحاد ، علیه امپریالیسم - آمریکا تو خالیست ویتنام گواهیست ...
گروهی فالانژ که تعدادشان به ۸۰ - ۲۰

بقیه از صفحه ۱۹ نگاهای به ...

متخصص میهن مان ، شناسایی حق خود مختساری واقعی و ریشه کن ساختن بقایای فئودالیسم . از نظر کمونیستها خود مختاری واقعی بصورت زیر عملی می شود :

۱- خلقها اداره امور (اداری ، فرهنگی ، اقتصادی و سیاسی) سرزمین آبا و جدای خود را با بدست گیرند ، این امر تنها با تشکیل آنها در سازمانهای توده ای آر کارگری دقانی ، زنان و مسلمین ... و اتحاد مستحکم طبقات خلقی در مقابل سرمایه داران و زمین داران وابسته ، فئودالها و سران عنا بصر امکان پذیر می گردد .

۲- زبان مادری خلقها باید زبان رسمی آنان در کلیه زمینه ها باشد . این امر بجز از طریق آموزش اجباری و تدریس کتب درسی و ادبی بزبان مادری امکان پذیر نیست . زبان فارسی که زبان مشترک کلیه خلقهاست تنها در کنار زبان مادری تدریس می شود .

۳- ریشه کن ساختن ستم ملی و بدست آوردن حق تعیین سرنوشت واقعی تنها وقتی میسر است که سلطه و نفوذ امپریالیسم در کلیه زمینه ها ریشه کن گردد . یعنی خلقهای تحت ستم وقتی به آزادی واقعی خواهند رسید

حفظ و بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته سازش با امپریالیسم و بقایای فئودالیسم و ممانعت از پیشرفت دامنه انقلاب دمکراتیک با سرکوب زحمتکشان و خلقها ، با اینکه مبارزه با فالانژ یا بهمان حزب ؟ حال نگاهای به بیانیه بیفکنیم : "هسته اصلی این مبارزه ، جدا کردن خلق کرد از حزب دمکرات کردستان و سایر سازمانهای انقلابی و مبارز آنست ."

(ادامه دارد)

۴ - پرده پوشی

مضمون طبقاتی حرکت هیئت حاکمه

کمونیستها منافع طبقاتی را تعیین کننده حرکت طبقاتی دانسته و هیچگاه با پرده پوشی مضمون طبقاتی حرکت طبقات حاکمه شعور طبقاتی بیولتاریا و زحمتکشان را زایل نمیکنند . حال نگاهای به بیانیه بیفکنیم : " آنان که بتازگی بقدرت رسیده اند (؟) با تنگ نظری ، انحصارطلبی ، سرتری جوئی ، ندانم کاری و محاسبات غیرواقعی و خیالی خود جنگی شوم ، ناخواسته و خانمان برانداز را در سخنی از میهن ما شعله ور ساخته اند . " " سازمان چریکهای فدایی خلق ... نمی تواند و نباید برای جلب حسن نظر آنان که اشتباه می کنند و اشتباهان بقیمت خون هزاران هم میهن ما تمام میشود ... از باز گو کردن حقایق برای مردم میهن خویش چشم ببوشد . "

" حوادث نکرده ، مربوطان و اکنون باوه در سراسر کردستان نشان میدهند که توده مردم کرد اعتمادی به سیاست نیروهای حاکم ندارد و این واقعیتی است که نادیده انگاشتن آن (تنها) " نادیده انگاشتن واقعیات " نه منافع طبقاتی !!) عامل اصلی توسل به راه حل نظامی و لشکرکشی به کردستان است . "

۵ - تزلزل خورده بورژوازی

در افشای عملیات جنایتکارانه

کمونیستها در محکوم کردن و ناخشن بر جنایتکاری ارتجاع هیچگاه با کلمات بازی نمیکنند و از افشای واقعیت بشدیدترین وجه ممکن هراسی بدل راه نمیدهند . حال نظری به بیانیه بیفکنیم : " اگر راه حل نظامی و سرکوب شدید خلق کرد و سایر خلقها منی - توانست چاره (؟) کار باشد مسلماً مدتها قبل نتیجه داده بود . " ، " ... این واقعیتی است که نادیده انگاشتن آن عامل اصلی توسل به راه حل نظامی و لشکرکشی به کردستان است . " ، " چرا یا لشکرکشی نظامی به کردستان مخالفیم ؟ "

اشتباه نکنید! این عبارات ، نگاشته یک ژورنالیست لیبرال و یا " روزنامه مردم " نیست بلکه از آرنس ، ج.ف.خ. است . معمولاً اصطلاح مخالفت با راه حل نظامی از طرف لیبرالها بقصد سکوت در برابر " اصل مطلب " و بحث در باره " روش " بکار می رود .

۶ - تجلی " پیشتاز " اندیشی

در بیان علت بروز

جنگ و هدف آن

علت واقعی بروز جنگ در کردستان چه بوده است ؟ خیانتکاری بورژوازی به انقلاب

قانون اساسی " خبرگان " زنجیر است به پای زحمتکشان

افترازی های تازه رویونیست ها

رویونیستهای توده ای همچنان به راه کوشی و استمرارنی خود علیه نیروهای انقلابی ادامه میدهند. تعجب آور نیست که کسانی رهبران و سازمان های مترقی و نوا میربالیستی را وابسته به میربالیسم معرفی میکنند که هر چند که یکی از اعضای سرشناسان ساواکی از آبدرمی آبدی ما برای ساواکی بودن مسئول ابالستی "حزب" توده در اصفهان را همین چند ماه پیش در جریان انتخابات مجلس "خیرگان" هدیه یاداریم .

"سازمان انقلابی رحمتگان کردستان" را همه زحمتگان و نیروهای انقلابی بویژه زحمتگان کردستان بخوبی می شناسند و مبارزات دموکراتیک و نوا میربالیستی این سازمان ۱۰ ماه را در اصفهان گذشت (همان سال - ها) که خارج از نستان رویونیست برای شهیدی دلاور کمیونیست ، اشک تصاح میریختند و آنان را به راه و روش "حزب" خود رخصت شدن با بورژوازی وابسته فراموش خوانند و بویژه دفاع قهرمانانه این سازمان را در جریان اخیر در یورش نوا انقلابی هیئت حاکمه به کردستان بیاد داریم .

بنا بر این حزب خائن توده ای جدیدی با افترا بستن های فحش خود را در بین توده ها مخصوص خلق کرد سرا ترمی بازده اما با این بخاطر آوریسم که رویونیستها و نوکبران بوسیال امیربالیسم در اصفهان می ابرئیه مبارزه با گروهها و نیروهای راستین کمز - نیستی را پیش میرند . سرداران ایستاد در عراق ، در انبوسی بدر زسم های ناشنسی رشد حلتی ، در تعقیب ولودان کمیونیستها بینترین کمکها را کرده اند . و در ایران نیز همین کاری را با آنها و افترا شروع کرده و اخیراً با نستان دادن خوش رقصی در نمایل "دادگاه های انقلاب" و دعوت از آن برای سگردا انقلابیون ، سمند نازای بدین سوره خود داده اند . و سلسلاً اگر فردا دشمنان برسد این سوره های تزلزل - گرانه شان را بیشتر گسترش خواهد داد . و جز این از کسانی که بد آرمایان طبقه کارگر خائنند کرده اند استظاری نیست .

در شرایطی که توطئه های هیئت حاکمه در سرکوبی خلق کرد و تلسناب وسیع آن درباره اینکه عوامل ندا سقلاب وابسته آمریکا و اسرائیل در کردستان توطئه میکنند ، نقش بر آب شده و رویونیست ها در سبب این مسئله آگاه میباشند که در کردستان نه عوامل آمریکا و اسرائیل بلکه خلق دلاور کردستان است که برای حقوق ملی و طبقاتی خود می رزمند ، رویونیستهای خائن حزب توده هنوز به همان ضلیغیات کهنه هیئت حاکمه ادامه می دهند . اینان که امروز در مجیز کوشی از هیئت حاکمه و اقدامات ضد خلقی آن در کردستان گوی سبقت را از مترجم ترین عوامل درون هیئت حاکمه نیبرده اند ، همچنان با تحریف مبارزه تا دلانه ، خلق کرده اند می کنند که "عصا انقلاب" در کردستان را عوامل سیا و میربالیسم رهبری میکنند و ما "مداکرات خلق" اند . آنان در این تبلیغات نوا انقلابی به جانی رسیده اند که در روزی نامه "مردم" می نویسند : "بار دیگر در حوادث خونبار کردستان دیده شد که دست خائنها بر سر انبالیسم حتماً و الزماً به نام ما ، بلکه سابق و ساواکی اعلام شده عمل نمی کند ، بلکه میتواند از استین آنجده جادو را بی نام گرفته ولی هیچ وجه منتزکی با جادو استن بعنسی طرفداران خلق رحمتگان ندارد و در واقع چپ ناطی است ، سیرون آمد . گفته میشود که یکی از سازماندهندگان اصلی وقایع اخیر و حملات به بدسون ارتش ، جلال الدین حسینی است . جلال الدین حسینی بقرا بریکه گفته میشود وابسته به یک سازمان ماژولستی بنام "سازمان انقلابی زحمتگان کرد" است . این سازمان ماژولستی زیر چمن نام عوام فریب - نه ای مستقیماً با کمیونیستها و آمریکا تنها در تعلق است ." (۲) توده های آگاه هیچگاه فراموش نخواهند کرد که همین ۷ ماه پیشتر عین همین ترهات را در باره سازمان ما عنوان کردند و دیدیم که چگونه بی آبرویی هر چه تما متر مجبور به عقب نشینی شدند و دعای خود را مسکوت گذاشتند . اما معلوم نبود که

مردم ، شماره ۸۴ ، دوسه ۱۴ آبان ۵۸

توضیحی در باره بیانیه اخیر "کنفرانس وحدت"

اخیراً بیانیه ای توسط "کنفرانس وحدت" در برخوردیه " سازمان جریکهای فدایی خلق" انتشار یافته است که چون امضاء سایر آن سیامده است ، اشاره مختصری را در اینجا لازم میدانیم .

علت عدم شرکت ما در این مؤسسه گیری اساساً در رابطه با دو استنباط و دو بینش کاملاً بنمادی بود که از جویگی همکارها در پیشبرد آن پس آمد . ما با این استنباط و تعریفار کنفرانس که همکارها جز ضروری آن بنما ترقیه ، نمیتوان یک امر جانبی و در موارد منحصر با بنیادین تک اعضاء آن امکان پذیر است ، با آن توجه می نمودیم ، در صورتیکه رفتار شرکت کننده در کنفرانس این همکاری را در خارج نظسرات و مواضع اعلام شده گروهها نه تنها لازم شمرده بلکه با استنباطی که ارائه میدادند ، گروهها را مستعد می نمودند که در این کار - جوب حتماً به همکاری دست بزنند . بر اساس این ارتباط در صورتیکه فرماً اکثریت اعضا کنفرانس نظرتان بر انجام یک برنامه عملی و با استنار اعلامیه ای در خارج نظرات اعلام شده گروهها باشد ، ولو با مخالفات انقلابیست (سپر دلیلی) ، کنفرانس می تواند جنبش اندامی دست بزند .

با توجه به اینکه این اختلاف نظر از نظر ما یک امر اصولی بنما رفته و اقدام عملی بر اساس آن را با سربا شعریه و هویت کنفرانس از نظر خودمان می دانستیم ، در این اقدام شرکت ننمودیم .

ما فعلاً بهیمن محترم در اینجا اکتفا میکنیم و نظرات شریخی و انضادی خودمان را بعداً و پس از طی جریان مبارزه ایدئولوژیک دروسی کنفرانس مطرح خواهیم نمود .

در باره مصوب بنمونی کنفرانس هم با این دلیل که با روی دادن این بیانیه بدلیل قوی مخالفت داشتیم برخورد نمی کنی نکردیم و توضیحی که در این باره نوشته بودیم متأسفانه بدلیل تکنیکی بدست رفتاری کنفرانس نرسیده است .

درخواست از هواداران

بر دلایم را نداشتن با شد و پرواضحت که این اشکال به مرتبلیغ و ترویج ما در سطح گسترده توده ای لطمات حدی میزند . اما مسلماً این کار راه حلها - شی دارد که در راه آنها کمک و یاری رفقای هواداران قرار دارد . رفقا ! ما بدون کمک و یاری شما نمیتوانیم تیراژ پیکار را بالا ببریم بنا بر این از هر طریق که میتواند ما

رفقا ! هواداران ! ما در انتشار پیکار ، از نقطه نظر بالابردن تیراژ آن با اشکالات جدی مواجه هستیم ، همین امر باعث شده که ما نتوانیم پیکار را با اندازه موردنیاز تکثیر کرده و در اختیار ر کلیه رفقا و خوانندگان بگذاریم . به همین علت از آغاز تا به حال هم گسترده و ضد مکر - تیک هیئت حاکمه ، یعنی از شهر به شهر ماه تا کنون پیکار بطور مرتب بدست رفقای هواداران رو دیگر خوانندگان نرسیده است و غالباً رفقا مجبورند که آنرا دست بدست بگردانند و مسلماً چنین وضعی باعث گردیده که پیکار

را در این کار یاری رسانید ، پیشنهاد - اتی که ما در این مورد داریم :
۱ - از هر طریق که میتواند کمک کنید امکان چاپ و تکثیر خود را با ما در میان بگذارید تا با رهمودهای لازم جدا کنیم و عمل آید .
۲ - هسته ها و سلولهای انتشاراتی ایجا دکنید و از این طریق چه پیکار روچه اعلامیه ها و تراکت های سازمان را تکثیر کنید .
پیروز باشید

خلق‌ها در سوگ زلزله خراسان



حکمفرماست نمیتوان بدو آسایش دست یافت . اندیشه سوسا لیمورها ئی از جنگال حاکمیت سرما بهای امیرالیستی و وابسته روز بروز بیشتر در نزد زحمتکشان محبوبیت پیدا میکند . در چنین شرایطی است که امروز بیش از هر زمان دیگر بیونسد جنش کمونیستی و توده‌های زحمتکش ضرورت پیدا میکند .

رفقا! هواداران!

۱ - برای کمک کوتاه مدت و زیرساختی به هم‌میهنان زحمتکش ما در خراسان ، اکیپ‌های امدادی در مناطق مختلف بوجود آورید .

۲ - با ابعاد صدوق‌های کمک در کارخانجات ، محلات ، دانشگاهها ، مدارس و ... اقدام به جمع‌آوری کمکهای نقدی و جسمی و کرده‌و آنها را در اختیار اکیپ‌های امداد قرار دهید .

۳ - با پیوند یافتن با روستائیان زلزله‌زده ، آگاه‌های سوسیالیستی و دموکراتیک را به میان آنها ببرید . در میان آنها تبلیغ کنید که چشم امید به " کمک " های گروه‌های انجمن طلب‌ها که خدا کفر میتوانند روی مسکنی برای یکی از دردهای بی‌شمسار زحمتکشان باشد ، نبینند . برای روستائیان با زبان ساده توضیح دهید که نظایر سیل و زلزله نه یک " بلای ازلی " بلکه محصول روابط طبقاتی است . جماعتی است که جز از طریق نابودی سرما پیداری وابسته و استقرا رجیموری دموکراتیک خلق آریسین نخواهد رفت . حتی نسبت مبارزه انقلابی خلق کرد در میان روستائیان تبلیغ کنید و آنان را در جریان مبارزه طبقاتی و ضد امپریالیستی زحمتکشان و خلق‌های ایران قرار دهید . در کنار کمک‌های خود به روستائیان چه از طریق تماس نزدیک و چه از طریق تراکت و اعلامیه‌ها آنها توضیح دهید که چرا هیئت‌ها کم‌تلاش میکنند مانع از کمک مستقیم‌ها زمانها و گروه‌های انقلابی و مترقی به آنان گردد .

۴ - اخبار و تجربیات و مشاورات خود را بوسیله تبلیک‌دهای بظا هر خیرخواهان و کوا پرور - انجمن‌های انجمن طلب‌ها کم را بپسار سازمان ما ارسال کنید تا در نشریه بیکار منتشر سازیم .

را از دست داد و آواره شیرها و روستاها شوند ، چیز عجیبی نمی‌سواندماند .

همزمان با وقوع زلزله در جنوب خراسان و اطراف قاش هزاران نفر از هم‌میهنان ما که خود در شرایط کم و بیش مشابهی با روستائیان ستمدیده ، این دیار زندگی می‌کنند ، به کمک آنان می‌سایند و آوارگان حیز خودبخشی را در اختیار ما کسین زلزله‌زده‌ایس مناطق می‌گذارند . گروه‌های انجمن طلب‌روانی نیز اکنون فرسی یافته‌اند تا در بسا ه این کمک‌ها

محبوبیت و جانی برای خود بدست آورده و چنین وانمود کنند که فقط به تبرک کمک‌های آنهاست که روستائیان مدیبت زده‌و آواره می‌شوند زندگی کنند . به حیات سراسر بر منقبت خود داد بدهند . آنان برای اینکه شما کمک‌ها و تلاش‌های زحمتکشان و نیروها را زمانه سببای مترقی و انقلابی را در کمک بدهم می‌بینند . منیبت دند خود دستام خودسام کنند و گدارند که این نیروها با روستائیان تماس بگیرند بشیوه آری صبری اعلام میکنند که لزومی ندارد افراد و گروه‌ها به این روستاها بیرون بیاورند و با او ادرسا زندگه کمک‌های خود را حساب بانکی انحصاری آنان بریزند . کاری را که رژیم‌ها کم پس از قیام در منطقه زلزله‌زده طیس انجام داده و توسط کمیته‌ها مانع از کمک‌رسانی و تماس با توده‌های زحمتکش گردیده‌است ، در اینجا تکرار میکند . و این نشان‌هظ سیاست واحد اوست . ولی زحمتکشان این مناطق بدرستی میداند که با انجام فرم‌های چنین سطحی نمی‌توان مسائل در دنا کشان را حل نمود و اینان نمی‌توانند راه حل اصولی و دراز مدت برای مسائل زحمتکشان مناطق زلزله‌زده را قبیل مسکن ، آب و برق و بهداشت ... داشته‌اند . با شند . رژیم‌ها کم پس از ۹ ماه حاکمیت تاکنون نشان داده‌است که نه میخواهد و نه میتوانند با سخی به خواستهای توده‌های ستمدیده میهن ما بدهد . بلکه برعکس در همه جا در کنار زمین - داران و سرما پیداران به سرکوب اعترا فسات بحق زحمتکشان حتی در جزئی ترین خواستهای منفی پرداخته‌است .

زلزله هفته پیش در خراسان در شرایطی اتفاق می‌افتاد که هر روز خلاق‌های میهن ما بیشتر به این واقعیت آگاه میشوند که شما هنگامیکه سرما پیداری وابسته در کشور ما

زلزله‌ای که با حدود روز چهارشنبه ۲۳ آبان جنوب خراسان را لرزاند و صدها تن از هموطنان ما را با کام خود کشید یکباردیگر واقعیت دردناک زندگی زحمتکشان ما بویژه روستائیان را بیشتر روی خلق‌های ایران قرار داد . گشته‌شدن جمع کثیری از هموطنان ما هر چندگاه بر اثر زلزله نه یک " بلای آسانی " ویا " نازل شده " بلکه دقیقاً یک واقعیت اجتماعی است که با بستن علل و عوامل آن را در درون روابط حاکم بر جامعه جستجو کرد ، چرا که نظیر چنین وقایعی در بسیاری از کشورهای جهان اتفاق می‌افتد و کمتر آسیمی بیبار می‌آورد ، در حالیکه یک ارزش خفینت زمین در کشورهای عقب مانده‌ای نظیر کورما کافسی است که صدها هزاران نفر از زحمتکشان را به نابودی بکشاند . زندگی کردن میلیون‌ها زحمتکش روستائی در خانه‌هایی که از زخمت و گل ساخته شده ، نبودن کمترین امکانات رفاهی و درمانی و غیره در روستاها ، اتکا ، روستائیان به درآمدنا چیزی که از تولید کنا ورزی و بسا فروش آرزان قیمت نیروی کار و همه و همه واقعیتی است که زندگی کثیرالعددترین بخش زحمتکشان کشور ما را ترسیم میکند ، اینها همه و همه محصول حاکمیت سرما پیداری وابسته و استثماری بریر حاکمیت تده‌سترنج و نیروی کار زحمت - کشان توسط بستی سرما پیدار روزمین دار بربرک و امپریالیستی جیا نخواهد کرد کورما می‌باشد . در جها رجوب اقتصادی که در آن مالکیت خصوصی مجا زنده‌مسترد و توده‌های کثیر خلق در سراسر زندگی منقبت با خود با کار زحمت خویش محمول کارشان را به جیب عده‌ای منت جور و غارتگر بریزند و خود در عقب مانده‌ترین و دردمناک‌ترین شرایط زندگی کنند ، اتفاق افتادن چنین وقایعی که در آن ، ناگهان در عرض چندنا نیه صدها هزاران نفر زندگی ویا هستی نا چیز خود

کار برای کارگران ، زمین برای دهقانان

جرم کمونیست‌ها حقیقت گوئی و عاقبت بینی آنهاست

آری "جرم" کمونیست‌ها این است که بنا تحلیل علمی خود از تحولات جامعه، حقیقت و عاقبت قضا با را می بینند و به توده‌ها آگاه می دهند. سرمایه داران و نیروهای مترجم این "جرم" را با ردیالانه ترین تهمت‌ها یا سخ می دهند و توده‌های نا آگاه را علیه کمونیست‌ها بسیج می کنند و به خفه کردن صدا و کشتار، آنان را تهدید می نمایند. اما واقعات از هر قدرتی نیرومندتر است و روز بروز بیشتر صحت نظر کمونیست‌ها را - حتی از زبان مخالفین خود، از زبان قدرت حاکم - درک می کنند. به این "مثت نمونه خروار" توجه کنید:

در پیکار ۲۶ مورخه ۳۰ مهر تحت عنوان: امام خمینی به محمد میرلانساری تا مین داد. "حجت الاسلام سیدعلی خامنه‌ای (که از اعضای رهبری حزب چپ‌پوری اسلامی و عضو شورای انقلاب عم هست) در مسافرت خود به بلوچستان بجای تماس با مردم بلوچ با عوامیل ارتجاع محلی یعنی خانها و سردارها و مولوی های سرسپرده رژیم قبلی تماس میگیرد و از نتایج بسیار این مسافرت بود که دولت به اصلاح اسلامی ا مسمم بدت خویش سلحه به جوانین برای حفظ امنیت مناطق زیر نفوذشان گرفت و در این رابطه بود که به جوانین سرسپرده منطقه از جمله کریم بخش سعیدی و... به هر کدام ۵۰ تا ۱۰۰ قیلمه سلحه از طرف سرگرد ضیائی فرمات هتک ژاندارمری ایران شپسر تحویل میشود ..."

حالا به روزنامه اطلاعات ۱۹ آبان توجه کنید:

دادستان انقلاب اسلامی سیستان و بلوچستان:

توزیع اسلحه بین جوانین اشتباه بود

توزیع اسلحه بین جوانین

دادستان انقلاب اسلامی سیستان و بلوچستان از توزیع اسلحه بین جوانین زیر پوشش حفظ امنیت منطقه انتقاد کرد و گفت: پس از پیروزی انقلاب که این سلاح‌ها دست آنهاست، نه تنها امنیت منطقه را حفظ نکردند، بلکه کرا را با همین سلاح‌ها علیه انقلاب نیز توطئه کردند.

بنی نجاریان با اشاره به حوادث یاسگاه‌های دیپ، و هاسپکه، گفت: در ابتدای مسئولیت خود در این استان، موضوع جمع آوری سلاح را با فرمانده ژاندارمری در میان گذاشتم و گفتم که اینکار اشتباه بوده و باید سلاح‌ها پس گرفته شود، ولی متأسفانه تاکنون بطور قاطع اینکار صورت نگرفته و باز کتا از ژاندارمری خواستم که اسلحه‌ها جمع آوری شوند و اخیراً اقداماتی شده و تعدادی از جوانین دست دوم و سوم اسلحه‌ها را مسترد داشته‌اند اما هنوز بیش از نیمی از سلاح‌های توزیع شده مسترد نشده است.

آیا این فقط یک "اشتباه" است؟

کدام را باور کنیم: دم خروس یا...؟!!

۹ ماه از سقوط سلطنت میگذرد و توده‌ها مدام خواستار اقدام عملی وحدی علیه امپریالیسم آمریکا بوده و هستند.
۹ ماه است کمونیست‌ها و نیروهای مترقی و فدا امپریالیست قریا دبزنند: دشمن اصلی خلق‌های ما، آمریکا است و مصرا نه می‌خواهند که قرارداد‌های با رتبار نظامی، اقتصادی و سیاسی بین ایران و آمریکا لغو شود.
۹ ماه است که کمونیست‌ها و نیروهای مترقی و فدا امپریالیست خواستار آسندگدا سراراجا سوسی-های آمریکا، اسرائیل و ساواک افشا شود.
۹ ماه است که کارگران، مبارزمین ما قریا دبزنند "ملت بیگاری ما سرما به داری و ایستاست"

اما میوه چیمان انقلاب تمام تلاش خود، تمام حیل‌ها و عوامفریبی‌های خود را بکار گرفتند تا سمیت مبارزه را از امپریالیسم آمریکا منحرف کرده متوجه کمونیست‌ها و نیروهای مترقی سازند و در این راه از وقیحانه ترین تهمت‌ها هم خودداری نکردند:

ه جا سوس خانه آمریکا را فردای بعد از قیام در کف حمایت خویش گرفتند و قریب ۶ ماه آزار زیر نظر "کمیته سفارت آمریکا" که هنوز هم معلوم نیست تابع چه مقامی بوده قرارداد دند و پرونده های ناسوسی را طی ۶ ماه به جا های "امن" منتقل کردند.
ه قرارداد‌های نظامی و حتی کابینتولاسیون را ما هیا دست نخورده نگه داشتند و سرانجام تحت فشار توده‌ها مجبور به لغو آنها شدند.

ه آنقدر در خدمت به آمریکا و در سرکوب نیروهای فدا امپریالیست‌ها اصرار ورزیدند که آمریکا با خیال راحت موافقت خود را برای تحویل ۲/۵ میلیارد دلار سلحه به آنان اعلام کرد و بدون توجه به خشم شدید توده‌های قهرمان ایران، شاه جنایتکار را به آمریکا برد.

این سیاست طی ۹ ماه سوسله رژیم "ولایت فقیه" عملی شده و دکتریزدی مسئول مستقیم این جنایتها، اکنون اعلام می دارد که:

"به همت ما که رسیدم ایستان تا کد کرد سده من حتماً مسئولیتی داشته‌ام و وزارت امور خارجه که مسئول ورسر، چند ماهی در آنجا خدمت کردم مورد تائید ایشان هست. امام خمینی در این ملاقات تا کد کرده که معالیتها و اقدامات و موضعگیری‌های سیاسی سیدیلما می به عوامل ورسر امور خارجه مورد تائید بوده و می‌اندو هرگونه قضاوتی غیر از این را باشد نمی فرماید." (روزنامه نامه داد ۲۶ آبان)

حالا توده‌های ستم دیده ما واقعات و مشاهدات غیر قابل انکار خود را با و رکندیا عقب نشینی آقایان را بحساب فدا امپریالیست واقعی بودنشان بگذارند؟ شکی نیست که توده‌ها آنقدر برخواستهای اصولی و خدشه ناپذیر خود در مبارزه سی امان علیه امپریالیسم آمریکا با فشاری خواهند کرد تا سیه روی شود هر که در او غش باشد!

ما به همراه تمام نیروهای انقلابی و توده‌های آگاه خلق رفرا ندیم کذائی را تحریم می کنیم!

از آنجا که هیئت حاکمه وعده وعید خود را در مورد تشکیل مجلس موسسان زیر پا گذاشت و بجای آن مجلس "خبرگان" را با آن وضع درست کرد تا مانع از شرکت نیروهای انقلابی در این مجلس گردد.
از آنجا که این مجلس با تصویب اصل "ولایت فقیه" حاکمیت خلق را بر سر نوشت خویش زیر پا گذاشته است.
از آنجا که این مجلس، سرمایه داری را بر سمیت شناخته است.
از آنجا که این مجلس آزادی‌های دموکراتیک را تحت لوای مذهب (شیعه) پایمال کرده است.
از آنجا که این مجلس حقوق مسلم زحمتکشان را زیر پا گذاشته است.
ما به همراه تمام نیروهای انقلابی و توده‌های آگاه خلق رفرا ندیم کذائی را تحریم می کنیم.

در رفرا ندیم قانون اساسی، نه مثبت! نه منفی! تحریم انقلابی!